

گفتاوش

فصلنامه علمی - تخصصی ویژه مبلغان

تابستان ۱۴۰۴ ■ صفر ۱۴۴۷ ه. ق ■ ویژه نامه

سنت‌های الهی در نصرت حق از منظر قرآن کریم / عیسی عیسی زاده
عوامل همبستگی و وفاق ملی از دیدگاه قرآن و روایات / قاسم نصیرزاده
عوامل موفقیت جبهه اسلام در جنگ احزاب با نگاهی به جنگ دوازده روزه / دکتر مصطفی محسنی
تبیین و تحلیل بیانات مقام معظم رهبری در دفاع مقدس دوازده روزه / حجت حسینی
راهکارهای امیدافزایی در جامعه با تأکید بر شرایط جنگی / علیرضا انصاری
اخلاق جنگ و هولوکاست غزه / دکتر جواد دانش
نقش باورهای دینی در تاب‌آوری خانوادگی در شرایط جنگی / محمدحسین افشاری کرمانی
مدیریت سلامت روان فرزندان در شرایط جنگی / راضیه مرزانی
شرایط جنگی بستری مناسب برای انتقال مفاهیم ارزشی و متعالی به فرزندان / مسلم موحدی راد
هفت درس کاربردی از زندگی رسول رحمت ﷺ / دکتر اصغر آیتی
موااسات و دغدغه مندی نسبت به درد و رنج دیگران با تأکید بر سیره امام حسن مجتبی ﷺ / فرج الله میرعرب
امام رضا ﷺ و ترویج فرهنگ گفتگو: راهبردی برای کاهش تنش‌های اجتماعی / دکتر حمیدرضا مطهری
پیاده‌روی اربعین فرصتی بی نظیر برای تبلیغ جهانی اسلام / محسن اصغری و مسلم موحدی راد

را توشه

فصلنامه علمی - تخصصی ویژه مسلمانان
تأسیس ۱۴۰۴ - مهر ۱۴۴۷ - ویژه نامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی و تبلیغی
گروه تولید محتوا

معاونت فرهنگی و تبلیغی

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

◀ صاحب امتیاز:

◀ مدیر مسئول: سعید روستا آزاد

◀ سردبیر: مصطفی آزادیان

◀ کارشناس اجرایی: اکبر اسماعیل پور

نشریه «ره توشه» بر اساس پروانه انتشار به شماره ثبت ۸۶۲۴۴ تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۵ معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان فصلنامه تخصصی منتشر می شود.

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی	◀ سید محمد اکبریان
استاد سطح عالی حوزه علمیه قم	◀ عبدالکریم پاک نیا تبریزی
استاد سطح عالی حوزه علمیه قم	◀ علی خادمی
عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه	◀ ناصر رفیعی محمدی
عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی	◀ سعید روستا آزاد
استاد سطح عالی حوزه علمیه قم	◀ میر تقی قادری
استاد سطح عالی حوزه علمیه قم	◀ علی نظری منفرد

ویراستار: مرتضی غلامی

صفحه آرا: اکبر اسماعیل پور

مسئول چاپ و نشر: سید محمود کریمی

چاپ: مؤسسه بوستان کتاب

قم، چهارراه شهدا، معاونت فرهنگی و تبلیغی، طبقه اول، گروه تولید محتوا

کد پستی: ۳۷۱۵۷۹۱۸۱۱

۰۲۵ - ۳۱۱۵۲۰۲۱

<http://raatosh.dte.ir>

tabligh@dte.ir

۲۰ نسخه

۱۶۰۰۰۰ تومان

آدرس:

تلفن:

پایگاه اینترنتی:

پست الکترونیک:

شمارگان:

قیمت:



امام خمینی (قدس سرّه):

«اگر یک روحانی پایش را کیج بگذارد می‌گویند: «روحانیین این طورند»، نمی‌گویند فلان آدم... اگر یک روحانی خدای نخواستہ، یک خطایی بکند، این طور الآن وضع شده است که می‌گویند روحانیون این جوری‌اند. مسئولیت، یک مسئولیت بزرگی است که یکی اگر پایش را غلط بگذارد این طور نیست که پای خودش حساب بشود، پای روحانیت اسلام حساب می‌شود، شکست روحانیت اسلام است. از این جهت هر خطایی که از ما و شما آقایان خدای نخواستہ، تحقق پیدا بکند... پای همه حساب می‌شود؛ حتی آن طلبه‌ای که در مدرسه دارد درس می‌خواند، آن هم وقتی که یک خطایی بکند پای خودش حساب نمی‌شود، پای دیگران هم حساب می‌کنند. مسئولیت بسیار بزرگ است.»

بیانات در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی، ۱۶/۲/۱۳۶۴

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی):

«ما در محیط اجتماعی و محیط زندگی چطور می‌توانیم دل مردم را به منشأ گفتار خودمان مطمئن کنیم و اعتماد آنها را برانگیزیم؛ درحالی‌که از مذمت شهوات دنیوی حرف می‌زنیم و در عمل خدای نکرده خودمان طور دیگری عمل می‌کنیم! از مذمت دل‌سپردن به پول و حرکت کردن و مجاهدت کردن در راه زیاده‌خواهی‌های دنیوی حرف می‌زنیم؛ اما عمل ما طور دیگری باشد! چطور چنین چیزی ممکن است اثر بکند؟! یا اثر اصلاً نمی‌کند، یا اثر زودگذر می‌کند، یا اثری می‌کند که بعد با کشف واقعیت کار ما، درست به ضد اثر تبدیل می‌شود. بنابراین، عمل بسیار مهم است.»

بیانات در دیدار روحانیان و مبلغان، ۱/۵/۱۳۸۴

فهرست مطالب

سخن نخست ۵

سنت‌های الهی در نصرت حق از منظر قرآن کریم ۹

حجت الاسلام والمسلمین عیسی عیسی زاده

عوامل همبستگی و وفاق ملی از دیدگاه قرآن و روایات ۲۱

حجت الاسلام والمسلمین قاسم نصیرزاده

عوامل موفقیت جبهه اسلام در جنگ احزاب با نگاهی به جنگ دوازده روزه ۳۱

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی محسنی

تبیین و تحلیل بیانات مقام معظم رهبری در دفاع مقدس دوازده روزه ۴۱

حجت الاسلام والمسلمین حجت حسینی

راهکارهای امیدافزایی در جامعه با تأکید بر شرایط جنگی ۵۳

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری

اخلاق جنگ و هولوکاست غزه ۶۳

دکتر جواد دانش

نقش باورهای دینی در تاب‌آوری خانوادگی در شرایط جنگی ۷۵

حجت الاسلام والمسلمین محمدحسین افشاری کرمانی

مدیریت سلامت روان فرزندان در شرایط جنگی ۸۷

راضیه مرزانی

شرایط جنگی بستری مناسب برای انتقال مفاهیم ارزشی و متعالی به فرزندان ۹۹

حجت الاسلام والمسلمین مسلم موحدی راد

هفت درس کاربردی از زندگی رسول رحمت ﷺ ۱۱۱
حجت الاسلام والمسلمین دکتر اصغر آیتی

مواسات و دغدغه مندی نسبت به درد و رنج دیگران با تأکید بر سیره امام حسن مجتبیٰ ﷺ ۱۲۱
فرج الله میرعرب

امام رضا ﷺ و ترویج فرهنگ گفتگو؛ راهبردی برای کاهش تنش‌های اجتماعی ۱۳۱
حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمیدرضا مطهری

پیاده‌روی اربعین فرصتی بی‌نظیر برای تبلیغ جهانی اسلام ۱۴۱
حجت الاسلام والمسلمین محسن اصغری و حجت الاسلام والمسلمین مسلم موحدی راد

سخن نخست

از سنن الهی در این دنیا تقابل میان حق و باطل است. حق مطلق تنها خداوند متعال است: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ: این به خاطر آن است که خداوند حق است؛ و آنچه را غیر از او می خوانند باطل است؛ و خداوند بلند مقام و بزرگ است!»^۱ معرفت به حق تعالی و حرکت در مسیر صراط مستقیم موجب می شود انسان ها و ملت ها در انتخاب سبک زندگی خود، همواره در جبهه حق گام بردارند. در مقابل حق، جبهه باطل و شیاطین قرار دارند که می کوشند از سر عناد و سرکشی به جبهه حق آسیب برسانند و به خیال خام خود آن را نابود سازند: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ: آنان می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند؛ ولی خدا نور خود را کامل می کند هر چند کافران خوش نداشته باشند!»^۲

در طول تاریخ انسان ها و ملت های آزاده و آگاه که به حق تعالی باور عمیق دارند، آماده جان نثاری در راه حق و حقیقت هستند، همانگونه که عده ای نیز فریب جبهه باطل را خورده، در راه باطل و غلبه آن بر حق شبانه روز دسیسه می کنند: «ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ: این به خاطر آن است که کافران از باطل پیروی کردند، و مؤمنان از حقی که از سوی پروردگارشان بود تبعیت نمودند؛ این گونه

۱. حج: ۶۲.

۲. صف: ۸.

خداوند برای مردم مثل‌های (زندگی) آنان را بیان می‌کند!۱ اتباع از هواهای نفسانی و شیطانی، قتل و کشتار انسان‌های بی‌گناه، طرفداری از ظلم و جنایت و توجیه ناصواب آن، از ویژگی‌های برجسته جبهه باطل است. آزادگان عالم هیچ‌گاه نمی‌توانند در مقابل این جبهه سراسر ظلم و ظلمت سر تسلیم فرود آورند و دست بیعت دهند، چنانچه سالار شهیدان حضرت حسین بن علی علیه‌السلام فرمود: «مِثْلِي لَا يُبَايِعُ لِمِثْلِهِ».^۲ جریان امام علیه‌السلام و یزید، جریان تقابل حق و باطل بود به همین جهت فرمود: «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يَعْمَلُ بِهِ وَأَنَّ الْبَاطِلَ لَا يَتَنَاهَى عَنْهُ: أَيَا نَمِي بِنِينِدْ كَه بَه حَقَّ عَمَلْ نَمِي شُود وَ اَز باطل نهی نمی‌شود؟».^۳

یزید می‌خواست امام حسین علیه‌السلام را مجبور کند به جای این‌که مردم را ارشاد و هدایت فرماید و گمراهی آن حکومت ظالم را برای آنان تشریح نماید، بیاید حکومت آن ظالم را امضا و تأیید هم بکند! امام حسین علیه‌السلام فرمود «مِثْلِي لَا يُبَايِعُ لِمِثْلِهِ»؛ حسین چنین امضایی نمی‌کند. امام حسین علیه‌السلام باید تا ابد به عنوان پرچم حق باقی بماند؛ پرچم حق نمی‌تواند در صف باطل قرار گیرد و رنگ باطل بپذیرد.^۴

حمله آمریکا و رژیم بی‌ریشه صهیونی به کشور عزیز اسلامی در منطق و چارچوب حق و باطل تفسیر و تبیین می‌گردد. رژیمی که نزدیک به دو سال است مردم مظلوم و بی‌دفاع غزه را به خاک و خون می‌کشد، زنان و مردان و به‌ویژه کودکان بی‌گناه را مظلومانه به قتل می‌رساند، به کشور عزیز و مقتدر ایران اسلامی حمله می‌کند و تعدادی از فرماندهان ارشد نظامی و دانشمندان برجسته هسته‌ای و مردم بی‌دفاع را به شهادت می‌رساند، به خیال این‌که بتواند نور تابناک و درخشان جمهوری اسلامی را خاموش کند؛ اما ملت غیور ایران با همبستگی کامل در کنار رهبر مقتدر و قدرتمند خود ایستاد و ثابت نمود که جبهه حق همواره پیروز و جبهه باطل نابود شدنی است: «بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ: نَه، بَلْ كَه [شأن ما این است که] با حق بر باطل می‌کوبیم تا آن را درهم شکند [و از هم بپاشد] پس ناگهان باطل نابود

۱. محمد: ۳.

۲. اللهوف علی قتلی الطفوف (ترجمه فهری)، ص ۲۳.

۳. تحف العقول عن آل الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم، ج ۲، ص ۲۴۵.

4. <https://farsi.khamenei.ir/photo-album?id=56967>

شود».^۱ ایران اسلامی مشمول سنت نصرت الهی خواهد بود و همه باید بدانیم که این سنت مشروط به مساعدت جبهه حق و مقاومت و ایستادگی است: «وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ: و قطعاً خدا به کسانی که [دین] او را یاری می دهند یاری می رساند؛ مسلماً خدا نیرومند و توانای شکست ناپذیر است».^۲

ملت ایران ملت بزرگی است، ایران کشور قوی و پهنآوری است، ایران دارای تمدن کهنی است؛ ثروت فرهنگی و تمدنی ما صدها برابر بیشتر از آمریکا و امثال آمریکا است. اینکه کسی توقع کند که ایران تسلیم کشور دیگری بشود، این یکی از آن مهمل‌گویی‌های غلطی است که یقیناً مایه‌ی استهزاء افراد خردمند و افراد دانا واقع خواهد شد. ملت ایران عزیز است و عزیز خواهد بود، پیروز است و پیروز خواهد بود به توفیق الهی.^۳

خداوند سبحان را شاکریم که توفیق عنایت فرمود برای ایام تبلیغی دهه سوم ماه صفر، و ویژه‌نامه‌ای را با توجه به مسائل و چالش‌های روز جامعه برای مبلغان گرامی تهیه و در اختیار آنان قرار دهیم. در این ویژه‌نامه مباحث معرفتی، تاریخی، اخلاقی، خانواده، سیاسی و اجتماعی با عناوین ذیل مورد بحث و تبیین قرار گرفته است: سنت الهی در نصرت حق از منظر قرآن کریم؛ عوامل همبستگی و وفاق ملی از دیدگاه قرآن و روایات؛ عوامل موفقیت جبهه اسلام در جنگ احزاب با نگاهی به جنگ دوازده روزه؛ تبیین و تحلیل بیانات مقام معظم رهبری رحمته‌الله در دفاع مقدس دوازده روزه؛ راهکارهای امیدافزایی در جامعه با تأکید بر شرائط جنگی؛ اخلاق جنگ و هولوکاست غزه؛ نقش باورهای دینی در تاب‌آوری خانوادگی در شرائط جنگی؛ مدیریت سلامت روان فرزندان در شرائط جنگی؛ شرائط جنگی بستری مناسب برای انتقال مفاهیم ارزشی و متعالی به فرزندان؛ هفت درس کاربردی از زندگی رسول رحمت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم؛ مواسات و دغدغه‌مندی نسبت به درد و رنج دیگران با تأکید بر سیره امام حسن مجتبی علیه‌السلام؛ امام رضا علیه‌السلام و ترویج فرهنگ گفتگو؛ راهبردی برای کاهش تنش‌های اجتماعی؛ پیاده‌روی اربعین فرصتی بی‌نظیر برای تبلیغ اسلام.

۱. انبیاء: ۱۸.

۲. حج: ۴۰.

در پایان لازم می‌دانم از نویسندگان محترم و همه کسانی که در تولید و عرضه این ویژه‌نامه ارزشمند تلاش کردند، به‌ویژه حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی آزادیان رئیس محترم گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی و همکاران گرامی ایشان صمیمانه تقدیر و تشکر کنم.

سعید روستا آزاد

معاون فرهنگی و تبلیغی

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

سنت‌های الهی در نصرت حق از منظر قرآن کریم

حجت‌الاسلام والمسلمین عیسی عیسی زاده *

اشاره

سنت‌های الهی در قرآن کریم به قوانین و اصول ثابت و پایداری اشاره دارد که خداوند بر اساس آنها جهان و انسان‌ها را اداره می‌کند. این سنت‌ها دربرگیرنده قوانینی برای هدایت، آزمایش و ابتلا، نصرت الهی و ... هستند. درک این سنت‌ها و عمل بر اساس آنها، برای سعادت انسان و شناخت بهتر خداوند ضروری است. در نوشتار حاضر کوشیده شده است با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن کریم، سنت‌های الهی در نصرت حق و اهل ایمان بررسی شود.

۱. وعده حتمی خداوند بر نصرت و یاری پیامبران و اهل ایمان

خداوند متعال درباره سنت قطعی خداوند بر نصرت حق، پیامبران و اهل ایمان می‌فرماید: «إِنَّا لَنَنْصُرَ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ: به یقین ما فرستادگان خود و کسانی را که [به آنها] ایمان آورده‌اند، یاری می‌دهیم؛ در زندگانی دنیا [به پیروزی در جنگ‌ها و به الهامات خیر] و در روزی که گواهان [اعمال از انبیا و معصومان و فرشتگان] به پا می‌خیزند [روز قیامت، به یاری در اجرای پاداش و کیفر]». ^۱ کلمه «إِنَّ» در آیه دلالت بر یقینی بودن دارد، همان‌گونه که کلمه لام در «لَنَنْصُرَ» تأکید بر قطعیت است؛ یعنی نصرت ما حتمی و قطعی است و نباید در تحقق وعده الهی شک کرد.

در آیه‌ای دیگر خلف وعده از سوی خداوند به پیامبرانش منتفی شده است: «فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخَلِّفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ: پس گمان نبر که خداوند وعده‌ای که به پیامبرانش داده

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

تخلف کند؛ زیرا خداوند قادر و انتقام گیرنده است.^۱ افزون بر اینکه خلف وعده یا به دلیل نداشتن قدرت و عجز بر انجام کاری است یا به دلیل احتیاج یا فراموشی که این دلیل در خداوند سبحان راه ندارد؛^۲ بنابراین دو آیه پیش گفته به گونه‌ای بر حتمی بودن وعده‌های الهی تأکید می‌کنند که حتی گمان تخلف این وعده‌ها نیز صحیح نیست.^۳

۲. نمونه عینی تحقق سنت الهی در نصرت حق

با بررسی آیات مرتبط با نصرت الهی، مشخص می‌شود سنت خداوند در موارد گوناگون در حق پیامبران و اهل ایمان تحقق پیدا کرده است؛ از جمله:

۱. حضرت نوح علیه السلام: «فَنَجَّيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِّ: مَا او و کسانی را که با او در کشتی بودند، نجات دادیم».^۴
۲. حضرت ابراهیم علیه السلام: «يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا: ای آتش، بر ابراهیم سرد و سلامت باش».^۵
۳. حضرت لوط علیه السلام: «إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَ أَهْلَهُ أَجْمَعِينَ: ما او و بستگانش [جز همسرش] را نجات دادیم».^۶
۴. حضرت یوسف علیه السلام: «وَ كَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ: و ما این گونه برای یوسف در زمین مکنت قرار دادیم که هر جای آن را که می‌خواهد برگزیند».^۷
۵. حضرت شعیب علیه السلام: «نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ: ما شعیب و مؤمنان همراه او را نجات دادیم».^۸
۶. حضرت صالح علیه السلام: «نَجَّيْنَا صَالِحًا وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ: ما صالح و مؤمنان همراه او را نجات دادیم».^۹

۱. ابراهیم: ۴۷.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۳۸۴.

۳. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۰، ص ۱۱۰.

۴. یونس: ۵۶.

۵. انبیاء: ۶۹.

۶. صافات: ۱۳۴.

۷. یوسف: ۵۶.

۸. هود: ۹۴.

۹. هود: ۶۶.

۷. حضرت هود علیه السلام: «نَجَّيْنَا هُودًا وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ: ما هود و مؤمنان همراه او را نجات دادیم».^۱

۸. حضرت موسی علیه السلام: «وَ أَنْجَيْنَا مُوسَى وَ مَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ: ما موسی و کسانی را که با او بودند، نجات دادیم».^۲

۹. حضرت عیسی علیه السلام: «إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَ رَافِعُكَ إِلَيَّ: من تو را می‌گیرم و به سوی خود بالا می‌برم».^۳

۱۰. حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم: «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا: همانا ما برای تو پیروزی آشکاری گشودیم».^۴

۱۱. اهل ایمان: «وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَ أَنْتُمْ أَذِلَّةٌ: همانا خداوند شما را در جنگ بدر در حالی که ذلیل بودید یاری کرد».^۵

۳. انواع نصرت حق

بر اساس آیه کریمه «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا...»^۶، نصرت و امداد خداوند که مطلق و بدون قید آمده است، در مورد پیامبران و مؤمنان به شکل‌های مختلفی جلوه می‌کند که در این بخش به چند نمونه اشاره می‌شود.

۳-۱. الفت و استواری قلب

ایجاد الفت و استواری در دل‌ها: «وَ لِيَزْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ»^۷ و «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا: خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند، به واسطه گفتار استوار [کلمه توحید] در زندگی دنیا و در آخرت پابرجا می‌دارد».^۸

۱. هود: ۵۸.

۲. شعرا: ۶۵.

۳. آل عمران: ۵۵.

۴. فتح: ۱.

۵. آل عمران: ۱۲۳.

۶. غافر: ۵۵.

۷. انعام: ۱۱.

۸. ابراهیم: ۲۷.

۳-۲. اجابت دعا

در سوره «انبیا» درباره دعای حضرت نوح و یونس و زکریا و ایوب آمده است: «فَاسْتَجَبْنَا»^۱ یعنی همین که خدا را ندا کردند، دعایشان مستجاب شد.

درباره اجابت دعای اهل ایمان نیز آمده است: «وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ: خداوند دعای کسانی را که اهل ایمان و عمل صالحند مستجاب می فرماید».^۲

۳-۳. دادن معجزه و استدلال

خداوند می فرماید: «أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ: به یقین ما فرستادگان خود را با دلایلی روشن [از منطق و معجزه] فرستادیم».^۳

۳-۴. اعطای حکومت

درباره خاندان حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن آمده است: «آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا: همانا ما به خاندان ابراهیم، کتاب و حکمت [نبوت و شریعت و معارف عقلی] دادیم و آنها را حکومتی بزرگ عطا کردیم».^۴

۳-۵. غلبه در جنگ

پیروزی اهل ایمان در جنگ با دشمنان: «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ: به یقین خداوند شما را در مواضع زیادی یاری نمود».^۵

۳-۶. آرامش

دادن سکینه و آرامش قلب: «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَ أَيْدُهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا: پس خدا سکینه و آرامش خود را بر او [پیامبر] فرود آورد و او را با سپاهسانی که شما آنها را نمی دیدید، [در جنگ های اسلامی] تقویت نمود».^۶

۱. انبیاء: ۷۶، ۸۴، ۸۸ و ۹۰.

۲. شوری: ۲۶.

۳. حدید: ۲۵.

۴. نساء: ۵۴.

۵. توبه: ۲۵.

۶. توبه: ۴۰.

۷-۳. هلاکت دشمن

هلاکت دشمن یا انتقام از او: «فَأَغْرَقْنَاهُمْ: سرانجام از آنها انتقام گرفتیم و آنها را در دریا غرق کردیم».^۱

۸-۳. امدادهای غیبی

امدادهای غیبی و نزول فرشتگان: «أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزَلِينَ: آن‌گاه که به مؤمنان می‌گفتی آیا شما را بس نیست که پروردگارتان شما را با سه هزار فرشته فرستاده‌شده [از آسمان] یاری دهد؟»^۲

۹-۳. ایجاد ترس و وحشت در دل دشمن

«وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ: و خداوند در دل‌هایشان رعب افکند».^۳

۱۰-۳. نجات از خطرها

خداوند متعال درباره حضرت نوح عليه السلام می‌فرماید: «فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ: پس او و کشتی‌نشینان را نجات دادیم».^۴

۱۱-۳. خنثی کردن حيله‌ها

خنثی کردن حيله‌ها و خدعه‌ها: «وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ الْكَافِرِينَ: [آری سرنوشت کفر و ایمان] همین است، و نیز اینکه خداوند همواره سست‌کننده نیرنگ کافران است».^۵

۱۲-۳. الهام به مؤمنان

«وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ فَأَقِيهِ فِي الْيَنِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَآئُوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ: و ما به مادر موسی الهام سَرِّی و سریع کردیم که او را شیر ده؛ پس اگر بر او ترسیدی [که فرعونیان بر او اطلاع یابند]، او را [در میان صندوقی قرار ده و] به دریا بینداز و مترس و محزون مباش، که بی‌تردید ما او را به سوی تو باز می‌گردانیم. و او را از

۱. اعراف: ۱۳۶.

۲. آل عمران: ۱۲۴.

۳. حشر: ۲.

۴. عنکبوت: ۱۵.

۵. انفال: ۱۸.

پیامبران مرسل قرار می‌دهیم».^۱ مادر موسی که پیغمبر نبود، بلکه زنی باایمان بود که به او الهام کردیم بچه‌اش را شیر بدهد و درون جعبه در دریا بیندازد.

۴. عوامل دست‌یابی به نصرت جبهه حق در سنت الهی

خداوند سبحان در قرآن کریم برای تحقق سنت خویش در نصرت جبهه حق، عوامل و شرایطی را مطرح می‌کند؛ درواقع این‌گونه نیست که نصرت الهی بدون حساب و کتاب، به هر کسی و هر جایی تعلق بگیرد. در این بخش بعضی از آن عوامل و شروط بررسی می‌شود.

۴-۱. ایمان

ایمان به خداوند از عوامل مهمی است که نقش تعیین‌کننده‌ای در دست‌یابی به نصرت الهی دارد؛ زیرا ایمان سرچشمه بسیاری از عوامل دیگر نصرت الهی همچون تقوا، توکل، دعا، شجاعت، مقاومت، اطاعت‌پذیری و ... است. خداوند سبحان درباره نقش مهم ایمان در پیروزی و نصرت مسلمانان فرموده است: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ: [در انجام فرمان‌های حق و در جهاد با دشمن] سستی نکنید و [از پیشامدها و حوادث و سختی‌هایی که به شما می‌رسد] اندوهگین مشوید که شما اگر مؤمن باشید، برترید و [بر دشمنان پیروز هستید]».^۲

این آیه برای تسلیت به مسلمانان به دلیل جراحت و کشتار در غزه احد نازل شد و خداوند اراده فرمود که کافران را مرعوب کند؛ ازاین‌رو به مسلمانان فرمان داد مشرکان را دنبال کنند و ضمن تشویق و تحریض، آنها را از سستی‌ورزیدن و حزن و اندوه نهی فرمود و به آنها وعده داد اگر به ایمان به خدا تمسک بجویند، سرانجام پیروزی با آنان خواهد بود؛ زیرا مشرکان قصد داشتند به مدینه برگردند و مسلمانان را غارت نمایند، اما زمانی که فهمیدند که مسلمانان به خود آمده‌اند و قصد تعقیب آنها را دارند، هراسیدند.^۳

بنابراین اگر نصرت الهی را دایرمدار پیروزی مومنان بدانیم، باید این نکته را در نظر بگیریم که پیروزی، امری نسبی است و همواره این‌گونه نیست که پیروزی تنها به معنای پیروزی ظاهری و مغلوب‌کردن ارتش دشمن باشد، بلکه پیروزی نسبت مستقیمی با هدف دارد و هنگامی که هدف

۱. قصص: ۷.

۲. آل عمران: ۱۳۹.

۳. محمدباقر محقق، نمونه بینات در شأن نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین خاصه و عامه، ص ۱۵۱.

محقق گردد، شخص می‌تواند خود را پیروز بداند و یاری خداوند نیز می‌تواند در این چارچوب محقق شود؛ هرچند تحقق اهداف به شکست ظاهری بینجامد. بنابراین اگرچه مسلمانان در جنگ احد به دلیل نافرمانی بعضی از دستور رسول خدا ﷺ در ظاهر شکست خوردند، اما به دلیل ایمان عده‌ای از آنها که تصمیم به تعقیب دشمنان گرفتند، خداوند ترس آنها را در دل دشمنان انداخت و دشمنان مجبور به فرار شدند و در نهایت رسول خدا ﷺ و مسلمانان مشمول نصرت الهی شدند.

رهبر معظم انقلاب درباره نقش ایمان در جلب نصرت الهی و پیروزی ملت ایران بر حکومت طاغوت تا دندان مسلح فرمودند: «ملت ایران توانست با قدرت ایمان، با مجاهدت، با فداکاری، این حکومت طاغوت را علی‌رغم همه پشتیبانی‌های جهانی‌ای که از او می‌شد، ساقط کند و به جای او چیزی را سر پا کند که قدرت‌های استکباری طاقت دیدن آن را ندارند؛ یعنی نظام جمهوری اسلامی. این یک تجربه، دیگر از این تجربه بهتر؟ "وَلَا تَهْنُؤُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ"»^۱

ایشان در سخنی دیگر درباره نقش ایمان در دستیابی ملت ایران به نصرت الهی در هشت سال دفاع مقدس و جلب مدد خداوند در ادامه مبارزه با دشمنان اسلام و ایران فرمودند: «جنگ - دفاع هشت‌ساله - به ما نشان داد. ما الان می‌توانیم با همه توان ادعا بکنیم که جمهوری اسلامی با همه چالش‌هایی که در مقابل او به وجود می‌آورند، می‌تواند پنجه بیندازد و بر همه آنها می‌تواند غالب بشود؛ چون این را تجربه کرده‌ایم "وَلَا تَهْنُؤُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ"»^۲ اگر ایمان در دل و در عمل وجود داشته باشد، کوه‌ها در مقابل یک جامعه، یک مجموعه، یک انسان قوی، هموار خواهد شد و قدرت مقاومت نخواهد داشت. یکی از فواید جنگ برای ما این بود»^۳.

۴-۲. اخلاص

اخلاص و داشتن نیت خدایی از عوامل بسیار مهم در جلب نصرت الهی در تمام عرصه‌های زندگی به‌ویژه هنگام مبارزه با دشمنان اسلام است؛ زیرا خداوند متعال تنها عمل خالصانه بندگان را می‌پسندد و می‌پذیرد؛ از این‌رو مخلصان را حمایت می‌کند و راه‌های روشن هدایت و پیروزی

۱. سیدعلی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۳/۶.

۲. آل‌عمران: ۱۳۹.

۳. سیدعلی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۳/۳.

را به ایشان می‌نمایاند: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا: هر کسی در راه رضایت و خوشنودی ما تلاش و مجاهده نماید، ما راه‌های هدایت، پیروزی، نصرت و موفقیت را به رویش می‌گشاییم».^۱

نمونه عملی تحقق وعده خداوند بر نصرت مجاهدان مخلص بر دشمنان را می‌توان در صحنه‌های هشت سال دفاع مقدس مشاهده کرد. امام خمینی علیه السلام درباره اثر اخلاص رزمندگان در پیروزی و نصرت الهی در عملیات «فتح‌المبین» در جمع رزمندگان می‌فرماید: «شما با این اخلاص و ایثار، جمهوری اسلامی را بیمه کردید. فتح‌هایی که نصیب شما شده است خصوصاً در فتح مبین، گرچه با هیچ معیاری نمی‌توان آن را سنجید و با هیچ زبانی نمی‌توان توصیف کرد؛ لکن آنچه که بالاتر از همه آنهاست، این صداقت شما و این اخلاص شما در بارگاه حق تعالی است».^۲

۴-۳. دعا و تضرع

از دیگر عوامل دستیابی به نصرت و یاری خداوند، دعا و تضرع به درگاه الهی است. انسان باید با ذکر الهی و دعا پیوند خویش را با خدایی حفظ کند که همه هستی در اختیار اوست و اگر بخواهد، آتش را گلستان می‌کند و اثر اسباب را سلب می‌کند و بی‌اسباب، پیروزی را رقم می‌زند. مؤمنان در هر کاری به‌ویژه در مبارزه با دشمنان می‌بایست دست به دعا بردارند و با اتصال به منبع لایزال قدرت و ثروت و عزت از او بخواهند تا با اسباب یا بی‌اسباب آنان را یاری کند؛ چراکه خزاین هستی در اختیار خداست. همچنین مسلمان بر این عقیده و باور است که یاری تنها از سوی خداوند است: «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ»^۳ و هیچ ارتباطی با کثرت اسباب و افراد ندارد. خداوند متعال هنگام یادآوری رویارویی مسلمانان با کافران در قرآن کریم، گوشه‌ای از دعای مسلمانان را ذکر می‌کند که هنگام رویارویی با کافران دست به دعا و تضرع برداشتند و از خداوند طلب یاری کرده‌اند؛ از جمله در رویارویی اهل ایمان تحت فرماندهی طالوت در مقابل جالوت آمده است: «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبَّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ: در زمانی که با جالوت و سپاهیان‌ش روبرو شدند، گفتند پروردگارا، صبر را بر دل‌های ما بریز و قدم‌هایمان را استوار کن و بر گروه کافران پیروزمان

۱. عنکبوت: ۶۹.

۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۳۰.

۳. آل‌عمران: ۱۲۶.

کن».^۱ این دعا را سپاهیان طالوت قبل از آغاز نبرد و جنگ بر زبان آوردند که نتیجه آن پیروزی طالوت و لشکر وی بر جالوت بود؛ خداوند در ادامه در این باره می‌فرماید: «فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ».^۲

نمونه دیگر از نقش دعا و تضرع در جلب نصرت الهی در جنگ مسلمانان با دشمنان، جنگ بدر است. دشمنان با تعداد زیادی و با فخر و تکبر از مکه بیرون آمده بودند که غرور ابوجهل نشان‌دهنده آن بود، اما پیامبر ﷺ با دعا و تضرع به سوی خداوند گفت: «اللَّهُمَّ هِذِهِ قُرَيْشٌ قَدْ أَتَتْ بِحَيْلَائِهَا يُكَذِّبُ رَسُولَكَ، اللَّهُمَّ فَتَنْصُرْكَ الَّذِي وَعَدْتَنِي: پروردگارا، این قریش است که با غرور و تکبر آمده و پیامبرت را تکذیب می‌کند. بارالها، با نصرت خود که من وعده کرده‌ای، یاری‌ام کن».^۳

در نقل دیگری از ابن ثیر آمده است در جنگ بدر هنگام شب که تمام لشکر اسلام در خواب بودند، پیامبر ﷺ در کنار درخت نماز می‌خواند و در سجده خویش چند مرتبه این کلمات را می‌گفت: «یا حیُّ یا قیوم» و به اصرار از خداوند طلب یاری می‌کرد.^۴ انس بن مالک نیز روایتی را نقل می‌کند که پیامبر ﷺ در زمان رفتن به جنگ با دشمنان، این دعا را می‌خواند: «اللَّهُمَّ أَنْتَ عَظْمَدِي وَأَنْتَ نَصِيرِي وَبِكَ أَقَاتِلُ: خدایا تو پشتیبان و یاری‌دهنده من هستی و با کمک تو جنگ با دشمنان را آغاز می‌کنم».^۵ همچنین می‌فرمود: «إِثْنَانِ لَا تَرْدَانِ أَوْ قَلَمًا تَرْدَانِ: الدُّعَاءُ عِنْدَ النَّدَاءِ، وَعِنْدَ التَّبَاسُ حِينَ يُلْحِمُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا: دعا در دو زمان رد نمی‌شود یا در بعض موارد رد نمی‌شود؛ دعا در وقت اذان و دعا در وقت جنگ، هنگامی که جنگ و نبرد میان دو گروه گرم می‌شود».^۶

نمونه دیگری از تأثیر دعا و توسل در پیروزی مجاهدان اسلام بر دشمنان، دعاها و رازنیاها و توسل رزمندگان هشت سال دفاع مقدس کشور عزیز ایران است. در این هشت سال، فرصت زیباترین مناجات‌ها و دعاها پدید آمد و در قالب دعا، احساس فقر و نیاز عبد در مقابل خدای غنی و بی‌نیاز مطلق تجلی یافت. امام خمینی رحمته الله در این باره خطاب به رزمندگان اسلام چنین

۱. بقره: ۲۵۰.

۲. بقره: ۲۵۱.

۳. عبدالملک بن هشام، سیره ابن‌هشام، ج ۳، ص ۱۶۸.

۴. اسماعیل بن عمر ابن‌کثیر، البدایه والنهایه، ج ۵، ص ۸۲.

۵. محمد بن عیسی ترمذی، سنن ترمذی، کتاب الدعوات، رقم ۳۵۸۴.

۶. ابوداود حافظ بن حجر، سنن ابی داود، ج ۱، ص ۳۷۸.

می فرمود: «ای عزیزی که مجالس ذکر و دعا و مناجات شما در شب‌ها چون شب عاشورا به ملکوتیان نورافشانی می‌کند و چون ستاره‌های درخشان در جبهه‌ها می‌درخشد و روزتان چون روز عاشورا در مقابل یزیدیان استقامت می‌نماید، قدر این شب‌های معنوی و عرفانی و این روزهای سلحشوری و افتخارآمیز را بدانید که خدای بزرگ، شما را برای نصرت خویش انتخاب فرموده و امثال ما را لایق این خوان نعمت و رحمت و معنویت و فداکاری ندانسته است».^۱ بدین ترتیب فرهنگ دعا و مناجات در جبهه اسلام کاملاً نهادینه شد و افزون بر آثار شگرف آن دعاها، رشد معنوی ویژه‌ای نیز نصیب رزمندگان اسلام گردید.

۴-۴. صبر و مقاومت

از دیگر عوامل تحقق وعده خداوند بر نصرت اهل ایمان، داشتن روحیه صبر و مقاومت در مقابله با دشمنان و مشکلات موجود در مسیر مبارزه است؛ بر همین اساس، مجاهدان پیروان طالوت هنگام روبروشدن با دشمنانشان از خداوند طلب صبر و ثبات قدم کردند: «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ: در زمانی که با جالوت و سپاهیان‌ش روبرو شدند، گفتند پروردگارا، صبر را بر دل‌های ما بریز و قدم‌هایمان را استوار کن و بر گروه کافران پیروزمان گردان».^۲ خداوند هم وقتی مقاومت و پایداری آنها را دید، با آنها همراهی کرد و آنان را بر دشمنانشان پیروز گردانید.

در آیه دیگری نیز نصرت و پیروزی عده کمی از مجاهدان مسلمان بر عده زیادی از دشمنان، مشروط به داشتن روحیه صبر و مقاومت شده است؛ آنجا که خداوند فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ: ای پیامبر، مؤمنان را به جنگ برانگیز که اگر از شما بیست نفر صابر و مقاوم باشند، بر دویست نفر پیروز گشته و اگر از شما صد نفر [صابر] باشند، بر هزار نفر از کافران چیره شوند؛ زیرا آنان [دشمنان] گروهی هستند [که حقایق توحید و قدرت خدا را] نمی‌فهمند».^۳

در آیه‌ای دیگر به اثر استقامت و پایداری این گونه اشاره شده است: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلا تَحْزَنُوا وَابْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ:

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۵۷.

۲. بقره: ۲۵۰.

۳. انفال: ۶۵.

بی‌تردید کسانی که گفتند پروردگار ما خداست، سپس استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند و می‌گویند مترسید و اندوهگین نباشید؛ شما را به بهشتی که وعده می‌دادند، بشارت باد.^۱ اما درباره نقش صبر و مقاومت در خنثی‌سازی توطئه‌ها و مکرهای دشمنان از سوی خداوند آمده است: «وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَصْرُكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا».^۲

بنابراین رزمنده‌ای که برای تحقق آرمان خویش و برتری کلمه حق به موانع و مشکلات درونی از قبیل سستی، نومیدی، وسوسه‌های شیطانی، ترس و ... یا موانع بیرونی از قبیل دشواری راه، آتش دشمن، زخمی‌شدن و امثال آن برخورد می‌کند و در برابر همه این مشکلات مقاومت می‌ورزد و صحنه نبرد را ترک نمی‌گوید، مصداق کامل انسان صابر است و به یقین بر اساس وعده الهی بر دشمنش پیروز خواهد شد.

امام خمینی رحمته الله علیه نیز صبر و پایداری را یکی از علل پیروزی ملت ایران در عرصه‌های مختلف از جمله دفاع مقدس می‌داند؛ چنانچه فرموده‌اند: «با تمام قدرت بیست سال هم این جنگ اگر طول بکشد، ما ایستاده‌ایم»؛^۳ «امروز روز استقامت، روز پایداری است»^۴ و در سخن دیگری فرمودند: «این ملت باید علاوه بر جهاد، استقامت در جهاد داشته باشد».^۵ همچنین ایشان برای جلوگیری از سستی و رخوت ملت ایران فرموده‌اند: «جنگ [ها] کمبود دارد، جنگ شهادت دارد ... جنگ‌ها خرابی دارد ... باید استقامت داشته باشید، پایداری داشته باشید».^۶ مقام معظم رهبری نیز در این باره فرموده است: «شما بسیجی‌ها یکی از نمونه‌های برجسته این استقامت‌اید. یک وقتی در دوران دفاع مقدس، شرق و غرب دنیا با هم علیه ملت ما هم‌دست شدند، ملت ایستاد؛ امام مثل کوه استواری ایستاد و ملت هم به او لبیک گفتند. این استقامت، ما را در این جنگ طولانی و دشوار - هشت سال - موفق کرد و پیروز شدیم و دشمن خوار و خفیف شد. همه آن نیروهای جهنمی که پشت سر رژیم بعثی بودند، مجبور شدند به قدرت و عظمت ملت ایران اعتراف کنند».^۷

۱. فصلت: ۳۰.

۲. آل‌عمران: ۱۲۰.

۳. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۳۱۵.

۴. همان، ج ۱۹، ص ۱۹۵.

۵. همان، ج ۱۳، ص ۴۶۳.

۶. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۴۶۲.

۷. سیدعلی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۵/۱/۶؛ در: <https://khl.ink/f/3334>.

بنابراین امروز که استکبار جهانی و دشمنان اسلام تمام کوشش خود را بر شکست دادن جمهوری اسلامی و ملت عزیز ایران فرار داده است، اگر قرار باشد مثل گذشته نصرت الهی نصیب امت اسلامی شود، باید با تمام قوا در مقابل تمام مشکلات اعم از تحریم‌ها و دیگر سختی‌ها صبر و مقاومت از خود نشان دهیم.

کتاب‌نامه

قرآن مجید

۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه والنهایه، بیروت: دارالفکر، ۱۳۵۷ ق.
۲. ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، بیروت: دارالمعرفه، [بی تا].
۳. آل سجستانی، ابوداود حافظ ابن حجر، سنن ابی داود، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ ق.
۴. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، مصر: دارالحديث، ۱۴۱۹ ق.
۵. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: منشورات جماعه المدرسین، ۱۴۱۷ ق.
۶. محقق، محمدباقر، نمونه بینات در شأن نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین خاصه و عامه، تهران: اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۸. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه نور، تهران: مرکز نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۱ ش.

عوامل همبستگی و وفاق ملی از دیدگاه قرآن و روایات

حجت الاسلام والمسلمین قاسم نصیرزاده *

اشاره

«همبستگی و وفاق ملی» از موضوعاتی است که در شرایط مختلف به‌ویژه بعد از جنگ‌ها و تنش‌های منطقه‌ای اهمیت ویژه‌ای دارد. در آیات متعددی از قرآن، بر اهمیت اتحاد و همبستگی میان مسلمانان تأکید شده است؛ همچنین روایات متعددی از معصومان علیهم‌السلام بیان‌کننده نقش مهم اتحاد و انسجام میان ملت‌های مختلف با قومیت‌های متفاوت است. این اتحاد نه تنها اصلی دینی، بلکه در جایگاه ضرورتی اجتماعی و سیاسی در دنیای معاصر نیز تفسیر شدنی است.

در تاریخ اسلام، همبستگی و وفاق میان رهبری جامعه و آحاد مردم از عوامل موفقیت مسلمانان بوده است. رهبر در جامعه اسلامی نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی حرکت‌های مردمی بر عهده دارد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از همان آغاز، درس همبستگی و وفاق را به یاران خویش می‌داد و لزوم اخوت و برادری به معنای واقعی را برای آنها تبیین می‌کرد. شرایط فعلی ایران در پی تنش‌های بین‌المللی به‌ویژه بعد از جنگ تحمیل دوازده‌روزه، ضرورت وفاق ملی را بیش از پیش نمایان کرده است. نوشتار حاضر به بررسی عوامل وفاق ملی از دیدگاه آیات و روایات می‌پردازد.

الف) عوامل ایجاد وفاق و همبستگی از دیدگاه قرآن

۱. اعتصام به حبل‌الله

یکی از عوامل مهم ایجاد همبستگی ملی، اعتصام به حبل‌الله است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ

قُلُوبِكُمْ: و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید. آن‌گاه که دشمنان یکدیگر بودند، پس میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید.^۱ خداوند در این آیه، اعتصام به «حبل الله» را نماد وحدت می‌داند.

در حدیث ثقلین قرآن و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله محور اعتصام هستند. رسول اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا: من در میان شما دو شیء گران‌بها باقی می‌گذارم: قرآن و اهل بیت؛ اگر به هر دوی اینها متمسک شوید، ابداً گمراه نخواهید شد».^۲

مقام معظم رهبری می‌فرماید: «همه ملت ایران و وحدت کلمه بر محور اسلام را فراموش نکنند: واعتصموا بحبل الله جميعاً؛ به ریسمان الهی چنگ زنید و بر محور اسلام متحد شوید. این اتحاد، علاج همه دردها و کوبنده تمام دشمنان است».^۳

امر حق را حجت و دعوی یکی است
خیمه‌های ما جدا، دل‌ها یکی است
از حجاز و چین و ایرانیم، ما
شبنم یک صبح خندانیم، ما^۴

۲. تبری و تولی

دو اصل تولی و تبری، نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ وحدت و جلوگیری از تفرقه بین مسلمانان بر عهده دارند. این دو مفهوم در کنار هم، دو رکن اساسی ایمان و اسلام را شکل می‌دهند و در عمل به شکل‌های مختلفی بروز می‌یابند. خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ: و هر کس خدا و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده‌اند، ولی خود بداند [پیروز است؛ چراکه] حزب خدا همان پیروز‌مندانند».^۵ همچنین در آیه دیگری فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوعٌ: درحقیقت خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف‌درصف، چنان‌که گویی بنایی ریخته‌شده از سرب‌اند، جهاد می‌کنند».^۶ خداوند در این آیه، افرادی را که در راه او قتال می‌کنند، به صورت

۱. آل عمران: ۱۰۳.

۲. حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۷۴.

3. <https://farsi.khamenei.> =1368.

۴. اقبال لاهوری.

۵. مانند: ۵۶.

۶. صف: ۴.

«صف» و متحد خوانده و مورد محبت و علاقه خود قرار می‌دهد. بنابراین تبری و تولی دو قطب متقابل هستند که هم جداکننده حق و باطل از یکدیگر هستند و هم به مسلمانان در تشخیص مسیر درست کمک می‌کنند.

۳. همبستگی در برابر دشمن

همبستگی مسلمانان در برابر دشمنان، یکی از موضوعات مهم و حیاتی در تاریخ اسلام و جوامع مسلمان است. این همبستگی بر مبنای اصول دینی، اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد و می‌تواند به شکل‌های مختلفی نمایان شود؛ برای مثال مسلمانان امروزه با تهدیدهای مشترکی نظیر افراط‌گرایی، استکبار و جنگ‌هایی مانند جنگ اسرائیل و ایران روبرو هستند. این موقعیت نیاز به همبستگی بیشتر را الزامی می‌کند تا بتوانند در برابر این چالش‌ها ایستادگی کنند. خداوند متعال، مؤمنان را به وحدت در برابر دشمنان دعوت می‌کند و می‌فرماید: «مؤمنان باید یکدیگر را یاری کنند».^۱ این یاری می‌تواند به واسطه انسجام ملی تقویت شود. امام خمینی علیه السلام همبستگی ملی را عامل و شرط ایستادگی در برابر توطئه‌های دشمن می‌داند و با تأکید بر لزوم همگرایی آحاد جامعه، می‌فرماید: «ما همه در یک صف در مقابل اجانب، در مقابل توطئه‌ها ایستادگی می‌کنیم و نخواهیم گذاشت که اجانب به وسیله عمالشان نفوذ کنند در ملت».^۲ رهبر معظم انقلاب نیز بارها بر این نکته تأکید کرده‌اند که هم‌افزایی ملی، ابزار دفاعی مهمی در برابر توطئه‌هاست: «ملت ایران با وحدت خود، اتحاد و همبستگی خود، ... می‌تواند بر دشمن فایق بیاید...».^۳

۴. پرهیز از تفرقه و دگرسازی

در مقابل همبستگی، تفرقه و دگرسازی قرار دارد؛ از این رو قرآن مکرر به دعوت به همبستگی می‌پردازد و از هرگونه اختلاف و دگرسازی نهی می‌کند؛ به گونه‌ای که به تفرقه در جایگاه عذاب الهی اشاره شده است: «قُلْ هُوَ الْقَائِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْضِكُمْ: بگو او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما نازل کند»؛^۴ همچنین در آیه دیگری آمده است: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا: و مانند کسانی نباشید

۱. مانند: ۵۲.

۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۵۳۰.

3. <https://farsi.khamenei.ir/> =3429.

۴. انعام: ۶۵؛ ر.ک به: عبدعلی بن جمعه حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۷۲۴.

که پراکنده شدند و اختلاف کردند؛^۱ زیرا تفرقه و اختلاف موجب ضعف جامعه و تهدید انسجام آن جامعه می شود. خداوند در ادامه می فرماید: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ: و نزاع نکنید تا سست نشوید و قدرت شما از میان نرود».^۲ امام خمینی رحمته الله علیه در این باره تأکید می کند: «امروز ما مکلف هستیم که در هر لباس و هر شغلی که هستیم، از اختلاف کلمه احتراز کنیم ... و در این موقع حساس که کشور ما و اسلام عزیز در معرض خطر عظیم است، اختلاف و افتراق کلمه در حکم انتحار و به هدر دادن خون فرزندان اسلام است».^۳

۵. برادری و برابری

از دیگر عوامل همگرایی مسلمانان، برادری و برابری است. برادری و برابری در قرآن در جایگاه دو اصل مهم و اساسی مطرح شده است و خداوند با تأکید بر این دو اصل، جامعه ای مبتنی بر عدالت، همدلی و همکاری را ترویج می کند؛ از جمله می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ: مؤمنان برادر یکدیگرند».^۴ در واقع به گفته قرآن، مؤمنان به برکت اسلام با یکدیگر برادر می شوند.

از آنجا که مؤمنان در زندگی، هدف نهایی مشترک و ارزش های یکسان دارند، ایمان به آنها جهان بینی همانند می بخشد و راه و رسم زندگی آنها را هماهنگ می کند. این آیه، اساس برادری در اسلام را بر ایمان قرار می دهد و تأکید می کند تمام مؤمنان با چشم پوشی از نژاد، قومیت و زبان، با یکدیگر برادرند. قرآن با تأکید بر اصل تساوی حقوق، بیان می کند که همه انسان ها در برابر خداوند و در برابر قانون از حقوق یکسانی برخوردارند؛ همان گونه که درباره قصاص می فرماید: «الْحُرُّ بِالْحَرْ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَى بِالْأُنْثَى: آزاد در برابر آزاد، برده در برابر برده و زن در برابر زن».^۵ این آیه نشان می دهد که در اسلام، ملاک برابری در مجازات بر اساس جنسیت و موقعیت اجتماعی نیست.

مسلم استی دل به اقلیمی مبند
گم مشو اندر جهان چون و چند
می نگنجد مسلم استی مرز و بوم
در دل او یاهو گردد شام و روم

۱. آل عمران: ۱۰۵؛ ر.ک به: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۸۰۷.

۲. انفال: ۴۶؛ ر.ک به: سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۹۵.

۳. سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۱۱.

۴. حجرات: ۱۰؛ ر.ک به: محمد بن عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۲۸، ص ۱۰۶.

۵. بقره: ۱۷۸.

دل به دست آور که در پهنای دل می‌شود گم این سرای آب و گل^۱

ب) عوامل ایجاد همبستگی از دیدگاه روایات

همبستگی نه تنها اصلی اخلاقی در کلام و سیره معصومان علیهم‌السلام است، بلکه ضرورتی اجتماعی است که سبب تقویت هویت اسلامی و پایداری جامعه می‌شود. تعالیم و سیره معصومان ما را به سوی همبستگی بهتر هدایت می‌کند.

۱. رفتار معصومان علیهم‌السلام در ایجاد همبستگی

سیره عملی پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در زمینه وحدت مسلمانان، از همان آغاز با شعار توحید تجلی یافت. پیروان مکتب توحید، با اتکا به اعتقاد محوری یگانگی خداوند، بنیان جامعه‌ای اسلامی به نام «امت» را نهادند تا علل و عوامل تفرقه و مرزهای کاذب میان افراد جامعه را از میان بردارند. این رویکرد را امیرالمؤمنین علیه‌السلام و دیگر ائمه علیهم‌السلام نیز با تمام توان ادامه دادند.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همواره در پی ایجاد وحدت میان امت اسلامی، تحت لوای پیمان‌های اسلام بودند. منشور این پیمان‌ها، مسلمانان را بیش‌ازپیش به یکدیگر نزدیک می‌کرد و روابط دینی و پایه‌های عقیدتی تشکلی و گردهمایی‌های مردمی را تنظیم و تحکیم می‌نمود. اهل بیت علیهم‌السلام نیز همواره بر حفظ وحدت و جلوگیری از تشتت در جامعه اسلامی تأکید می‌ورزیدند.

قرآن کریم بارها با اشاره به اختلاف‌ها و عداوت‌های قبیله‌ای، از آنها منع کرده است؛ این موارد در سوره‌های آل عمران (۱۰۳ - ۱۰۵)، انفال (۴۳) و بیشتر آیات سوره حجرات مشاهده می‌شوند. افزون بر اینکه آیات فراوان دیگری نیز درباره اختلاف‌های دینی و عقیدتی وجود دارد که امیرالمؤمنین علیه‌السلام به آنها می‌پردازد و در هشدار از این گونه اختلاف‌ها فرموده‌اند: «أَلَا وَإِنَّ بَلَيَّتَكُمْ قَدْ عَادَتْ كَهَيْئَتِهَا يَوْمَ بَعَثَ اللَّهُ نَبِيَّهٗ: آگاه باشید که همانا بلای [اختلاف شما] بازگشته است، همانند روزی که خداوند پیامبر خود را مبعوث کرد»^۲.

۲. گفتار معصومان علیهم‌السلام در ایجاد همبستگی

گفتار معصومان علیهم‌السلام در ترویج وحدت، اهمیت ویژه‌ای دارد و این مسئله در روایات به‌روشنی مشهود است. معصومان علیهم‌السلام همواره بر اهمیت همبستگی و اجتناب از تفرقه تأکید کرده‌اند؛

۱. اقبال لاهوری.

۲. سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۶.

همچنین گفتار ایشان ما نشان می‌دهد همبستگی و انسجام، اصل بنیادینی در اسلام است. در نگاه عمیق پیامبر ﷺ، درون‌مایه اصلی اتحاد بین مسلمانان، «ایمان به خدا» است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَ الْفُرْقَةُ عَذَابٌ: وحدت مایهٔ رحمت و تفرقه، موجب عذاب است».^۱ همچنین می‌فرمایند: «خداوند برای شما سه چیز را پسندیده و سه چیز را مکروه دانسته است: برای شما رضایت داده که جز خدا را پرستش نکنید، هیچ چیز را شریک او قرار ندهید و به ریسمان خدا چنگ زنید و متفرق نشوید و اینکه خیر خواه کسی باشید که خداوند او را بر شما ولایت داده است؛ و برای شما قیل و قال و زیادی پرسش و ازین بردن مال را مکروه دانسته است».^۲

امیر مؤمنان علیؑ در دوران حکومتشان بر انسجام مسلمانان تأکید داشتند و بارها اعلام کردند نقد حکومت و حتی مخالفت با آن تا آنجا پذیرفتنی است که سبب شکست اتحاد ملی نشود: «من تا روزی مخالفت را بر می‌تابم که به صفوف به هم پیوسته اتحاد مردم لطمه‌ای وارد نشود و تشّت در جامعه ایجاد نشود. اگر آنان به رأی سست و بی‌پایه خود اسرار ورزند و به هدفشان برسند و بتوانند مردم را گروه‌گروه کنند، آن روز نظم عمومی به هم می‌خورد و پایه‌های نظام سست می‌شود و جامعه به عقب برمی‌گردد و این چیزی نیست که بتوان آن را تحمل کرد».^۳ همچنین ایشان فرمودند: «از بلاهایی که به سبب اعمال زشت و نکوهیده بر سر ملت‌های پیش از شما آمد، پرهیزید و احوال خوب و بد آنان را به یاد آورید ... ؛ اگر در احوال نیک و بد آنان بیندیشید، همان کاری را عهده‌دار شوید که عزیزشان کرد ... و از کارهایی که پشت آنان را شکست و قدرتش را از بین برد، دوری کنید ...».^۴ حضرت در این خطبه، مهم‌ترین علل پیروزی و شکست ملت‌ها را تفرقه، کینه‌توزی، دشمنی و یاری نکردن یکدیگر بیان می‌کنند؛ بنابراین اگر در جامعه‌ای این مشکلات رخنه کند، تباهی آن جامعه حتمی خواهد بود؛ همان‌گونه که حضرت فرمودند: «الْخِلَافُ يَهْدِمُ الرَّأْيَ: اختلاف، بنیاد "اندیشهٔ درست" را در هم می‌ریزد».^۵ امیر مؤمنان علیؑ با اینکه جانشین پیامبر ﷺ بودند، به کسانی که دانسته یا ندانسته نزد ایشان

۱. علاء‌الدین علی متقی هندی، کنز العمال، ج ۱، ص ۱۷۸.

۲. همان، ص ۱۷۷ و ج ۱۵، ص ۸۲۸.

۳. سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۴. همان، خطبه ۱۲۷.

۵. همان، حکمت ۲۱۵.

می‌آمدند تا در برابر ابوبکر با وی بیعت کنند، فرمودند: «ای مردم، امواج کوه‌پیکر فتنه‌ها را با کشتی‌های نجات [علم، ایمان و اتحاد] در هم شکنید، از راه اختلاف و پراکندگی کنار بیایید، تاج تفاخر و برتری‌جویی از سر بنهید. [دو کس راه صحیح را پیمودند] آن‌که با داشتن یار و یاور و نیروی کافی به پا خاست و پیروز شد و آن‌که با نداشتن نیروی کافی کناره‌گیری کرد و مردم را راحت ساخت».^۱

عظمت همبستگی ملت ایران در جنگ دوازده‌روزه

امام خمینی رحمه‌الله و امام خامنه‌ای دام‌الله، نیز همواره در بیانات خود بر همبستگی ملی تأکید کرده‌اند و معتقدند همبستگی ملی می‌تواند نقش مهمی در پیشبرد اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایفا کند. امامین انقلاب بارها به اهمیت همبستگی ملی اشاره کرده‌اند؛ از جمله امام خمینی رحمه‌الله خطاب به مسئولان به همبستگی در مقابل دشمنان تأکید نمودند: «اختلاف موجب بهره‌برداری دشمن‌های اسلام و مسلمین است ... آنچه مطرح است، تقوا و اخوت بین مسلمین و دوستی و رفع اختلافات است»؛^۲ همچنین توصیه فرمودند: «از اختلافات دست بردارید. رمز پیروزی ما اتحاد بود، همبستگی بود».^۳ ایشان با نگاهی به سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اصحاب وی، می‌فرمایند: «اگر مسلمین بخواهند این عزت و عظمتی را که در صدر اسلام بین پیامبر اکرم و اصحاب بود و سایر اقشار مسلمین، آن سیره را متابعت کنند تا اینکه عظمت خودشان را بیابند، آن سیره همان اتفاق بر اسلام [است] که قدرت مافوق طبیعی می‌آورد».^۴

رهبر معظم انقلاب نیز معتقدند: «مهم‌ترین سلاح ملت ایران برای خنثی کردن تهدیدها، همبستگی ملی و همدلی است».^۵ ایشان در ترسیم اهمیت این موضوع به سران کشورهای اسلامی فرمودند: «دنیای اسلام نیازمند وحدت و همبستگی است».^۶ سپس افزودند: «دنیای اسلام با تکیه بر عوامل قدرت‌آفرین مانند همزیستی، وحدت، ارتباطات دوستانه و هم‌فکری با

۱. همان، خطبه ۵.

۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۷۴.

۳. همان، ج ۶، ص ۲۸۷.

۴. همان، ج ۹، ص ۲۷۴.

۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار زائرین و مجاورین حرم رضوی، ۱۳۸۴/۱/۱.

۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار ولیعهد اردن، ۱۳۷۶/۹/۲۰.

یکدیگر، می تواند آنچه را که حق مسلمانان است تأمین کند».^۱

جنگ تحمیلی دوازده روزه نشان داد همه پیش بینی ها و توصیه های ایشان سنجیده و درست بود و دشمن درصدد ضربه زدن به وحدت مردم بود که به لطف خداوند ناکام ماند. رهبر معظم انقلاب در پیام دوم خود خطاب به دشمنان در مقابل تهدید ملت سرفراز ایران اسلامی فرمودند: «ملت ایران نشان داده که در مقابل تهدید تهدیدکنندگان دچار ترس نمی شود. "وَلَا تَهْنُؤُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ"»^۲ ملت ایران به این معتقد است. تهدید در رفتار ملت ایران و در اندیشه ملت ایران، تأثیر نمی گذارد».^۳

رهبر معظم انقلاب پس از پیروزی عزتمندانه ملت ایران بر استکبار جهانی و اهمیت اتحاد و همبستگی فرمودند: «چند تبریک به ملت عرض می کنم: یکی تبریک پیروزی بر رژیم جعلی صهیونیستی؛ رژیم صهیونیستی با آن همه هیاهو و ادعا در زیر ضربات جمهوری اسلامی تقریباً از پا درآمد و له شد. تبریک دوم مربوط به پیروزی ایران عزیزمان بر رژیم آمریکا است؛ رژیم آمریکا وارد جنگ مستقیم شد، چون احساس کرد که اگر وارد نشود، رژیم صهیونیستی به کلی نابود خواهد شد. تبریک سوم، تبریک اتحاد و اتفاق فوق العاده ملت ایران است؛ بحمدالله یک ملت در حدود نود میلیون جمعیت، یکپارچه، یک صدا، شانه به شانه، در کنار هم بدون هیچ گونه تفاوتی در خواسته ها و در مقاصدی که ابراز می کنند، ایستادند. ... ملت ایران بزرگواری خودش را، شخصیت برجسته و ممتاز خودش را نشان داد در این قضیه و نشان داد که در هنگام لازم، یک صدا از این ملت شنیده خواهد شد».^۴

مقام معظم رهبری در اهمیت روحیه ملت در مقابله با تهاجم دشمنان فرمودند: «مسئله اول همان روحیه است، همان ایستادگی است. این اراده ملی، این همت ملی، همان چیزی است که این کشور را سربلند خواهد کرد؛ این همان چیزی است که ایران را ایران بزرگی خواهد کرد».^۵ ایشان با اشاره به ضرورت «تبیین» و «جهاد تبیین»، به نصرت و پیروزی در سایه همبستگی و وفاق ملی اشاره کردند و فرمودند: «همه و همه بدانند که [طبق] همین آیه "لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نخست وزیر مالزی و هیئت همراه، ۱۳۷۲/۱/۱۵.

۲. آل عمران: ۱۳۹.

۳. دومین پیام تلویزیونی رهبر معظم انقلاب خطاب به ملت ایران در پی تهاجم رژیم صهیونی، ۱۴۰۴/۳/۲۸.

۴. سومین پیام تلویزیونی رهبر معظم انقلاب خطاب به ملت ایران در پی تهاجم رژیم صهیونی، ۱۴۰۴/۴/۵.

۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۴۰۴/۴/۲۵.

يَنْصُرُهُ^۱، خدای متعال نصرت را برای ملت ایران در ذیل نظام اسلامی و زیر چتر قرآن و اسلام تضمین کرده که ملت ایران حتماً پیروز خواهد شد^۲.

کتابنامه

قرآن کریم

۱. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، مصحح: هاشم رسولی، چ ۴، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۲. سبزواری، محمد، ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۹ ق.
۳. شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، نجف: مطبعة حیدریه، [بی تا].
۴. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر قرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی، چ ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۶. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، چ ۳، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۷. موسوی خمینی، سیدروح الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۶ ش.
۸. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
۹. هندی، علاءالدین علی بن حسام، کنز العمال، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ ق.
۱۰. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای مد ظله العالی؛ در: KHAMENEI.IR

۱. حج: ۴۰.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۴۰۴/۴/۲۵.

عوامل موفقیت جبههٔ اسلام در جنگ احزاب با نگاهی به جنگ دوازده روزه

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی محسنی*

اشاره

مسلمانان تحت شکنجه و آزار مشرکان مکه، با جلای وطن اجباری، خانه و دارایی های خود را در مکه رها کردند و تن به مهاجرت به مدینه دادند، اما مشرکان مکه دست بردار نبودند؛ به همین دلیل جنگ هایی زنجیره ای علیه مردم مدینه تحمیل کردند. افزون بر جنگ های کوچک، در سال دوم هجری جنگ بدر به وقوع پیوست که منجر به پیروزی مسلمانان شد؛ ولی به تلافی جنگ بدر، مشرکان در سال سوم جنگ احد را بر مردم مدینه تحمیل کردند که اگرچه توانستند تلفاتی از مسلمانان بگیرند، با سازماندهی دوباره مسلمانان مجبور به فرار شدند؛ بنابراین با یاری جستن از قبایل مختلف، کوشیدند با حمله ای گسترده و همه جانبه به خیال خود کار دولت نبوی را تمام کنند و جنگ خندق را به راه انداختند. نام دیگر جنگ خندق، جنگ احزاب است؛ زیرا گروه های متعددی برای از بین بردن مسلمانان همداستان شده بودند و کافران لشکری ده هزار نفری را به میدان جنگ آورده بودند.^۱ بنا بر برخی گزارش ها، تعداد آنان بیست و چهار هزار نفر ذکر شده است؛^۲ در حالی که مسلمانان سه هزار نفر^۳ و به قولی هفتصد نفر بودند.^۴ جبهه حق و در رأس آنها پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با اقدامات متعددی مانع سقوط شهر مدینه شدند. در نوشتار حاضر به برخی از اقدامات اشاره می شود.

* دکترای تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی و مدرس حوزه و دانشگاه.

۱. عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۲۳۰.

۲. علی بن حسین مسعودی، التنبیه و الإشراف، ص ۲۱۶.

۳. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۵۳.

۴. احمد بن ابی یعقوب یعقوبی، تاریخ، ج ۲، ص ۵۰.

اول: فرماندهی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

جنگ خندق یا احزاب از جمله غزوه‌های مسلمانان در صدر اسلام است. غزوه به جنگ‌هایی گفته می‌شود که رسول خدا صلی الله علیه و آله افزون بر اینکه در آن حضور داشت، خود فرماندهی جنگ را بر عهده می‌گرفتند.^۱ هنگامی که رسول الله از اقدامات دشمن آگاهی یافتند، ابتدا شورای نظامی تشکیل دادند و با مسلمان به شور نشستند؛ هر کدام از صحابه پیشنهادی داد، برخی مقابله در بیرون از شهر را پیشنهاد دادند و برخی دیگر خواستار کشاندن جنگ به داخل مدینه بودند تا در داخل به دفاع از شهر بپردازند.^۲

دوم: استفاده از شیوه‌ای کاربردی و جدید

نظر سلمان فارسی در شورای نظامی این بود که در مسیرهای ورودی و مکان‌هایی که امکان رد شدن سپاه است، خندق کنده شود. او گفته بود هرگاه شهری در ایران شهری در معرض خطر قرار می‌گرفت، از این طریق مانع ورود دشمن به شهر می‌شدند. هنوز خندق دور شهر باستانی دارابجرد در نزدیکی شهر فعلی داراب وجود دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله این نظر را پذیرفتند و دستور حفر خندق در مناطق نفوذپذیر شهر را صادر کردند.^۳ مردم مدینه نیز که تجربه شکست در جنگ احد را داشتند و عمده دلیل آن را پیروی نکردن از فرمانده اصلی می‌دانستند، پیشنهاد سلمان را بدون چون و چرا پذیرفتند. جزئیات کندن که از کجا تا کجا باشد، با فرمان نبوی و تحت نظارت ایشان انجام شد؛^۴ حتی پیامبر صلی الله علیه و آله برای ایجاد انگیزه و نشاط در مردم خود نیز شرکت فعال داشت.^۵ کندن خندق که تا آن زمان در حجاز رایج نبود، سبب شگفتی مشرکان و حتی مسلمانان شد و این ابتکاری نوپدید به شمار می‌آمد.^۶ ابوسفیان و دارودسته‌اش هنگامی که با این پدیده جدید

۱. ابوالفرج حلبی، السيرة الحلیبة، ج ۳، ص ۲۱۳.

۲. احمد بن یحیی بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۴۱۰.

۳. همان.

۴. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۴۱ - ۴۴۲.

۵. عبدالملک بن هشام، السيرة النبوية، ج ۳، ص ۲۲۶؛ محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۶۶ - ۷۱؛

محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۴۵.

۶. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۴۵؛ عبدالملک بن هشام، السيرة النبوية، ج ۳، ص ۲۳۵؛ احمد بن

یحیی بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۴۰۹ - ۴۱۰.

مواجه شدند، متعجبانه گفتند این حيله و نقشه‌ای است که تا این زمان عرب‌ها از آن اطلاع نداشتند.^۱

سوم: اعلام بسیج عمومی و انسجام درونی بین مسلمانان

یکی از دلایل پیروزی مسلمانان در جنگ خندق، همدلی و همراهی همه مسلمانان بود؛ چراکه پیامبر ﷺ بسیج عمومی اعلام کرده بودند و تک‌تک افراد خود را در برابر این جنگ مسئول می‌دانستند نه تماشاچی. حضرت همگان را به کار گرفتند و حفر هر قسمت را به قبیله‌ای از قبایل حاضر در مدینه واگذار کردند و برای خندق نیز درهایی قرار دادند؛^۲ حتی نوجوانان نیز در این امر سهیم بودند.^۳ البته همیشه کسانی ساز مخالف می‌زدند، حتی با دشمن همراهی می‌کنند و در جایگاه جاسوس دشمن، دست به خیانت می‌زدند؛ در این جنگ نیز چنین بود و منافقانی که در داخل مردم نفوذ داشتند، به‌ظاهر با مردم، اما در اصل در مقابل مردم بودند و کارشکنی‌ها را آغاز کردند. حتی خداوند در سوره «احزاب» می‌فرماید برخی به دنبال اجازه گرفتن از پیامبر ﷺ بودند تا صحنه جنگ را ترک کنند؛ به این بهانه که خانه‌های ما حفاظ ندارد؛ در حالی که می‌خواستند از جنگ فرار کنند.^۴ اما خداوند برای خنثی کردن توطئه منافقان فرمود: «قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا * فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ: خدا کسانی از شما را که پشت سر دیگران مخفی شده و فرار می‌کنند، می‌داند. پس آنان که از دستور او مخالفت می‌کنند، باید بیم داشته باشند از اینکه فتنه‌ای دامنشان را بگیرد یا عذابی دردناک به آنها برسد».^۵ با نزول این آیه، منافقان مورد مذمت قرار گرفتند.^۶

چهارم: برخورد قاطع با مخلان امنیت

بنی قریظه از قبایل یهودی‌نشین مدینه که با مسلمانان پیمان عدم تخاصم بسته بودند، در گیراگیر جنگ خندق پیمان شکستند. البته پیمان عدم تخاصم با همه گروه‌های یهودی ساکن در حجاز

۱. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۳۵.

۲. احمد بن ابی یعقوب یعقوبی، تاریخ، ج ۲، ص ۵۰.

۳. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۵۳ - ۴۵۴؛ محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۶۷.

۴. احزاب: ۱۳.

۵. نور: ۶۳.

۶. محمد بن جریر طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۵۶۶ - ۵۶۷.

بود و پیش از این نیز یهودیان بنی قینقاع و بنی نضیر پیمان شکسته بودند؛ اما بنی قریظه تا هنگام وقوع جنگ خندق، اقرار داشتند که از پیامبر ﷺ جز راستی و وفا ندیده‌اند.^۱ به‌هرحال رفت‌وآمدهای حی بن اخطب از بزرگان بنی نضیر، آنان را وادار به پیمان‌شکنی کرد.^۲

ام‌سلمه در توصیف روزهای سخت جنگ خندق می‌گوید: «از این جریان دردناک‌تر برای رسول خدا و ترسناک‌تر برای مسلمانان نبود؛ زیرا مدینه از دو طرف در معرض خطر بود». ابوبکر نیز در درباره آن روزها می‌گوید: «ما برای کودکان و زنان خودمان در مدینه از بنی قریظه بیشتر بیمناک بودیم تا از قریش و غطفان».

پیامبر ﷺ بعد از آگاهی از پیمان‌شکنی بنی قریظه، شخصی به نام خوات بن جیبر را به نزدیک قلعه آنان فرستاد تا از حمله احتمالی آنان آگاه شود. یک شب ده نفر از یهودیان از قلعه بیرون آمدند تا به مسلمانان شیخون بزنند؛ آنان با گروهی از مسلمانان در نزدیکی بقیع درگیر شدند. یک بار نیز ده نفر از آنان قصد داشتند به محل تجمع زنان وارد شوند که با مقاومت آنان روبرو شدند.^۳ در اقدام دیگری، حی بن اخطب به قریش پیغام داد دوهزار نفر نیرو بفرستند تا شبانه مرکز مدینه را هدف قرار دهند.^۴

وقتی مشرکان نتوانستند کاری از پیش برند و مجبور به عقب‌نشینی شدند و اطراف مدینه را ترک کردند، نوبت به برخورد با بنی قریظه رسید. قرآن درباره عهدشکنی بنی قریظه و شیوه رفتار با آنان می‌فرماید: «همان کسانی که با برخی از آنها پیمان بست، سپس پیمانشان را در هر بار می‌شکنند و پرهیز و پروا [از خدا و نقض پیمان] ندارند». یا می‌فرماید: «پس اگر در جنگ بر آنها دست یافتی، کسانی را که به دنبال آنها هستند، سخت پراکنده گردان؛ باشد که متذکر شوند [و در فکر جنگ نیفتند]».^۵

۱. عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۲۲۱.

۲. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۵۵؛ عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۲۲۰؛

شمس‌الدین محمد ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۲، ص ۲۸۷؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۵۷۱.

۳. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ص ۴۶۰ - ۴۶۷.

۴. همان، ص ۴۶۰.

۵. محمد بن جریر طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۱۸؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۸۴۹؛ سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۲۶، ذیل آیات «الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَوْءَةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ * فَإِمَّا تَنْفِقْنَهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْكَرُونَ».

بدین سان، دیگر مدارا با بنی قریظه نه تنها عقلاً رجحانی نداشت، بلکه دستور خداوند نیز بر خورد قاطع با آنان بود. تجربه دو قوم قبلی یهود که بخشیده شده بودند، اما باز هم در تحریک و یاری مشرکان نقش فعالی داشتند، سبب شد برخورد قاطعی با بنی قریظه شود و قاطعیت پیامبر ﷺ را نیز به رخ دیگر دشمنان بکشد.

پیامبر ﷺ دستور محاصره قلعه آنان را صادر کرد و از آنها خواست تسلیم شوند. پس از گفتگوهای متعدد بین طرفین قضیه، در نهایت تن به داوری سعد بن معاذ دادند و سعد دستور قتل مجرمان آنها را صادر کرد. اگرچه در تعداد کشته‌ها اختلاف است، به نظر می‌رسد این تعداد از چهل نفر تجاوز نمی‌کند.^۱ برخورد قاطع با مخلان امنیت سبب برطرف شدن پیامدهای جنگ خندق به طور کلی بود.

اسرائیل و فلسطین می‌گوید: «پس از جریان بنی قریظه صدای منافقان قطع شد و دیگر تحرکی بر ضد رسول خدا ﷺ انجام ندادند».^۲

پنجم: مقابله با جنگ روانی بنی قریظه و عدم افشای اسرار نظامی

اگر خبر پیمان‌شکنی بنی قریظه به همه مردم می‌رسید، افزون بر امنیت جانی، امنیت روانی آنان نیز به هم می‌ریخت؛ چراکه همه مردم از نظر تحمل مشکلات یکسان نیستند و گاهی ترس از فاجعه بدتر از اصل فاجعه است. درواقع ممکن است پیش از آنکه جامعه به دست دشمن آسیب ببیند، جنگ روانی سبب متلاشی شدن جامعه از درون شود و کار را برای غلبه دشمن راحت و هموار کند. بر همین اساس وقتی پیامبر ﷺ از پیمان‌شکنی بنی قریظه آگاهی یافتند، پیش از همگانی شدن خبر، کسانی را برای بررسی صحت و سقم ماجرا فرستادند و به نمایندگان خود فرمود در صورت صحت ماجرا، مسلمانان از آن آگاهی نیابند تا روحیه‌شان تضعیف نشود. البته این امر بدان معنا نیست که مردم را نامحرم بدانند، بلکه بعد از اطمینان از صحت خبر، با برنامه‌ریزی مردم را مطلع کنند تا پیامدهای جنگ روانی را از بین ببرند، وگرنه دیر یا زود در جامعه کوچکی مثل مدینه چنین خبری پنهان نمی‌ماند. اما مدیریت پیامبر ﷺ سبب شد مردم عادی پیش از آنکه از خبر آگاهی یابند، از نظر روحی و روانی آمادگی دریافت خبر را پیدا کرده بودند و پیامدهای منفی خبر از بین رفته بود.

۱. مصطفی محسنی، «تحلیل رفتار پیامبر اکرم ﷺ با یهودیان بنی قریظه در مدینه»، ص ۲۸ - ۳۶.

۲. جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من السیره النبویة الأعظم، ج ۱۱، ص ۱۶۷.

به هر حال نمایندگان پیامبر ﷺ به نزدیکی قلعه بنی قریظه رفتند و چند و چون قضیه را از آنان پرسیدند. آنان گفتند: «بین ما و محمد پیمانی نیست»^۱ و افزودند: «ما آن پیمان را مانند پاره کردن بند کفشان پاره کردیم». سپس به پیامبر ﷺ و مسلمانان ناسزا گفتند.^۲ اما پیامبر ﷺ مانع به هم ریختگی روان مردم و جامعه شدند و با مدیریت مثال زدنی ابتدا آسیب روانی خبر را خنثی کردند و سپس همان گونه که گفته شد، با مخلان امنیت برخورد قاطع کردند.

ششم: دلداری به مسلمانان و پیشگویی پیامبر ﷺ

یکی از عوامل موفقیت جبهه حق در جنگ خندق، روحیه دادن به مجاهدان در اثنای جنگ بود. مسلمانان در حال حفر خندق با صخره محکمی روبرو شدند و توانستند آن را بشکنند؛ اما پیامبر ﷺ سه ضربه وارد کردند که در هر ضربه، برقی از سنگ نمایان شد. رسول خدا ﷺ در این هنگام بشارت فتح روم، ایران و یمن را به مسلمانان دادند.^۳ اگرچه این پیشگویی خبر از آینده بود، اما همین امر مسلمانان واقعی را در اعتقاد خود مصمم می کرد.

هفتم: اختلاف افکنی در بین گروه های دشمن

شخصی به نام نُعَیم بن مسعود اشْجعی مسلمان شده بود، اما مشرکان اطلاع نداشتند. وی نزد بنی قریظه رفت و به آنها گفت موقعیت شما با مشرکان متفاوت است؛ در صورت پیروزی مسلمانان، مشرکان بدون نگرانی از خانه و خانواده شان، می توانند بازگردند، اما شما نمی توانید؛ بنابراین از آنها تقاضای دو هزار نفر نیرو کنید تا اگر آنها رفتند، این افراد نزد شما گروگان باشند. سپس نزد قریش رفت و گفت بنی قریظه به دروغ اظهار همکاری با شما را دارد، بلکه در واقع می خواهد تعداد زیادی از شما را به عنوان گروگان تحویل مسلمانان دهد و همین امر سبب بروز اختلاف بین آنها شد.^۴

۱. عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۲۲۲.

۲. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ص ۴۵۶ - ۴۵۷.

۳. عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۲۳۰؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۵۶۸ - ۵۶۹؛

محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۴۹ - ۴۵۰.

۴. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۸۰ - ۴۸۲؛ عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۲۴۱ -

۲۴۲؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ، ص ۵۷۸ - ۵۷۹.

هشتم: رشادت‌های حضرت علی علیه السلام

عامل اصلی پیروزی مسلمانان، رشادت‌های حضرت علی علیه السلام بود. وقتی پهلوان نامی قریش، عمرو بن عبدود توانست از خندق بگذرد، شروع به رجزخوانی کرد. پس از آنکه کسی حاضر به جنگ با وی نشد، حضرت علی علیه السلام به جنگ تن‌به‌تن با وی اقدام کرد و وی را به قتل رساند. اگر او پیروز می‌شد، راه برای ورود دیگر افراد دشمن باز می‌شد و همه آنها از خندق می‌گذشتند و کار مسلمانان تمام می‌شد؛ به همین دلیل پیامبر صلی الله علیه و آله درباره این جنگ تن‌به‌تن فرمود: «الضربة علی یوم الخندق افضل من اعمال الثقلین: ضربت علی علیه السلام در روز خندق، افضل و برتر از اعمال ثقلین است»؛ همچنین فرمود: «بَرَزَ الْإِسْلَامُ كُلَّهُ إِلَى الْكُفْرِ كُلِّهِ» در این روز تمام اسلام در مقابل تمام کفر قرار گرفت.^۱

نهم: درخواست پیروزی از خدا

آنچه مادر و اساس همه اقدامات به شمار می‌آید، سلاح بزرگ و کارآمد «دعا» و کمک خواستن از درگاه خدای تواناست. پیامبر صلی الله علیه و آله سه روز پشت سر هم از دوشنبه تا چهارشنبه در مسجد به دعا نشست و چنین دعا کرد: «خدایا احزاب را فراری و شکست بده». این دعا در روز چهارشنبه بین نماز ظهر و نماز عصر به اجابت رسید. در آن شب سرد، طوفانی به پا خاست، خیمه‌های مشرکان را به هم ریخت و آتشی برای آنها نگذاشت.^۲ در سوره احزاب این‌گونه اشاره شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نعمت خدا را بر خود به یاد آورید در آن هنگام که لشکرهایی [عظیم] به سراغ شما آمدند؛ ولی ما باد و طوفان سختی بر آنان فرستادیم و لشکریانی که آنها را نمی‌دیدید [و به این وسیله آنها را درهم شکستیم]. و خداوند همیشه به آنچه انجام می‌دهید، بینا بوده است».^۳

تأملی در جنگ دوازده روزه

بامداد ۲۳ خرداد سال ۱۴۰۴ شمسی، رژیم صهیونیستی با کمک تمام متحدان غربی و ... خود به ایران حمله کرد و توانست چند تن از فرماندهان رشید اسلام را به شهادت برساند؛ اما

۱. شیخ صدوق، الخصال، ص ۵۷۹.

۲. محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۷۳ - ۷۴.

۳. احزاب: ۹.

همان گونه که اعلام کرده بودند، قصد اصلی این رژیم، سرنگونی نظام جمهوری اسلامی بود. پس از دوازده روز و با مقاومت نیروهای نظامی و شجاعت و شهامت حیرت برانگیز مجاهدان راه خدا، رژیمی که به قصد براندازی آمده بود، ضمن کمک خواستن از آمریکا، تقاضای آتش بس کرد.

باتوجه به آنچه بیان شد، غزوه خندق و جنگ دوازده روزه شباهت های متعددی داشتند:

* فرماندهی مقام معظم رهبری؛

* همبستگی و اتحاد مسلمانان در حول ولی خدا؛

* نقش یهودیان در هر دو جنگ *

* مجازات خائنین از سوی حکومت اسلامی؛

* شجاعت و ایمان و اقدام به موقع نیروهای نظامی و درهم شکستن روحیه سپاهیان کفر؛

* دعا و تضرع به درگاه الهی.

مقام معظم رهبری پس از شهادت فرماندهان نظامی، افزون بر جایگزینی بی درنگ فرماندهان جدید، خود جنگ را مدیریت کردند. پیام های متعدد و روحیه بخش ایشان، موجب تقویت روحیه مردم و اتحاد و همراهی کم نظیر آنان شد. همبستگی و همراهی مردم در این جنگ دور از انتظار دوست و دشمن بود. تصور اینکه با حمله ای مردم را به خیابان خواهند کشید و در مقابل نظام قرار خواهند داد، کاملاً برعکس شد. همان گونه که در خندق عموم مردم و حتی نوجوانان پای کار آمدند، در این جنگ نیز بسیج عمومی فعال شد و جوانان و نوجوانان بسیاری در سطح کشور در گذرگاه ها و ایست و بازرسی ها شروع به فعالیت کردند و بسیاری از همدستان خائن رژیم اشغالگر را شناسایی و به دام انداختند.

همانند بنی قریظه در این جنگ نیز عده ای خود فروخته و خائن به وطن دست به اقدامات نظامی و خرابکارانه زدند که در حین جنگ و پس از آن، مسئولان ذی ربط برخورد قاطع با آنها را در دستور کار قرار دادند. در این جنگ شبکه های معاند به مانند منافقان در جنگ خندق، به دنبال بازی با روان مردم بودند و هستند.

مسلمانان در جنگ خندق از شیوه جدید کندن خندق استفاده و مشرکان را مبهوت کردند؛ مجاهدان در جنگ دوازده روزه نیز با تجهیزات و موشک های جدید، مهاجمان صهیونی و حامیان آنها و حتی جهانیان را مبهوت کردند.

به یقین همانند جنگ احزاب، اگر سلاح دعا و توسل و تضرع نبود، این پیروزی محقق نمی شد.

کتابنامه

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید هبة الله، شرح نهج البلاغه، قم: مكتبة آيت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بیروت: دار بیروت، ۱۴۰۵ ق.
۳. ابن هشام، عبدالملک، السيرة النبوية، تحقیق: مصطفى سقا و ابراهيم اياري و عبدالحفيظ شبلي، قاهره: [بی نا]، ۱۳۵۵ ق.
۴. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق: محمود فردوس، دمشق: [بی نا]، ۱۹۷۷ م.
۵. حلبی شافعی، ابوالفرج، السيرة الحلیية، چ ۲، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۷ ق.
۶. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۱۳ ق.
۷. شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، تحقیق: علی اکبر الغفاری، قم: منشورات جماعة المدرسين، ۱۴۰۳ ق.
۸. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ ۳، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۰. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۱۱. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، قم: دارالحديث، ۱۴۲۶ ق.
۱۲. محسنی، مصطفی، «تحلیل رفتار پیامبر اکرم ﷺ با یهودیان بنی قریظه در مدینه»، مجله مبلغان، ش ۲۸۱، مهر و آبان ۱۴۰۱ ش.
۱۳. مسعودی، علی بن الحسین، التنبيه و الإشراف، تصحیح: عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهرة: دارالصاوی، [بی تا].
۱۴. واقفی، محمد بن عمر، المغازی، تحقیق: مارسدن جونز، لندن: [بی نا]، ۱۹۶۶ م.
۱۵. یعقوبی، احمد بن أبی یعقوب، تاریخ، بیروت: دارصادر، [بی تا].

تبیین و تحلیل بیانات مقام معظم رهبری در دفاع مقدس دوازده‌روزه

حجت‌الاسلام والمسلمین حجت حسینی*

اشاره

در بامداد ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ ملت ایران با یکی از مهم‌ترین رخداد‌های سیاسی - امنیتی سال‌های اخیر، یعنی جنگ دوازده‌روزه مواجه شد. این نبرد با وجود زمان کوتاه، از دیدگاه تحولات و گستره تأثیرات، جایگاهی فراتر از بسیاری بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را به خود اختصاص داد.

رژیم صهیونیستی با پشتیبانی کامل سیاسی و نظامی قدرت‌های جهانی از جمله ایالات متحده، میدان نبردی را ترتیب داد که هدف نهایی آن فقط نابودی ایران نبود، بلکه تلاش برای شکل‌دهی به نظامی جدید در منطقه بر اساس اراده استکبار بود. با این حال، آنچه محاسبات دشمن را بر هم زد، حضور و هدایت قاطعانه و هوشمندانه رهبر معظم انقلاب در این میدان بود. این نوشتار درصدد تبیین محورهای اساسی پیام‌های رهبر معظم انقلاب در دفاع مقدس دوازده‌روزه است.

وفاداری مردم

وفاداری مردم به انقلاب اسلامی، یکی از ستون‌های اصلی بقای نظام و شکست نقشه‌های دشمن در بحران‌های گوناگون بوده است. مردم در سیره امامین انقلاب نه تنها ابزار تحقق اهداف سیاسی نیستند، بلکه محور اصلی در فرایند انقلاب و حکومت‌سازی به شمار می‌آیند. رهبر معظم انقلاب در تبیین این رویکرد، تأکید می‌کنند امام خمینی رحمه الله مانند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، مخاطب اصلی خود را توده مردم قرار داد، نه نخبگان یا مدعیان سیاسی. ایشان می‌فرمایند: «اگر

* سطح سه حوزه علمیه قم و پژوهشگر.

امام مثل سیاست‌بازان به سراغ برگزیدگان، زبندگان، سابقه‌داران و مدعیان می‌رفت، یقیناً شکست می‌خورد».^۱

در جنگ دوازده‌روزه یکی از محاسبات اصلی رژیم صهیونیستی، امید به گسست بین مردم و حاکمیت بود. دشمن با اتکا به مشکلات اقتصادی و برخی نارضایتی‌های موجود، چنین پنداشته بود که مردم ممکن است موضعی همسو با آنها اتخاذ کنند. اما این گمانه به سرعت باطل شد. رهبر انقلاب در نخستین پیام خود پس از حمله دشمن، با اتکا به وفاداری بارها آزموده‌شده، فرمودند: «ملت هم پشتیبان ماست، پشتیبان نیروهای مسلح است و جمهوری اسلامی به اذن الهی بر رژیم صهیونیستی فایق خواهد شد».^۲ این سخن، نه شعاری احساسی، بلکه مبتنی بر شناختی عمیق از مردم ایران بود؛ همان مردمی که امام خمینی در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، مشروعیت دولت آینده را به پشتیبانی آنان گره زد و فرمود: «من به پشتیبانی این ملت، دولت تعیین می‌کنم».^۳ این ایمان ریشه‌دار به وفاداری مردم، برخاسته از نگاهی توحیدی به سنت‌های الهی است. در منطق قرآن، پیروزی از آن کسانی است که هم به نصرت خداوند امیدوار باشند و هم به قدرت مردمی که در راه حق ایستاده‌اند: «هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ»^۴ و همین‌هاور پیامبر اسلام ﷺ را در سخت‌ترین شرایط کفایت می‌کرد: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَ مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ: ای پیامبر، خدا و مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند، [از نظر حمایت و پشتیبانی] برای تو بس است».^۵

پاسخ کوبنده

در منطق قرآن و سیره معصومان (علیهم‌السلام)، با دشمن متجاوز باید با پاسخ کوبنده روبرو شد. امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «رُدُّوا الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ، فَإِنَّ الشَّرَّ لَا يَدْفَعُهُ إِلَّا الشَّرُّ: سنگ را

۱. سایت دفتر حفظ نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۱۴ خرداد ۱۳۶۱؛ در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=1518>.

۲. همان، ۲۳ خرداد ۱۴۰۴؛ در:

<https://farsi.khamenei.ir/amp-content?id=60432>.

۳. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۶، ص ۱۶.

۴. «اوست کسی که تو را با یاری خود و به وسیله مؤمنان نیرومند ساخت» (انفال: ۶۲).

۵. انفال: ۶۴.

از همان جایی که پرتاب شده، بازگردانید؛ چراکه بدی را جز بدی دفع نمی‌کند».^۱ به این منطق در آیات متعددی از قرآن نیز تأکید شده است. خداوند متعال در خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ: ای پیامبر، با کافران و منافقان جنگ کن و بر آنان سخت بگیر. و جایگاهشان دوزخ است و بد بازگشت‌گاهی است».^۲ در آیه‌ای دیگر به مؤمنان دستور می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاغْلُظُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ: ای اهل ایمان، با کافرانی که هم‌جوار شما هستند، نبرد کنید؛ و آنان باید در شما سرسختی و شدت یابند. و بدانید که خدا با پرهیزکاران است».^۳ زیرا دشمنی که به مرز جنایت می‌رسد، تنها زبان قدرت را می‌فهمد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در جریان جنگ دوازده‌روزه با تأسی به همین منطق دینی، در نخستین پیام خود فرمودند: «باید با قدرت عمل کرد و ان‌شاءالله با قدرت عمل خواهد شد و با آنها مماشاتی نخواهیم کرد. زندگی برای آنها تلخ خواهد شد، بدون تردید ... ما به آنها اجازه نخواهیم داد از این جنایت به سلامت بیرون روند».^۴ این پیام بیان‌کننده همان آموزه قرآنی است که دشمن متجاوز باید از شما پاسخ کوبنده ببیند.

در سیره پیامبر ﷺ نیز نمونه‌های آشکاری از پاسخ کوبنده در برابر خیانت دشمن دیده می‌شود؛ برای مثال پس از آنکه طایفه یهودی بنی‌نضیر در ظاهر برای پرداخت دیه با پیامبر اعلام همکاری کردند، پیامبر ﷺ برای گرفتن دیه به آنان مراجعه کرد. کعب بن اشرف از سران بنی‌نضیر، وانمود کرد قصد پذیرایی دارد، اما درواقع قصد ترور پیامبر را داشت. جبرئیل پیامبر را آگاه کرد؛ پیامبر نیز بی‌درنگ به مدینه بازگشت و پس از آن به نمایندگی خود فرمود تا به بنی‌نضیر اعلام کند: «خداوند مرا از توطئه شما آگاه کرده است؛ یا شهر را ترک کنید یا آماده جنگ باشید». درنهایت آنها بدون درگیری تسلیم شدند و مدینه را ترک کردند.^۵ قرآن درباره این رخداد می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ: اوست که

۱. محمد بن حسین شریف‌الرضی، نهج‌البلاغه، حکمت ۳۱۴.

۲. تحریم: ۹.

۳. توبه: ۱۲۳.

۴. سایت دفتر حفظ نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۲۳ خرداد ۱۴۰۴؛ در:

<https://farsi.khamenei.ir/amp-content?id=60432>.

۵. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۵۹.

کافران از اهل کتاب را در نخستین بیرون راندن دسته جمعی از خانه هایشان بیرون راند.^۱ در مقابل، ترک پاسخ کوبنده و تساهل در برابر جنایت دشمن، همواره به فاجعه منجر شده است. جنایت های بُسر بن اُبی اُرطاة که به قتل، غارت و کشتار بیش از سی هزار نفر انجامید، نمونه ای تلخ از نتیجه تسامح در برابر دشمن است. خبر این جنایت که به کوفه رسید، امام علی علیه السلام با اندوه و خشم مردم را فراخواند، اما آنها از جهاد سر باز زدند.^۲ حضرت در خطبه ای فرمود: «أَمَّا وَاللَّهِ لَوَدِدْتُ أَنَّ لِي بِكُمْ أَلْفَ فَارِسٍ مِنْ بَنِي فَرَّاسٍ بَنِ غَنَمٍ: به خدا سوگند، دوست داشتم به جای شما، هزار سوارکار از قبیله بنی فراس بن غنم در اختیار داشتم».^۳ این تجربه ها نشان می دهد که در برابر دشمن خبیث و مهاجم، پاسخ کوبنده تنها راه است؛ همان گونه که قرآن و سیره نبوی و علوی بر آن تأکید دارند.

موقعیت شناسی

از جمله مؤلفه های برجسته در بیانات رهبر انقلاب در پیام دوم ایشان، تأکید ویژه بر موقعیت شناسی و درک درست شرایط از سوی ملت ایران بود.^۴ حضور پرشور و به موقع مردم در مراسم باشکوه عید غدیر، نمازهای جمعه و راهپیمایی های گسترده در بحبوحه جنگ، جلوه ای از آگاهی و حضور مسئولانه ملت در لحظه ای حساس و تعیین کننده بود؛ حضوری که پیام روشنی به دشمن مخابره کرد و او را به عقب نشینی و پذیرش آتش بس واداشت.

رهبر انقلاب در تحلیل واقعه کربلا، تفاوت میان شهدای کربلا و توانین را نیز در عنصر «موقعیت شناسی» می دانند. به تعبیر ایشان، هرچند هر دو گروه در راه خدا به شهادت رسیدند، آنچه شهیدان کربلا را به اوج قله انسانیت رساند، پاسخ به موقع به دعوت امام حسین علیه السلام بود؛^۵ در حالی که اثرگذاری توانین با وجود جمعیتی چند برابر شهدای کربلا، به سبب تأخیر در اجابت دعوت، مقایسه شدنی با شهیدان کربلا نیست.

۱. حشر: ۲.

۲. ابراهیم بن محمد ثقفی، ترجمه الغارات، ص ۲۳۵ - ۲۴۵.

۳. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، خطبه ۲۵.

۴. سایت دفتر حفظ نشر آثار آیت الله العظمی خامنه ای، ۲۸ خرداد ۱۴۰۴؛ در:

<https://khl.link/f/60462>.

۵. همان، ۸ شهریور ۱۳۷۸؛ در:

<https://khl.link/f/4200>.

رهبر انقلاب در بیان خاطره‌ای به موقعیت‌شناسی حضرت امام خمینی علیه السلام در روزهای حساس پیروزی انقلاب اسلامی اشاره می‌کنند. ایشان نقل می‌کنند امام تنها دو روز پس از ورود به کشور، در جلسه شورای انقلاب، پیگیر تشکیل دولت جدید بودند.^۱ همچنین در روز بیست‌ویکم بهمن ۱۳۵۷، هم‌زمان با اعلام حکومت نظامی از سوی رژیم پهلوی، حضرت امام در تصمیمی سرنوشت‌ساز، مردم را به حضور در خیابان‌ها فراخواندند و اعلام کردند: «اعلامیه حکومت نظامی امروز، خدعه و خلاف شرع است و مردم به هیچ‌وجه به آن اعتنا نکنند».^۲ در برابر نگرانی برخی از یارانشان، از جمله آیت‌الله طالقانی که از احتمال وقوع کشتار عمومی بیم داشتند، امام به صراحت پاسخ دادند: «اگر این تکلیف الهی باشد، شما چه می‌گویید؟».^۳ رهبر انقلاب فرمودند اگر امام در آن لحظه این تصمیم را نمی‌گرفت و مردم در خانه‌های خود می‌ماندند، اول امام و بقیه ساکنان مدرسه رفاه را می‌کشتند و بعد به کشتار پانصد هزار نفر مردم در تهران می‌پرداختند و قضیه را تمام می‌کردند.^۴

در نتیجه، آنچه در این مقاطع تاریخی موجب پیروزی در برابر توطئه‌های پیچیده شد، نه تنها قدرت نظامی یا امکانات، بلکه تشخیص صحیح موقعیت و تصمیم‌گیری شجاعانه و به موقع بود؛ عاملی که امروز نیز رمز خنثی‌سازی توطئه‌های است.

جهاد تبیین همگام با جهاد نظامی

یکی از راهبردهای دشمن صهیونیستی در جنگ دوازده روزه، بهره‌گیری هم‌زمان از جنگ نظامی و تبلیغاتی بود. رسانه‌های بین‌المللی با وارونه‌نمایی حقیقت، ایران را کشور تهدیدکننده صلح جهانی معرفی می‌کردند و از رژیم صهیونیستی تصویر مدافعی مظلوم ارائه می‌دادند. در چنین فضایی، رهبر معظم انقلاب بر ضرورت مقابله با این موج تبلیغاتی تأکید کردند و فرمودند: «من انتظار دارم صاحبان فکر و قلم، مفاهیم حقیقی را تبیین کنند و اجازه ندهند دشمن با تبلیغات فریب‌کارانه، حقیقت را وارونه جلوه دهد».^۵

۱. همان، ۲۲ بهمن ۱۳۹۷؛ در:

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2678#74068>.

۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۶، ص ۱۲۱-۱۲۲.

۳. رضا بسطامی، خاطرات علی دانش منفرد، ص ۸۲.

۴. سایت دفتر حفظ نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۲۰ خرداد ۱۳۷۵؛ در: <https://khl.ink/f/20265>.

۵. همان، ۲۸ خرداد ۱۴۰۴؛ در: <https://khl.ink/f/60462>.

این سخن بازتاب همان حقیقتی است که امیرالمؤمنین علیه السلام بر آن تأکید کرده‌اند: «فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مِرَاجِ الْحَقِّ لَمْ يَخَفْ عَلَى الْمُؤْتَدِينَ: اگر باطل از حق جدا می‌شد، راه برای حقیقت جویان روشن می‌گشت». ^۱ همچنین فرمودند: «وَلَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لُبْسِ الْبَاطِلِ، انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعَانِدِينَ: و اگر حق از پوشش و نقاب باطل بیرون می‌آمد، زبان معاندان و فتنه‌گران کوتاه می‌شد». ^۲

جهاد تبیین، رسالتی است برای روشنگری، بازشناسی مرز حق و باطل، زدودن غبار شبهه و خشی کردن فتنه‌های دشمن. این جهاد، مکمل جهاد نظامی است. در جنگ اُحد هنگامی که مسلمانان در شرایط سخت قرار گرفتند، ابوسفیان با شعار «أَعْلُ هُبَل»، کوشید شکست مسلمانان را به نفع بت پرستی مصادره کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که به اهمیت نبرد تبلیغاتی واقف بود، بی‌درنگ به حضرت علی علیه السلام فرمان داد پاسخ دهند: «اللَّهُ أَعْلَى وَ أَجَلُّ»؛ ابوسفیان بار دیگر ندا سر داد: «ما برای خود عزّی [بت دیگر] داریم، اما شما عزّی ندارید». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود پاسخ دهید: «اللَّهُ مَوْلَانَا وَ لَا مَوْلَى لَكُمْ: خدا مولا و سرپرست ماست و شما مولا و سرپرست ندارید». ابوسفیان که در این نبرد روانی نیز خود را بازنده می‌دید، سعی کرد نتیجه نبرد را با جنگ بدر مقایسه کند؛ اما پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد بگویند: «لَا سَوَاءَ؛ قِتْلَانَا فِي الْجَنَّةِ وَ قِتْلَاكُمْ فِي النَّارِ: هرگز مساوی نیستند؛ کشته‌های ما در بهشت‌اند و کشته‌های شما در دوزخ». ^۳ بدین‌سان جنگ تبلیغاتی دشمن نیز در کنار نبرد نظامی، با شکست مواجه شد.

این واقعه تاریخی نشان می‌دهد غفلت از جهاد تبیین در هر نبردی، پیروزی‌های میدانی را بی‌اثر می‌کند. رهبر انقلاب نیز در مواجهه با جنگ ترکیبی اخیر، با تأکید بر تبیین به‌موقع، از نخبگان فرهنگی و رسانه‌ای خواستند در میدان روایتگری حضور فعالانه داشته باشند.

نترسیدن از دشمن

دشمن در جنگ اخیر، تلاش گسترده‌ای برای ایجاد رعب در میان مردم و مسئولان به کار بست؛ در چنین شرایطی که دشمن حتی رهبر معظم انقلاب را نیز تهدید کرده است، ایشان با صلابت فرمودند: «تهدید را باید متوجه کسی کرد که از آن بترسد. ملت ایران نشان داده در برابر تهدید

۱. محمد بن حسین شریف‌الرضی، نهج البلاغه، ص ۸۸.

۲. همان.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۲۳.

نمی‌هراسد. "وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ: و [در انجام فرمان‌های حق و در جهاد با دشمن] سستی نکنید و [از پیشامدها و حوادث و سختی‌هایی که به شما می‌رسد] اندوهگین مشوید که شما اگر مؤمن باشید، برترید".^۱ و^۲

ایشان تأکید کردند: «دشمن نباید احساس کند شما از او می‌ترسید، که در این صورت دست از تهدید برنمی‌دارد».^۳ این هشدار رهبر انقلاب نه تنها آموزه‌ای الهی، بلکه تجربه‌ای پرتکرار در طول تاریخ به‌ویژه در دوران معاصر است؛ برای نمونه، در اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی، معمر قذافی که از تکرار سناریوی عراق و سرنگونی صدام می‌ترسید، برنامه‌های هسته‌ای و تسلیحاتی لیبی را داوطلبانه کنار گذاشت و برای رفع تحریم‌ها با آمریکا و اروپا همکاری کرد؛ اما نتیجه این شد که در سال ۲۰۱۱، با حمایت ناتو، شورش‌های داخلی علیه او به جنگ تمام‌عیار کشیده شد و قذافی به شکل فجیعی کشته شد و لیبی هنوز درگیر جنگ داخلی و بی‌ثباتی سیاسی است.^۴

در مقابل، ترسیدن از دشمن در سخت‌ترین شرایط، مقدمه پیروزی بر دشمن است. در جنگ احد بعد از شهادت حمزه و آسیب‌دیدگی بسیاری از رزمندگان، دشمن که وضعیت مسلمانان را دید، تصمیم گرفت به مدینه حمله کند و خبر حمله خود را طوری انتشار داد تا به شدت مسلمانان را بترساند: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ: همان کسانی که مردم [منافق و عوامل نفوذی دشمن] به آنان گفتند لشکری انبوه از مردم [مکه] برای جنگ با شما گرد آمده‌اند، از آنان بترسید»؛^۵ اما خداوند می‌فرماید: «فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ: از آنان ترسید، از من بترسید»^۶ پیامبر ﷺ فرمود فقط کسانی که در احد زخمی و مجروح شده‌اند، باید به مقابله با دشمن بروند. این افراد زخمی بدون ترس و واهمه از دشمن به مقابله با دشمن در نزدیکی مدینه رفتند و توانستند لشکر دشمن را شکست دهند و با گرفتن غنائم، فاتحانه به مدینه

۱. آل عمران: ۱۳۹.

۲. سایت دفتر حفظ نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۲۸ خرداد ۱۴۰۴؛ در:

<https://khl.ink/f/60462>.

۳. همان.

۴. سایت خبرگزاری تسنیم، ۱۷ مهر ۱۳۹۲؛ در:

<https://tn.ai/112062>.

۵. آل عمران: ۱۷۳.

۶. مانند: ۳.

برگردند. به تعبیر عطار:

هرکه او از دشمنان ترسان بود کار او هر لحظه دیگرسان بود
از خدا ترس و مترس از دشمنان کز همه دارد خدایت در امان^۱

انسجام ملی

در دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، انسجام ملی یکی از کلیدی‌ترین ارکان اقتدار هر ملت است. ایشان همواره تأکید داشته‌اند که ملت ایران در لحظات سرنوشت‌ساز، با کنار گذاشتن اختلاف‌ها و تمرکز بر منافع ملی، وحدتی شکوهمند از خود نشان داده است.^۲ در جریان جنگ اخیر، رهبر انقلاب با تیریک اتحاد و اتفاق فوق‌العاده ملت ایران فرمودند: «یک ملت در حدود نود میلیون جمعیت، یک پارچه، یک صدا، شانه‌به‌شانه، در کنار هم، بدون هیچ‌گونه تفاوتی در خواسته‌ها و در مقاصدی که ابراز می‌کنند، ایستادند، شعار دادند، حرف زدند، از رفتار نیروهای مسلح حمایت کردند».^۳

اتحاد ملی به معنای از بین رفتن اختلاف سلیقه‌ها و نظرات مختلف و هم‌رأیی سیاسی نیست، بلکه به معنای کنار گذاشتن این اختلاف‌ها در زمانی است که پای منافع ملت در میان باشد. این سرمایه‌گران بها از دل ایمان، آگاهی و تجربه‌های تاریخی برآمده است؛ همان تجربه‌هایی که ملت ایران را به این باور رساند که بقای هویتی و استقلال ملی، در گرو ایستادگی همدلانه در برابر دشمنان است.

از صدر اسلام تا امروز، رمز پیروزی امت اسلامی در مقاطع سخت، وحدت کلمه بوده است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُون: و این امت شما امت واحدی است و من پروردگار شما هستم؛ پس از مخالفت فرمان من پرهیزید».^۴ همچنین هشدار می‌دهد: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِیْحُكُمْ: و نزاع [و کشمکش] نکنید تا

۱. عطار نیشابوری، پندنامه، بخش ۳۹.

۲. سایت دفتر حفظ نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۲۹ بهمن ۱۴۰۲؛ در: <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=988>

۳. همان، ۵ تیر ۱۴۰۴؛ در:

<https://khl.link/t/60502>.

۴. مؤمنون: ۵۲.

سست نشوید و قدرت [و شوکت] شما از میان نرود».^۱

امروزه نیز ملت ایران با وجود تفاوت‌های قومی، مذهبی، و سلیقه‌های سیاسی، بارها نشان داده است در هنگامه‌های تعیین‌کننده، صدایی واحد با محوریت ولایت دارد. این انسجام بارها ملت ایران را در مواجهه با دشمن پیروز کرده است.

رهبر انقلاب در سال‌های گذشته بارها تأکید کرده‌اند اتحاد ملّی، یکی از نیازهای مهم و سدی بزرگ در مقابل دشمن است.^۲ ایشان بعد از دفاع مقدس دوازده‌روزه نیز حفظ وحدت و انسجام ملی را وظیفه‌ای همگانی برشمرده‌اند که همه اقشار جامعه، اعم از مسئولان، اصحاب رسانه، علما، قضات و سایر کنشگران اجتماعی باید در آن سهیم باشند. از نگاه ایشان، این همبستگی ملی با تفاوت‌های سیاسی یا تنوع مذهبی منافاتی ندارد، بلکه ایستادن در کنار یکدیگر برای صیانت از کشور، نظام اسلامی و هویت جمعی ملت ایران است.^۳

توان و اقتدار نظامی

رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیام سوم خود پس از جنگ دوازده‌روزه، به تمجید از توان نظامی ایران و نیروهای مسلح پرداختند و فرمودند: «خدا را سپاس می‌گذاریم که به نیروهای مسلح ما کمک کرد، توانستند از دفاع چندلایه پیشرفته آنها عبور کنند و بسیاری از مناطق شهری و نظامی آنها را زیر فشار موشک‌های خودشان و با تهاجم قوای سلاح پیشرفته خودشان با خاک یکسان کنند؛ امری که حتی در "مخیله" مقامات صهیونیست نیز نمی‌گنجید و به دشمن فهماند که تعرض به جمهوری اسلامی برای او هزینه سنگین دارد».^۴

سخنان رهبر معظم انقلاب بر این نکته تأکید دارد که بازدارندگی واقعی در اقتدار میدانی و توان رزمی تحقق می‌یابد. جمهوری اسلامی ایران در سایه سال‌ها تلاش، خوداتکایی و نوآوری نظامی، به سطحی از توانمندی رسیده است که می‌تواند در برابر یکی از مجهزترین ارتش‌های منطقه، معادلات را به نفع خود تغییر دهد. این نکته که حمله به ایران «هزینه‌بردار است نه یک شعار»، امروز تجربه‌ای تثبیت‌شده در میدان است. جنگ دوازده‌روزه نشان داد ایران می‌تواند

۱. انفال: ۴۶.

۲. سایت دفتر حفظ نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۱۹ بهمن ۱۴۰۱؛ در:

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=988>.

۳. همان، ۲۵ تیر ماه ۱۴۰۴؛ در: <https://khl.ink/f/60706>.

۴. همان، ۵ تیر ۱۴۰۴؛ در: <https://khl.ink/f/60502>.

نه تنها در سطح دفاعی، بلکه در سطح تهاجمی نیز عمل کند؛ آن هم در شرایطی که دشمن از حمایت همه جانبه آمریکا و غرب برخوردار است.

قرآن کریم از مسلمانان می خواهد تمام توان خود را در تهیه سازویرگ نظامی برای ترساندن دشمنان به کار گیرند: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [= دشمنان]، آماده سازید. و [همچنین] اسب های ورزیده [برای میدان نبرد]، تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید».^۱ علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می فرماید: «امر عامی است به مؤمنین که در قبال کفار به قدر تواناییشان از تدارکات جنگی که به آن احتیاج پیدا خواهند کرد تهیه کنند، به مقدار آنچه که کفار بالفعل دارند و آنچه که توانایی تهیه آن را دارند»؛^۲ یعنی نه تنها باید توان بالفعل دشمن بلکه باید توان بالقوه دشمن را نیز محاسبه کرد و در مقابل آن تدارک توان نظامی دید. راهبردی که سال هاست رهبر انقلاب آن را درباره توان و اقتدار نظامی کشور پیش می برند. سردار شهید حاجی زاده - فرمانده نیروی هوافضای سپاه - در این باره می گفتند: «ایشان نه تنها در جریان جزئیات پیشرفت های نظامی قرار داشتند، بلکه با نگاه دقیق و راهبردی خود گاه مسیر حرکت را نیز اصلاح می کردند؛ برای نمونه در شرایطی که اولویت کارشناسان فنی بر افزایش سرعت موشک ها بود، رهبری بر افزایش دقت اصابت تأکید داشتند. در آن زمان برخی معتقد بودند که با استفاده از کلاهک های سنگین، دقت اهمیتی ندارد؛ اما در میدان های واقعی نبرد - از جمله در عملیات های برون مرزی علیه تروریست ها در کردستان عراق یا مقابله با کمین ها در جنوب شرق کشور - اهمیت دقت، خود را به خوبی نشان داد؛ جایی که تنها با اصابت نقطه ای، امکان حذف هدف مورد نظر وجود داشت».^۳

کتاب نامه

قرآن کریم

۱. بسطامی، رضا، خاطرات علی دانش منفرد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۲. ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، ترجمه سید محمود زارعی، تهران: بیان معنوی، ۱۴۰۱ ش.

۱. انفال: ۶۰.

۲. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۱۵.

۳. سایت دفتر حفظ نشر آثار آیت الله العظمی خامنه ای، ۲۴ تیرماه ۱۴۰۴؛ در: <https://khl.ink/f/60545>.

۳. رجایی، غلامعلی، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۸ ش.

۴. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.

۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.

۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷ ش.

۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۸. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه نور، تهران: شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱ ش.

۹. نیشابوری، عطار، پندنامه، [بی‌جا]: انتشارات فرهنگ جامع، [بی‌تا].

1. <https://farsi.khamenei.ir>

2. <https://tn.ai/112062>

راهکارهای امیدافزایی در جامعه با تأکید بر شرایط جنگی

حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری*

اشاره

جنگ‌ها از دشوارترین شرایطی هستند که جوامع با آن روبرو می‌شوند؛ به گونه‌ای که زندگی روزمره مردم در این دوران به شدت تحت تأثیر تنش‌ها، نابسامانی‌ها و ناامیدی‌ها قرار می‌گیرد. جنگ دوازده‌روزه نیز چالشی برای جامعه ایران به شمار می‌رود. در چنین برهه‌ای، امید نه تنها به معنای بهبود وضعیت، بلکه به معنای حفظ روحیه استقامت و تاب‌آوری در برابر مشکلات و ناملایمات است. این احساس نه تنها به فرد کمک می‌کند با چالش‌ها روبرو شود، بلکه توانایی جامعه را نیز برای ادامه زندگی تقویت می‌کند. این نوشتار به بررسی راهکارهایی برای افزایش امید در جامعه می‌پردازد.

الف) اهمیت و بایستگی امید

«امیدم دریچه‌ای رو به روشنایی و نیروی محرک زندگی انسان است. این احساس دل‌نشین، همانند فانوسی در دل شب‌های تاریک، انگیزه می‌بخشد تا در کوران چالش‌ها و سختی‌ها، گام‌های استوار برداریم. چالز هادون اسپرجن می‌گوید: «امید مانند ستاره است. در آفتاب تابان دیده نمی‌شود؛ فقط در شب‌های تاریک و سخت است که کشف می‌شود». بنابراین امید سرمایه‌ای است که به کمک آن می‌توان از وضع کنونی به آینده‌ای بهتر رسید. خداوند متعال در قرآن کریم، امیدواری را موهبتی الهی می‌داند و با مقایسه میان مؤمنان و کفار می‌فرماید هم شما از طرف دشمن به رنج می‌افتید و هم دشمن از طرف شما به رنج می‌افتد و از این حیث مساوی هستید؛ اما برتری امیدبخش جبهه شما در مقابل دشمن این است که خدا به شما وعده پیروزی داده است، در حالی که همواره به جبهه مخالف شما وعده هلاکت و انقراض داده است: «وَلَا

* نویسنده و پژوهشگر.

تَهْنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَ تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ...»^۱

از سوی دیگر، خداوند یأس را نکوهش کرده است و می‌فرماید: «وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»^۲؛ چراکه جز مردم کافر از رحمت خدا مأیوس نمی‌شوند.

مولوی نیز می‌سراید:

انبیا گفتند نومیدی بد است فضل و رحمت‌های باری، بی‌حد است^۳

در روایات هم بر امیدواری تأکید شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «امید و آرزو، رحمتی برای امت من است. اگر آرزو نبود، هیچ مادری فرزندش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درختی نمی‌نشاند»^۴. امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «الْأَمَلُ رَفِيقٌ مُؤْنِسٌ»^۵. در مقابل ناامیدی، گناه است؛ همان‌گونه که امام صادق علیه السلام فرمودند: «مِنْ أَكْبَرِ الْكَبَائِرِ عِنْدَ اللَّهِ الْيَأْسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ وَ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ: از بزرگ‌ترین گناهان کبیره نزد خدا، ناامیدی از رحمت و نیکی خداست»^۶.

ب) راهکارهای امیدافزایی

برای افزایش امید در جامعه راهکارهایی وجود دارد که در ادامه به مواردی اشاره می‌شود.

۱. اعتقاد به خدا و معاد

ایمان به خدا یکی از مؤثرترین روش‌ها برای امیدافزایی در جامعه است. سرچشمه امید در زندگی، تکیه‌گاه مطمئن فرد است و ناامیدی زمانی بروز می‌کند که انسان از چنین تکیه‌گاهی محروم باشد و چشم‌انداز روشنی پیش‌روی خود نداشته باشد؛ از این‌رو انسان‌هایی که به خدا

۱. «و در تعقیب و جستجوی دشمن سستی نکنید. اگر شما [در رویارویی با دشمن] درد و رنج می‌بینید، آنان نیز چون شما درد و رنج می‌بینند و شما چیزی را [چون پیروزی و پاداش] از خدا امید دارید که آنان امید ندارند» (نسا: ۱۰۴).

۲. یوسف: ۸۷؛ ر.ک به: عبدعلی بن جمعه حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۴۵۵.

3. <https://gowhar.in.ir/gowhar/8315>

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۷۳.

۵. علی بن محمد لثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۲۹.

۶. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۴۵.

ایمان دارند، هرگز اجازه نمی‌دهند ناامیدی در دلشان راه یابد و شکست در مسیر، حرکتشان را متوقف نمی‌کند. شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «ایمان است که منبع امید و رجاست. ایمان است که توکل و اعتماد و امیدواری می‌آورد. آدم با ایمان هیچ‌گاه خودش را تنها و بدون مددکار و بی‌غم‌خوار نمی‌بیند و همیشه در نماز می‌گوید: خدایا، تو را می‌پرستیم و از تو مدد می‌طلبیم».^۱

بر این اساس، ایمان به خدا در ایجاد امید در شرایط بحرانی و جنگ‌ها نظیر جنگ ایران و اسرائیل، نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. بسیاری از افراد در جنگ‌ها به دعا و راز و نیاز با خدا می‌پردازند که این عمل می‌تواند امید به آینده را تقویت کند. خداوند متعال در قرآن کریم، از ایمان در جایگاه عامل پیروزی اهل ایمان در نبرد با دشمنان یاد می‌کند؛ چراکه انسان مؤمن به نصرت الهی امیدوار است: «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ»^۲ طبرسی ذیل این آیه می‌نویسد: «لقد نصرکم الله ... لام در اینجا لام قسم است و گویی خدای تعالی سوگند خورده که مؤمنان را در موارد بسیاری یاری کرده و با وجود ضعف و تعداد اندک، آنان را بر دشمن پیروز گردانیده است. این سخن به منظور تشویق آنان است تا در قبال فرمان‌برداری از خدا، به خاندان و نزدیکان خود پایبند نشوند و دل‌ها را به سوی خداوند عزوجل متوجه سازند».^۳

امام علی علیه السلام درباره امید به خدا فرموده است: «اجْعَلُوا كُلَّ رَجَائِكُمْ لِلَّهِ وَلَا تَرْجُوهُ أَحَدًا سِوَاهُ فَإِنَّهُ مَا رَجَا أَحَدٌ غَيْرَ اللَّهِ إِلَّا خَابَ: تمام امید خود را برای خدای سبحان بگردانید و به کسی غیر از او امید نداشته باشید که هر کس به غیر خدا امید بندد، ناامید شود».^۴ بنابراین هر اتفاقی که در زندگی می‌افتد، حواسمان باشد دو طناب اصلی زندگی را رها نکنیم: «ایمان» و «امید».

باور به معاد و اینکه مرگ پایان نیست، می‌تواند موجب استقامت انسان‌ها در مواجهه با خطرات و چالش‌ها شود؛ برای مثال در جنگ تحمیلی ایران و عراق، اعتقاد به جهاد و شهادت برای بسیاری از رزمندگان، عامل انگیزشی اساسی بود. بسیاری از رزمندگان با ایمان به اینکه فداکاری آنها در راه خدا نه تنها در این دنیا بلکه در آخرت نیز پاداش خواهد داشت، به جبهه رفتند. در شرایط جنگی مانند وضعیت جنگ ایران و اسرائیل نیز اعتقاد به زندگی پس از مرگ

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۲، ص ۱۴۶.

۲. توبه: ۲۵.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۷.

۴. علی بن محمد لثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۸۹.

می‌تواند عاملی کلیدی در تقویت امید انسان‌ها باشد. در قرآن نیز به نقش آخرت‌گرایی در ایجاد امید اشاره شده است؛ چنان‌که مؤمنان به امید رفتن به بهشت استقامت می‌کنند: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَكْفَأُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ: به یقین کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است، سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که نترسید و غمگین مباشید و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است».^۱

۲. ایمان به امدادهای غیبی

«امدادهای غیبی» همواره در جنگ‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. این موضوع نشان می‌دهد گروه‌هایی که به نیروهای غیبی ایمان دارند، موفقیت‌های بیشتری کسب کرده‌اند. در جنگ‌های اولیه اسلامی، مؤمنان از ایمان به این امدادها غافل نبودند و پیروزی‌های مهمی را به دست آوردند؛ در جنگ ایران و اسرائیل نیز، این اعتقاد به تقویت روحیه در برابر چالش‌ها کمک کرده است. آیات قرآن به امدادهای الهی در جنگ‌ها اشاره دارد؛ از جمله خداوند می‌فرماید: «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ...»^۲ که به یاری الهی در جنگ بدر اشاره دارد. این آیه بیان می‌کند مجاهدان با وجود شرایط نامساعد و کمبود نیروی انسانی، با امدادهای غیبی به پیروزی دست یافتند.^۳

همچنین خداوند در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا...»^۴ که نشان می‌دهد خداوند آرامش را بر مجاهدان نازل کرده و با لشکرهای نامرئی به آنان کمک کرده است. شاید مقصود از «نیروهای غیبی»، فرشتگانی باشند که حافظ پیامبر در سفر پر خوف و خطر بوده‌اند.^۵ «وآیده بجنود لم تروها»، یعنی او را با لشکریان نامرئی که نمی‌دیدید، یاری کرد.^۶

۱. فصلت: ۳۰.

۲. «خداوند شمارا در بدر یاری کرد [و بر دشمنان خطرناک، پیروز ساخت]؛ درحالی‌که شما [نسبت به آنها]، ناتوان

بودید» ((آل عمران: ۱۲۳؛ نیز ر.ک به: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۷۹).

۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۷۹.

۴. توبه: ۴۰.

۵. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۷۹.

۶. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۴۹.

پس از انقلاب اسلامی نیز بارها شاهد امدادهای غیبی بوده‌ایم؛ برای مثال در حادثه طبس و شکست آمریکا، امام خمینی علیه السلام فرمود: «شن‌ها و بادها مأمورین خدا در این عملیات بودند».^۱ رهبر معظم انقلاب نیز می‌فرماید: «چند روز قبل از پایان سال ۶۵ که خدمت امام بودیم، من و آقای هاشمی رفسنجانی و حاج احمد آقا اصرار کردیم که ایشان در حسینیه جماران با مردم دیداری داشته باشند. امام با قاطعیت گفتند: حالش را ندارم. در همان روزها، ناگهان قلب امام مشکلی پیدا می‌کند و حاج احمد آقا تمامی وسایل لازم را برای بهبود امام مهیا کرده بود. فوراً به وضعیت جسمی ایشان رسیدگی شد و خطر برطرف گردید. وقتی در بیمارستان بر بالین ایشان حاضر شدم، عرض کردم: چقدر خوب شد که آن شب اصرار ما را برای ملاقات با مردم نپذیرفتید؛ والا اگر خبر این ملاقات اعلام می‌شد، مردم به زیارت شما می‌آمدند و در آن صورت شما با این حال نمی‌توانستید مردم را ملاقات کنید و انعکاس آن در دنیا خوب نبود. این کار شما، خواست خداوند و کمک الهی بود و در آن زمان تصمیم بجایی گرفتید. ایشان در پاسخ من گفتند: آن طور که من فهمیدم، به نظر می‌رسد از اول انقلاب تا حالا، یک دست غیبی در همه کارها ما را هدایت می‌کند».^۲

۳. توکل به خدا

یکی از راه‌های ایجاد امید در جامعه، توکل است. توکل به معنای اعتماد و تکیه به خداوند است. توکل به خدا سبب ایجاد امید و آرامش در دل‌ها می‌شود و به انسان این قدرت را می‌دهد که در مواجهه با چالش‌ها و مشکلات زندگی، به جای ناامیدی، آرامشی عمیق بیابد. این آرامش ناشی از آن است که انسان می‌داند همه چیز تحت کنترل خداوند است و او هرگز او را تنها نمی‌گذارد. این حدیث که گفتگویی میان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و جبرئیل است، ابعاد مختلف توکل را بیان می‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از جبرئیل پرسید: توکل بر خدا یعنی چه و چگونه است؟ جبرئیل گفت: توکل یعنی یقین داشتن به اینکه مخلوق نه قدرت زیان‌رساندن و نه قدرت سودرساندن دارد، نه چیزی می‌دهد و نه از چیزی جلوگیری می‌کند و به طور کلی از مخلوق مأیوس شده و هیچ امیدی به آنها نداشته باشی. هنگامی که انسان چنین حالتی پیدا کند، تمام کارهایش برای خدا خواهد بود و هیچ عملی را برای غیر او نمی‌کند و به غیر او امیدوار نمی‌شود و از غیر او نمی‌ترسد و چشم

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۵۵.

2. <http://farsi.khamenei.ir/newspart-51827>.

طمع از غیر او ندارد.^۱ بر همین اساس، وقتی مسلمانان در جنگ احد با ضربه سختی مواجه شدند، از خود وحشت نشان ندادند، بلکه با توکل و استمداد از نیروی ایمان، بر پایمردی خود افزودند و دشمن فاتح با شنیدن خبر عقب‌نشینی کرد.^۲

در جنگ دوازده‌روزه نیز توکل به خدا از عوامل اصلی پیروزی و عاملی مهم در عبور از بحران‌ها مطرح شده است.

۴. ایمان به مهدویت

آموزه مهدویت با ایجاد انگیزه و ارائه چشم‌اندازی از جامعه آرمانی، امید به بهبود اوضاع را در دل انسان‌ها زنده می‌کند. جامعه آرمانی مهدوی با نوید حاکمیت حقیقت و عدالت، انسان‌ها را در برابر نامالایمات به‌ویژه در شرایط جنگی، قوی‌تر می‌سازد و انتظار ظهور، بدینی به آینده را به خوش‌بینی بدل می‌کند.^۳ این امر در امیدافزایی نقشی بنیادین دارد. استاد شهید مطهری می‌نویسد: «این اندیشه (انتظار) بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوش‌بینی نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و اطمینان به آینده و طرد عنصر بدینی نسبت به پایان کار بشر است».^۴

آیات^۵ و روایات نیز به آینده روشن و تشکیل حکومت آرمانی تأکید دارند: «نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ: می‌خواهیم بر آنان که در زمین به استضعاف کشیده شده‌اند، منت نهیم و آنان را پیشوا سازیم و آنان را وارث [زمین] گردانیم».^۶ در روایات و دعاها به مؤلفه‌های آرمان‌شهری مهدوی اشاره شده است که سازنده امید هستند. در دعای افتتاح می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تَعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: خدایا، به سوی تو مشتاقیم برای یافتن دولت کریمه‌ای که اسلام و اهلش را به آن عزت بخشی و نفاق و اهلش را به وسیله آن خوار کنی و ما را در آن دولت از دعوت‌کنندگان به سوی طاعتت و رهبران به سوی

۱. شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص ۲۶۱.

۲. آل‌عمران: ۱۷۳.

۳. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۳۶۰.

۴. همان، ج ۲۴، ص ۴۰۶.

۵. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیا: ۱۰۵).

۶. قصص: ۵.

راحت قرار دهی و کرامت دنیا و آخرت را از برکت آن روزی مان فرمایی».^۱

«اللَّهُمَّ وَصِّلْ عَلَيَّ وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمِّلِ وَالْعَدْلِ الْمُتَنَظِّرِ: خدایا، درود فرست بر ولی امرت که قیام‌کننده و مایه امید و آرزو و عادل مورد انتظار است».^۲

۵. تقویت همبستگی اجتماعی

قرآن ضمن فراخواندن مسلمانان به همبستگی، اختلاف را در ردیف عذاب الهی قرار داده است: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ: بگو او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما برانگیزد یا شما را گروه‌گروه و حزب‌حزب به جان هم اندازد، [تا وضعتان به اختلافات سنگین و کینه‌های سخت بینجامد،] و مزه تلخ جنگ و خونریزی را به هر گروه شما به وسیله گروه دیگر بچشاند. با تأمل بنگر چگونه آیات خود را به صورت‌های گوناگون بیان می‌کنیم تا بفهمند».^۳

بنابراین یکی از راهکارهای ایجاد امید در جامعه، تقویت همبستگی اجتماعی است. ایجاد گروه‌های حمایتی، برگزاری مراسم‌های اجتماعی و فرهنگی و کمک به یکدیگر، می‌تواند به مردم انگیزه بیشتری برای ایستادگی و تاب‌آوری بدهد. در شرایط جنگی نیز حمایت از نیروهای مسلح نقشی کلیدی در امیدافزایی در جامعه دارد. در جنگ دوازده‌روزه، شاهد بودیم که برخی از گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی که قبلاً دیدگاه‌های متفاوتی در برابر نظام داشتند، به یک‌باره به صفوف حمایت از نیروهای مسلح پیوستند؛ حتی ایرانیان خارج از کشور نیز با ارسال پیام‌هایی، حمایت خود را از دفاع مقدس اعلام کردند.

۶. مطالعه داستان انبیا و اقوام گذشته در قرآن کریم

درگیری‌ها و جنگ‌ها معمولاً منجر به ایجاد ناامیدی میان مردم می‌شوند؛ اما با یادآوری داستان‌های انبیا و تأکید بر پیام‌های امید، می‌توان به تقویت روحیه عمومی کمک نمود و افراد را به مقابله با بحران‌ها تشویق کرد. بیان تاریخ انبیا می‌تواند ابزاری مؤثر برای افزایش امید باشد.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۲۴؛ محمد بن حسن طوسی، مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۵۸۰.

۲. علی بن موسی ابن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۶۰؛ محمد بن حسن طوسی، مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۵۸۰.

۳. انعام: ۶۵.

قرآن کریم نیز در آیات متعدد، سرگذشت و داده‌های تاریخی انبیا را بازخوانی می‌کند تا نشان دهد در سخت‌ترین جنگ‌ها، پیروزی از آن انبیا و مؤمنان است؛ برای مثال هنگامی که حضرت موسی علیه السلام و همراهانش تحت تعقیب فرعون بودند و در آستانه غرق شدن در رود نیل قرار داشتند، همراهانش وحشت‌زده شدند و به موسی علیه السلام گفتند: «الآن یا غرق می‌شویم یا دستگیر»، اما حضرت موسی علیه السلام فرمود: «قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ: چنین نیست، آنها هرگز بر ما مسلط نخواهند شد؛ چراکه پروردگار من با من است و به‌زودی مرا هدایت خواهد کرد». ^۱ و این پاسخ، نمادی از ایمان و امید در برابر بحران‌هاست و نشان می‌دهد که در دشوارترین شرایط، هرگز نباید امید را از دست داد.

همچنین خداوند در قرآن کریم پیروزی حضرت داود علیه السلام بر جالوت را ذکر می‌کند. این واقعه به‌روشنی نشان می‌دهد در نبرد حق و باطل، همواره پیروزی به حق جویان تعلق دارد: «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبَّتْ أَقْدَامَنَا وَ انْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ: و هنگامی که در برابر [جالوت] و سپاهیان او قرار گرفتند، گفتند: پروردگارا، پیمان‌ه شکنیایی و استقامت را بر ما بریز و قدم‌های ما را ثابت بدار و ما را بر جمعیت کافران، پیروز بگردان». ^۲ سپاهیان طالوت قبل از آغاز نبرد و جنگ به این دعا روی آوردند که نتیجه آن پیروزی طالوت و لشکر وی بر جالوت بود: «فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ». ^۳

در تاریخ اسلام جنگ‌های متعددی مانند جنگ بدر شکل گرفت که خداوند با بیان آنها برای مؤمنان، امید ایجاد می‌کند که مؤمنان در این چگونه پیروزند؛ همچنین در جنگ احزاب که یهودیان، قریش و منافقان به منظور نابودی اسلام و مسلمانان با هم متحد شده بودند، ^۴ اما خداوند از پیروزی اسلام با عنوان نعمت یاد می‌کند و این امید را ایجاد کرد که خداوند همواره با مؤمنان است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نعمت خدا را بر

۱. شعرا: ۶۲؛ نیز ر.ک به: محمد بن عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۲۴، ص ۵۰۷.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۲۴۴.

۳. بقره: ۲۵۰.

۴. بقره: ۲۵۱.

۵. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۱۶؛ ر.ک به: محمد بن عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۲۵،

ص ۱۶۰.

خود به یادآورید؛ در آن هنگام که لشکریانی [عظیم] به سراغ شما آمدند؛ ولی ما باد و طوفان سختی بر آنان فرستادیم و لشکریانی که آنها را نمی‌دیدید [و به این وسیله آنها را درهم شکستیم]. و خداوند همیشه به آنچه انجام می‌دهید، بینا بوده است.^۱ این آیه به مؤمنان یادآوری می‌کند در زمان‌های دشوار، نعمت‌های الهی شامل حال آنان بوده است.

بنابراین تاریخ انبیا، منبعی غنی از امید و پیام‌های الهی است که به ما می‌آموزد در مواجهه با سختی‌ها و چالش‌ها، همواره باید به قدرت و حکمت الهی اعتماد کرد و با ایمان و اراده‌ای قوی به سوی پیروزی حرکت نمود.

۷. شناخت حیل‌های دشمنان در جنگ رسانه‌ای

شایعه‌سازی و گزارش‌های کاذب در شرایط بحرانی به‌ویژه در جنگ‌ها، ابزاری قدرتمند برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و ایجاد ناامنی و ناامیدی است. در جنگ دوازده‌روزه، این شیوه‌ها به طور خاص از سوی دشمنان استفاده شد. دشمن از طریق فضای مجازی و رسانه می‌کوشید صفوف محکم و یکپارچه ملت ایران اسلامی را متزلزل کند که با هوشیاری مقام معظم رهبری و اعتماد ستودنی مردم به نظام جمهوری اسلامی، همه نقشه‌های دشمن نقش بر آب شد و مردم با ایستادگی و یکپارچگی مثال‌زدنی خود، دشمنان را مجبور به عقب‌نشینی و شکست کردند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن‌بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، محقق: علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
۲. ابن‌طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال، چ ۲، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۹ ق.
۳. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، مصحح: هاشم رسولی، چ ۴، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۴. سبزواری، محمد، ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن، بیروت: دارالتعارف، ۱۴۱۹ ق.
۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر قرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.

۱. احزاب: ۹؛ نیز ر. ک به: سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۲۸۴؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۵۳۲

۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: فضل‌الله یزدی طباطبائی، چ ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۷. طوسی، محمد بن حسن، مصباح‌المتجهّد و سلاح‌المتعبّد، بیروت: مؤسسه فقه‌الشیعه، ۱۴۱۱ ق.
۸. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، چ ۳، بیروت: دار‌احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۹. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: علی‌اکبر غفاری، چ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۱۱. لثی واسطی، علی بن محمد، عیون‌الحکم و المواعظ، مصحح: حسین حسینی بیرجندی، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶ ش.
۱۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، چ ۲، بیروت: دار‌احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار. تهران: صدرا، ۱۳۷۶ ش.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چ ۱۰، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ ش.

اخلاق جنگ و هولوکاست غزه

دکتر جواد دانش *

«حتی در جهنم جنگ، انسانیت می تواند و باید زنده بماند»

ژان پیکته

اشاره

بحران جاری در غزه، نمونه‌ای عینی از شکست هنجارهای اخلاقی و اصول حقوق بین الملل بشردوستانه در مواجهه با مخاصمات مسلحانه است. این یادداشت مختصر، ضمن تبیین ابعاد انسانی و حقوقی فاجعه غزه، با رویکردی تطبیقی میان سنت فلسفی - اخلاقی غرب (به‌ویژه نظریه جنگ عادلانه آکویناس) و تعالیم اسلامی، نشان می‌دهد که کشتار جمعی غیرنظامیان و تخریب گسترده زیرساخت‌ها، نه تنها نقض قوانین، بلکه چالشی تأسف بار برای ارزش‌های لیبرال و بنیادهای حقوقی - اخلاقی به شمار می‌آید.

درآمد

پدیدارشناسی جنگ‌های معاصر و به طور خاص منازعه جاری در غزه نه تنها به عنوان یک تراژدی رقت‌انگیز انسانی با ابعاد فاجعه‌بار، بلکه به مثابه یک «آزمایشگاه بحرانی» برای نظریه‌های اخلاقی و حقوقی، ضرورت بازاندیشی بنیادین در مبانی حاکم بر مخاصمات مسلحانه را بیش از گذشته آشکار کرده است. آنچه در غزه رخ می‌دهد، فراتر از رویدادی خبری یا بحران ژئوپلیتیکی صرف است. این وضعیت، تجسم عینی و دردناک شکست هنجارهای اخلاقی و الزامات حقوقی نظام بین الملل و تبلور ظلمی است که بر پیکر جامعه‌ای محصور و

* مدیر گروه فلسفه اخلاق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

بی دفاع وارد می‌آید. کشتار بی وقفه انسان‌ها به‌ویژه غیرنظامیان بی‌شماری که بیشتر آنان را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند و تخریب نظام‌مند و گسترده زیرساخت‌های حیاتی - از بیمارستان‌ها و مدارس گرفته تا نانوائی‌ها و پناهگاه‌ها - دیگر تنها آمارهای انتزاعی نیستند. این نمونه‌ها و بسیاری دیگر از این قبیل، به «داده‌های وجودی»^۱ بدل شده‌اند که هر فیلسوف اخلاق و هر نظریه‌پرداز جنگ عادلانه‌ای را به پرسش از حدود و ثغور جواز اخلاقی توسل به خشونت و مسئولیت‌پذیری در قبال پیامدهای آن فرامی‌خواند.

مشاهده‌های میدانی و گزارش‌های مستند از غزه، تصویر بهت‌انگیزی از «دوزخی زمینی» را به نمایش می‌گذارد. سرزمین سوخته‌ای که قلب‌ها نه از بیماری‌های طبیعی، که از ترکش بمب‌ها و وحشت از دست‌دادن ناگهانی عزیزان، از تپش باز می‌ایستند؛ نفس‌ها نه در آرامش خواب، که در زیر آوار خانه‌های ویران‌شده یا در میان دود و غبار ناشی از انفجارهای پیاپی در سینه حبس می‌شوند؛ همچنین انسان‌ها نه به استعاره، که به معنای واقعی کلمه در لهیب آتش سلاح‌های ممنوعه و بمباران‌های بی‌امان می‌سوزند. این ظلم عریان که با محاصره خفه‌کننده و محرومیت از ابتدایی‌ترین نیازهای انسانی چون آب، غذا، دارو و سرپناه تشدید می‌شود، صرفاً بحرانی بشردوستانه نیست، بلکه بحران عمیق اخلاقی است که نه‌تنها وجدان فردی، بلکه بنیان‌های تئوریک نظام اخلاقی و حقوقی بین‌المللی را به چالش می‌کشد. در چنین بزنگاهی، سخن تکان‌دهنده کانت بار دیگر طنین‌انداز می‌شود که می‌گفت: «چهره انسان از شرم اینکه به گروهی تعلق دارد که می‌تواند قربانی چنین رفتاری باشد، گلگون می‌شود».^۲ این شرم نه‌تنها یک واکنش عاطفی فردی، بلکه بازتابی از آگاهی عمیق در برابر نقض فاحش کرامت انسانی و فروپاشی آن دسته از هنجارهای بنیادینی است که مشترکات بشری ما را تعریف می‌کند و مظلومانه تقلا می‌کنند هنوز ما را گرداگرد پاره‌ای از ارزش‌های انسانی بنشانند و غبار عداوت از رخسار خسته و ملول انسان امروز بزدایند. این وضعیت، افزون بر پرسش‌هایی بنیادینی که در حوزه فلسفه سیاسی (در باب حاکمیت و مسئولیت دولت‌ها در شرایط خاص) و حقوق بین‌الملل

1. existential data.

2. Immanuel Kant, *The Metaphysics of Morals*. Trans. Mary Gregor. Cambridge: Cambridge University Press, 1991, p.255.

بشردوستانه (درباره اجرای اصولی چون ضرورت و تناسب) به همراه دارد، در حوزه فلسفه اخلاق به‌ویژه اخلاق جنگ نیز محمل تأملات بسیاری بوده است.

جنگ در آینه اخلاق

چنان‌که اشاره شد، هنجارها و الزامات اخلاقی حاکم بر جنگ‌ها به‌ویژه در ارتباط با حفاظت از جان غیرنظامیان، یکی از دیرپاترین و با وجود این، چالش‌برانگیزترین مباحث اخلاق کاربردی است. کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن (۱۹۷۷) با تأکید بر «اصل تمایز»^۱ میان افراد نظامی حاضر در جنگ و غیرنظامیان، تصریح می‌کند طرفین محاصمه باید در همه حال میان جمعیت غیرنظامی و رزمندگان و نیز بین اهداف غیرنظامی و اهداف نظامی تمایز قائل شوند و بر این اساس، عملیات خود را فقط علیه اهداف نظامی هدایت کنند (ماده ۴۸)؛ حتی اعمال یا تهدیداتی که منجر به رعب و وحشت در میان این غیرنظامیان شود، ممنوع به شمار می‌رود (ماده ۵۱).^۲ شمول این اصل افزون بر انسان‌های بی‌پناه شهرها و روستاهای دو طرف نزاع، چنان گسترده است که به بیان مارکو ساسولی و آنتوان بویه در اثر دایرةالمعارف‌گونه چگونه حقوق در جنگ محافظت می‌کنند؟، حتی پزشکان و پرستارانی که در خط مقدم می‌کوشند مجروحان را مداوا نمایند، خبرنگارانی که حقیقت را روایت می‌کنند و کارکنان بشردوستانه‌ای که کمک می‌رسانند را نیز دربر می‌گیرد.^۳ ایان هندرسون در کتاب حقوق معاصر هدف‌گیری: اهداف نظامی، تناسب و اقدامات احتیاطی در حمله بر اساس پروتکل الحاقی اول که به بررسی عمیق و تحلیلی قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه حاکم بر هدف‌گیری در مخاصمات مسلحانه می‌پردازد و مفاهیمی مانند «اهداف نظامی»، «اصل تناسب» در حمله و الزام به اتخاذ «اقدامات احتیاطی» را تجزیه و تحلیل می‌کند، گامی فراتر می‌نهد و نشان می‌دهد اماکن و اشیاء نیز از این حمایت برخوردارند؛ از این‌رو پناهگاه‌ها، مساجد، کلیساها، مدارس، بیمارستان‌ها و

1. Principle of Distinction.

2. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949 (Protocol I), Articles 48 & 51.

3. Marco Sassoli, Antoine A. Bouvier, *How Does Law Protect in War?: Cases, Documents and Teaching Materials on Contemporary Practice in International Humanitarian Law*, Fourth Edition, International Committee of the Red Cross (ICRC), 2017, pp. 208-213.

موزه‌ها از جمله مکان‌هایی هستند که نباید هدف قرار گیرند.^۱

اما گذشته از هنجارهایی که در کتاب‌های حقوقی برای جنگ نگاشته شده است، در آثار فلسفی نیز قواعد و الزاماتی برای آغاز رخداد جنگ، شیوه جنگیدن و چگونگی رفتارهای پس از پایان آن ذکر شده است.^۲ توماس آکویناس - فیلسوف و الهی‌دان برجسته قرون وسطی - در بخش دوم از قسمت دوم اثر برجسته و ماندگار خود جامع الهیات ذیل پرسش ۶۴، به تفصیل درباره جنگ و شرایطی بحث می‌کند که تحت آن یک جنگ می‌تواند «عادلانه» دانسته شود.^۳ او سه شرط اصلی را برای مشروعیت حق توسل به جنگ مطرح می‌کند که در ادامه به اختصار آنها را مرور خواهیم کرد. آکویناس بحث خود را با این پرسش آغاز می‌کند که آیا جنگیدن همیشه گناه است؟ وی با استناد به متون مقدس و آثار آباء کلیسا (به‌ویژه آگوستین قدیس)، نتیجه می‌گیرد جنگ تحت شرایط خاصی می‌تواند مجاز و حتی ضروری باشد. این شرایط برای محدود کردن خشونت و اطمینان از اینکه جنگ تنها آخرین راه حل و برای اهداف درست به کار گرفته می‌شود، وضع شده‌اند. اما این جنگ گریزناپذیر نیز تنها با سه شرط زیر موجه خواهد بود:

1. Ian Henderson, *The Contemporary Law of Targeting: Military Objectives, Proportionality and Precautions in Attack under Additional Protocol I*, Martinus Nijhoff Publishers, 2009, pp. 87-126.

۲. برای مثال برای آشنایی با آراء کانت درباره قواعد جنگ، نک:

Immanuel Kant, *Perpetual Peace and Other Essays*, Translated by Ted Humphrey, Hackett Publishing Company, 1983.

مقاله برجسته «حق دروغ‌گویی» از کرسگارد به‌خوبی نشان می‌دهد که چگونه امر مطلق کانتی - که به ما توصیه می‌کند انسان‌ها را همیشه به‌مثابه غایت و نه صرفاً وسیله در نظر بگیریم - می‌تواند به نتایج مبارکی چون ممنوعیت قتل غیرنظامیان منتهی می‌شود. نک:

Christine M., Korsgaard, "The Right to Lie: Kant on Dealing with Evil," *Philosophy & Public Affairs*, 4 (1986), pp. 325-349.

مایکل والزر با کتاب مهم جنگ‌های عادلانه و ناعادلانه انقلابی در اخلاق جنگ رقم زد. او در این کتاب با بیان اینکه در نقشه اخلاقی جنگ، حتی وقتی کشورها در حال نبردند، غیرنظامیان در قلمرو صلح زندگی می‌کنند، تأکید می‌کند که ممنوعیت قتل غیرنظامیان نه صرفاً یک قاعده حقوقی، بلکه یک اصل عمیق اخلاقی است؛ نک:

Michael Walzer, *Just and Unjust Wars: A Moral Argument with Historical Illustrations*, 5th ed., New York: Basic Books, 2015.

3. Thomas Aquinas, *Summa Theologica*. Vol. 3. Translated by the Fathers of the English Dominican Province. New York: Benziger Bros, 1947.

۱. اختیار حاکم

اولین شرط این است که جنگ باید از سوی قدرت حاکم مشروع و قانونی اعلام شود؛ بدان معنا که افراد خصوصی یا گروه‌هایی که قدرت سیاسی و مسئولیت اداره جامعه را ندارند، نمی‌توانند به طور مشروع آغازکننده جنگی باشند. بنابراین تنها کسی که مسئولیت «خیر عمومی»^۱ یک کشور یا جامعه را بر عهده دارد (مانند پادشاه، حاکم یا دولت مشروع)، صلاحیت اعلام جنگ را خواهند داشت. آکویناس برای اثبات این مدعای خود به سه دلیل متوسل می‌شود؛ دلیل نخست: لزوم حفظ نظم عمومی؛ به تحقیق اگر هر فردی می‌توانست آغازکننده جنگ باشد، جامعه به هرج و مرج و ناامنی دائمی مبتلا می‌شد، در حالی که وظیفه حاکم، حفظ صلح و نظم در داخل و دفاع از جامعه در برابر تهدیدهای خارجی است. دلیل دوم: مسئولیت در قبال خیر عمومی؛ جنگ اقدامی جمعی است که بر همه جامعه تأثیر می‌گذارد. بنابراین تصمیم به آغاز آن را باید کسی بگیرد که نماینده و مسئولیت همه جامعه را بر عهده دارد. دلیل سوم: جایگزینی آن به جای دادخواهی خصوصی؛ روشن است که افراد متعارف برای احقاق حق خود باید به دادگاه‌ها و مقامات قانونی مراجعه کنند، نه اینکه خودسرانه دست به اسلحه برند. جنگ به نوعی، اقدام قانونی جامعه علیه جامعه‌ای دیگر است که خطایی مرتکب شده‌اند و گریزی جز جنگ مسلحانه با آنها نیست.

۲. دلیل عادلانه

شرط دوم آکویناس آن است که باید دلیل موجه و عادلانه‌ای برای آغاز جنگ وجود داشته باشد؛ بنابراین صرف داشتن قدرت و اختیار برای اعلام جنگ کافی نیست، بلکه لازم است ظلم یا تجاوزی انجام گرفته باشد تا بتوان جنگ را پاسخی در برابر آن دانست. او در ادامه توضیح می‌دهد جنگ می‌تواند برای مجازات ملتی که مرتکب خطای بزرگی شده و از جبران آن یا تنبیه خاطیان خودداری می‌کند، آغاز شود و این مسئله شامل بازپس‌گیری آنچه به ناحق گرفته شده (مانند سرزمین یا اموال) نیز می‌شود.

۳. نیت درست

آخرین شرط آکویناس برای موجه‌بودن جنگ‌ها، داشتن نیت و انگیزه صحیح از سوی

1. Common good.

جنگ افروزان است. از این دیدگاه، حتی اگر جنگ را حاکم مشروع و با دلایل عادلانه و موجه آغاز کند، اگر نیت فرماندهان و سربازان نادرست باشد، جنگ می‌تواند «ناعادلانه» تلقی شود. او توضیح می‌دهد هدف اصلی از جنگ باید برقراری یا بازگرداندن صلح پایدار، ترویج خیر و خوبی و سرکوب شر و بدی باشد؛ بنابراین به جنگ باید در جایگاه وسیله‌ای برای رسیدن به وضعیتی بهتر و عادلانه‌تر از آنچه قبل از جنگ وجود داشت، نگریسته شود. آکویناس در ادامه تصریح می‌کند نیت‌هایی مانند شهوت قدرت، کینه‌توزی و انتقام‌جویی کور، حرص و طمع برای غارت، میل به آسیب‌رساندن و کشتار بی‌دلیل یا تحمیل عقاید خود بر دیگران، جنگ را حتی با وجود دو شرط اول، نامشروع می‌سازد. همچنین نیت درست ایجاب می‌کند که جنگ با کمترین خسونت و تلفات ممکن انجام شود و هدف آن نابودی کامل دشمن یا ایجاد رنج غیرضروری نباشد؛ بنابراین کشتار غیرنظامیانی که اساساً نقشی در جنگ ندارند یا نابودی سرزمین آنها ناموجه خواهد بود.

این سه شرط آکویناس، سنگ‌بنای نظریه جنگ عادلانه در سنت مسیحیت غربی و بعدها در حقوق بین‌الملل سکولار شد. هدف آکویناس نه ترویج جنگ، بلکه محدودکردن آن و ارائه چارچوبی اخلاقی برای ارزیابی مشروعیت توسل به زور بود. چارچوبی که بعدها و با وجود آنکه با پیچیدگی‌های دنیای مدرن، تفاسیر و الحاقات جدیدی نیز به آن اضافه شد، به‌کرات در بحث‌های ناظر به اخلاق جنگ و مداخلات نظامی مورد استناد و بحث قرار می‌گیرد. در چارچوب نگرش آکویناس، جنگ ویران‌کننده کنونی علیه مردم بی‌پناه غزه تنها در صورتی توجیه اخلاقی خواهد داشت که ظلم یک‌طرفه‌ای از طرف مقابل به مردم و سرزمین‌های اشغالی تحمیل شده باشد و انگیزه جنگ افروزان صهیونیست از حملات یک‌سویه کنونی، برقراری صلح و ترویج خیر باشد!

جنگ از دیدگاه اسلام

در دین مبین اسلام، اصالت با صلح و همزیستی است.^۱ با استناد بر قاعده اصولی «حمل مطلق بر مقید» به نظر می‌رسد جواز جنگ، مضیق به پیکارهای تدافعی شده است. علامه طباطبایی

۱. نک: انفال: ۶۱؛ نساء: ۱۲۸؛ بقره: ۲۰۸.

در جلد دوم تفسیر گرانسنگ المیزان با بیان «القتال محاوله الرجل قتل من يحاول قتله» تأکید می‌کنند قتال و جنگ تنها کوشش در کشتن کسی است که سعی در کشتن انسان دارد؛^۱ از این رو واژه «فتنه» هم که از سوی برخی از مفسران به دلیل کاربرد در آیه «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ»^۲ معادل شرک و کفر قلمداد شده و بدین ترتیب آیه مذکور را به معنای مطلق جنگ و کشتار کفار و مشرکان اخذ نموده‌اند، در حقیقت مرادف با «شرک» نیست، بلکه به معنای برنامه‌ریزی و فتنه‌انگیزی کافران و مشرکان و طراح‌ی و آغاز جنگ علیه مسلمانان یا شکنجه‌دادن و زندانی کردن و کشتن مؤمنان به دلیل دین‌شان است.^۳

گذشته از هنجارهای ورود در جنگ، اسلام در زمان قتال نیز الزامات اخلاقی خاصی چون آسیب‌نرساندن به مزارع و درختان،^۴ پرهیز از تخریب ساختمان‌ها و اماکن^۵ و آسیب‌نرساندن به حیوانات^۶ را در نظر دارد که در این میان می‌توان مهم‌ترین آنها را اصل تعرض نکردن به غیرنظامیان برشمرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسلمانان را از قتل پیران، زنان، اطفال، عابران و راهبانی که در غارها و بیغوله‌ها زندگی می‌کنند، برحذر می‌دارد؛^۷ همچنین امیر مؤمنان خطاب به معقل ابن قیس که به در جایگاه فرمانده مأموریت جنگی را بر عهده داشت، تأکید می‌فرمایند: «از خدا بترس و جز با کسی که با تو پیکار می‌کند، پیکار نکن».^۸

تفکیک میان افراد نظامی و مسلحی که به مبارزه برخاسته‌اند یا به گونه‌ای در جنگ شرکت

۱. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۲۲.

۲. بقره: ۱۹۱.

۳. نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، جهاد در اسلام، ص ۲۳ - ۲۶.

۴. نک: محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۵، ص ۵۹؛ نیز، محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۶۰.

۵. نک: محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۶۱؛ نیز: محمد ابن ادریس حلی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۲، ص ۸ - ۹.

۶. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۱۷۹.

۷. همان، ج ۹۷، ص ۲۵.

۸. نهج‌البلاغه، ترجمه عبدالحمید آیتی، نامه ۱۲.

دارند از دیگران و لزوم مدارا با غیرنظامیان تا آنجاست که صاحب جواهر الکلام در باب اصل حمایت از افراد غیرنظامی می نویسد: «کسی از فقها را سراغ ندارم که با این مسئله مخالف باشد».^۱

ذکر این نکته لازم به نظر می رسد که هنجارهای بنیادین حقوق بشردوستانه و از جمله اصول «تمایز و تناسب»، ریشه های عمیقی در آموزه های اسلامی دارند. آیه شریفه ۱۹۰ سوره «بقره» نمونه ای درخشان از این مدعاست. حضرت حق در این آیه به مسلمانان تأکید می فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»؛ و در راه خدا، با کسانی که با شما می جنگند، پیکار کنید؛ و از حد تجاوز نکنید، که خدا تجاوزکاران را دوست ندارد». بر اساس این آیه، جنگ در راه خداوند مشروط به این شرایط است:

۱. «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (در راه خدا)

این عبارت، انگیزه و هدف جنگ را مشخص می کند. جنگ در اسلام، یک هدف فی نفسه نیست، بلکه وسیله ای است برای اهداف عالی تر مانند دفاع از مظلوم، رفع فتنه، برقراری عدالت و تأمین امنیت برای عبادت و زندگی مسالمت آمیز. این هدف گذاری الهی، خودبه خود محدودیت هایی را بر شیوه جنگیدن اعمال می کند. جنگی که «در راه خدا» باشد، نمی تواند با ظلم، تجاوز و نقض کرامت انسانی همراه شود.

۲. «الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» (کسانی که با شما می جنگند)

این بخش به روشنی بیان کننده اصل تمایز است. فرمان جنگ، محدود به کسانی است که «فعالانه در حال جنگ» با مسلمانان هستند. این مسئله به معنای تفکیک صریح میان نظامیان و غیرنظامیان است؛ بنابراین حمله به زنان، کودکان، سالخوردگان، راهبان و کشیشانی که در جنگ شرکت ندارند، کشاورزان، تجار و صنعتگرانی که به امور روزمره خود مشغول اند و سلاح به دست نگرفته اند، بر اساس این آیه مجاز نیست. این مسئله دقیقاً همان چیزی است که حقوق بین الملل بشردوستانه مدرن تحت عنوان «مصونیت غیرنظامیان» مطرح می کند.

۱. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ص ۷۳-۷۴.

۳. «وَلَا تَعْتَدُوا» (و از حد تجاوز نکنید)

این دستور، ناظر بر اصل تناسب و همچنین محدودیت در ابزارها و روش‌های جنگی است. گفتنی است «تعدی» یا تجاوز از حد، می‌تواند مصادیق مختلفی داشته باشد:

(الف) گسترش جنگ به غیرجنگجویان: همان‌طور که اشاره شد، اگر دامنه جنگ بدون ضرورت معقول و موجه به غیرنظامیان گسترش یابد، مصداق بارز «تعدی» است.

(ب) استفاده از خشونت بیش از حد نیاز: حتی در مقابله با جنگجویان دشمن، استفاده از خشونت نامتناسب با هدف نظامی مشروع (مانند مثله‌کردن، شکنجه یا کشتار پس از تسلیم‌شدن) مصداق «تعدی» است.

(ج) تخریب بی‌مورد و غیرضروری: نابودکردن اموال، مزارع و زیرساخت‌هایی که ارتباط مستقیم با توان نظامی دشمن ندارند و صرفاً موجب رنج و عذاب بیشتر مردم می‌شود، «تعدی» به شمار می‌آید.

(د) نقض عهد و پیمان: زیرپا گذاشتن توافقات و امان‌نامه‌ها نیز از مصادیق «تعدی» است.

۴. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (خدا تعدی‌کنندگان را دوست ندارد)

این عبارت، ضمانت اجرایی اخلاقی و معنوی بسیار قوی برای رعایت این اصول است. محبوبیت‌نداشتن نزد خداوند برای فرد مؤمن، انگیزه‌ای قدرتمند برای پرهیز از تجاوز و ظلم است. این مسئله نشان می‌دهد این قواعد فقط توصیه‌هایی مصلحتی نیستند، بلکه ریشه در نظام ارزشی الهی دارند.

این نکته را نیز به مدعای پیشین می‌توان افزود که آموزه‌های اسلامی در باب اخلاق جنگ، حتی فراتر از اصول تمایز و تناسب رفته‌اند و مفاهیمی چون ضرورت نظامی و اقدامات احتیاطی را نیز دربر می‌گیرد. اصل «الَّذِينَ يُفَاتِلُونَكُمْ» و هدف «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» نشان می‌دهد که توسل به جنگ تنها در صورت ضرورت و برای دفع تجاوز یا فتنه مجاز است. نهی از روش‌های کور و بی‌رویه (مانند ریختن سم) یا حملات غافل‌گیرانه بدون اتمام حجت (در برخی موارد)، به نوعی نشان‌دهنده لزوم اتخاذ تدابیری برای کاهش آسیب‌های جانبی است.

بنابراین کاملاً روشن است که شارع مقدس در اسلام، قرن‌ها پیش از تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل بشردوستانه مدرن، اصول و قواعد دقیقی را برای انسانی‌کردن جنگ و محدودکردن

خشونت وضع کرده است. آیه شریفه پیش گفته و سیره نبوی، گواهان روشنی بر این مدعا هستند که اخلاق و معنویت حتی در سخت‌ترین شرایط مانند جنگ، نباید به فراموشی سپرده شوند. بازخوانی و تبیین این آموزه‌ها می‌تواند به تقویت فرهنگ رعایت حقوق بشردوستانه در جهان امروز به‌ویژه در جوامع اسلامی کمک شایانی نماید. همچنین این اصول اخلاقی و حقوقی در بزنگاه‌هایی چون بحران غزه، بیش از پیش اهمیت خود را نشان می‌دهند و معیار سنجش رفتار طرفین درگیر قرار می‌گیرند.

نتیجه

تجربه تلخ و جاری غزه نشان می‌دهد که اصول اخلاقی و حقوقی حاکم بر جنگ، نه تنها بر صفحه متون بین‌المللی یا سنت‌های دینی باقی نمی‌مانند، بلکه در بزنگاه‌های عینی، چونان معیار قضاوت در برابر فجایع انسانی، به محک آزمون گذاشته می‌شوند. همان‌گونه که واکاوی تطبیقی نظریه جنگ عادلانه در سنت فلسفی غرب و آموزه‌های اسلامی نشان داد، اصولی چون تمایز، تناسب و الزام به نیت درست، بنیاد هر نوع توجیه مشروع برای توسل به خشونت را تشکیل می‌دهند؛ اصولی که نقض آنها حتی اگر به نام قانون یا منافع ملی باشد، هم بر مبانی حقوق بین‌الملل خدشه وارد می‌کند و هم وجدان اخلاقی بشریت را جریحه‌دار می‌سازد.

در پرتو آموزه‌های حقوق بشردوستانه مدرن و تعالیم اسلامی، کشتار سیستماتیک غیرنظامیان و تخریب بی‌رویه زیرساخت‌ها - همان‌گونه که امروز در غزه شاهدیم - مطلقاً فاقد هرگونه توجیه اخلاقی و حقوقی است. وضعیت غزه نه فقط تراژدی انسانی، که نشانه عمیق بحران و فروپاشی هنجارهای اخلاق جنگ و آزمونی برای مواضع نظام‌های حقوقی و فلسفه‌های اخلاقی معاصر است. تنها راه برون‌رفت از این وضعیت، بازگشت صادقانه به اصول بنیادین کرامت انسانی، پذیرش مسئولیت اخلاقی و حقوقی دولت‌ها و تقویت نظم جهانی مبتنی بر حق و عدالت است؛ مسیری که اگرچه دشوار و پرچالش است، هنوز تنها امید واقعی برای جلوگیری از تکرار چنین فجایع و حراست از ارزش‌های مشترک انسانی به شمار می‌آید. در این راستا، تبیین دوباره و مطالبه جدی اجرای اصول تمایز، تناسب و ضرورت، فارغ از جغرافیا یا دین، باید دغدغه مشترک همه کسانی باشد که به کرامت انسان، اخلاق جهانی و صلح شرافتمندانه باور دارند.

کتابنامه

قرآن کریم

۱. نهج البلاغه، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۵، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق.
۳. حلی، محمد ابن ادريس، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۲، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۸ ق.
۴. صالحی نجفآبادی، نعمت‌الله، جهاد در اسلام، تهران: نشر نی، ۱۳۸۲ ش.
۵. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: منشورات موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۷۳ م.
۶. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م.
۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
1. Aquinas, Thomas. *Summa Theologica*. Vol. 3. Translated by the Fathers of the English Dominican Province. New York: Benziger Bros., 1947
2. Henderson, Ian. *The Contemporary Law of Targeting: Military Objectives, Proportionality and Precautions in Attack under Additional Protocol I*, Martinus Nijhoff Publishers, 2009
3. Kant, Immanuel. *The Metaphysics of Morals*. Translated by Mary Gregor. Cambridge: Cambridge University Press, 1991
4. Kant, Immanuel. *Perpetual Peace and Other Essays*. Translated by Ted Humphrey, Hackett Publishing Company, 1983
5. Korsgaard, Christine M. "The Right to Lie: Kant on Dealing with Evil," *Philosophy & Public Affairs*, 4 (1986)
6. Sassoli, Marco; Bouvier, Antoine A. *How Does Law Protect in War?: Cases, Documents and Teaching Materials on Contemporary Practice in International Humanitarian Law*, Fourth Edition, International Committee of the Red Cross (ICRC), 2017
7. Walzer, Michael. *Just and Unjust Wars: A Moral Argument with Historical Illustrations*, 5th ed., New York: Basic Books, 2015
8. *Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949 (Protocol I)*, Articles 48 & 51.

نقش باورهای دینی در تاب‌آوری خانوادگی در شرایط جنگی

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسین افشاری کرمانی*

اشاره

خانواده در قرن بیست و یکم همچنان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی و تربیتی است که نقشی بی‌بدیل در پایداری فرهنگی، روانی و اجتماعی جوامع ایفا می‌کند. با این حال، شرایط بحرانی همچون جنگ، ناامنی، تهدیدهای نظامی و دفاعی، یکی از جدی‌ترین چالش‌هایی است که انسجام و تاب‌آوری خانواده‌ها را تهدید می‌کند. مطالعات روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نشان می‌دهند خانواده‌ها ممکن است در بستر چنین بحران‌هایی با اضطراب، فرسودگی، ترس از آینده، بحران نقش‌ها^۱ و اختلال در روابط بین فردی مواجه شوند.^۲ این وضعیت نه تنها کارکردهای درونی خانواده را مختل می‌کند، بلکه ظرفیت‌های جامعه برای مواجهه با بحران‌های کلان را تضعیف می‌سازد.

از سوی دیگر، تجربه‌های تاریخی ملل و فرهنگ‌های مختلف نشان می‌دهد نظام‌های معنایی و ارزشی^۳ در شرایط دشوار می‌توانند به منابع مهمی برای امید، معنا، همبستگی و

* دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی.

۱. در خانواده، هر عضو معمولاً نقش‌هایی مشخص بر عهده دارد؛ مانند نقش پدر در جایگاه حامی مالی و عاطفی، نقش مادر به عنوان مدیر داخلی خانه یا مراقب عاطفی و نقش فرزندان به عنوان یادگیرندگان و همکاران در امور خانه. وقتی شرایط بحرانی مانند جنگ، مهاجرت اجباری یا مشکلات اقتصادی پیش می‌آید، این نقش‌ها ممکن است با تغییر یا اختلال مواجه شوند که به این وضعیت «بحران نقش‌ها» گفته می‌شود.

2. Walsh, Froma, (2003). *Family resilience: A framework for clinical practice*. Family Process, 42(1), pp: 1-18.

۳. نظام‌های معنایی و ارزشی مجموعه باورها، ارزش‌ها و اصول فردی هستند که رفتار و تصمیم‌گیری‌های او را هدایت می‌کنند.

تاب‌آوری تبدیل شوند. در این میان، باورهای دینی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند؛ چراکه از طریق معنابخشی به رنج، ایجاد چشم‌انداز متعالی، فراهم‌سازی سازوکارهای همدلی، نیایش و انس با خدا، می‌توانند نظام روانی خانواده را مقاوم‌تر و پایدارتر کنند. در ایران با وجود تهدیدهای نرم و سخت مستمر از سوی دشمن در دهه‌های اخیر (پس از انقلاب)، نهاد خانواده در بسیاری از موارد با تکیه بر ایمان، ارزش‌های اسلامی و فرهنگ جهاد و شهادت، توانسته است در برابر بحران‌های سهمگین تاب بیاورد و حتی به منبعی برای تقویت همبستگی اجتماعی تبدیل شود. این نوشتار بر آن است که با نگاهی توصیفی و درنهایت راهبردی، پاسخی درخور این مسئله بیان کند که «باورهای دینی چه نقشی در تقویت تاب‌آوری خانواده‌های ایرانی در مواجهه با بحران‌های جنگی و دفاعی دارند؟» در پاسخ به این پرسش، هدف اصلی نوشتار آن است که ضمن مرور نظریات دینی و علمی در زمینه تاب‌آوری، کارکردهای دین در سطح فردی، زوج و جمعی را شناسایی کند و چارچوبی مفهومی برای طراحی مداخلات فرهنگی و تربیتی مؤثر در ایران ارائه دهد.

مبانی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی تاب‌آوری خانواده در بحران

تاب‌آوری (Resilience) در ادبیات روان‌شناسی به توانایی افراد، خانواده‌ها یا نظام‌های اجتماعی برای حفظ عملکرد مطلوب در مواجهه با فشارهای شدید، تهدیدها یا آسیب‌های جدی اطلاق می‌شود.^۱ از دیدگاه نظریه‌پردازان دانش روان‌شناسی، تاب‌آوری نه یک ویژگی ثابت، بلکه فرآیندی پویاست که در بستر حمایت‌های بین‌فردی، معنابخشی و مهارت‌های مقابله‌ای شکل می‌گیرد.^۲

تاب‌آوری سازه‌ای روان‌شناختی است که با متغیرهای مثبتی همچون بهبashi روان‌شناختی،^۳ رضایت از زندگی، امید و خودمهارگری،^۴ رابطه مثبت و با آسیب‌هایی همچون استرس،

1. Waller, M. A. (2001). Resilience in ecosystemic context: Evolution of the child. American Journal of Orthopsychiatry, 71, pp: 290-297.

2. Masten, A. S. (2001). Ordinary magic: Resilience processes in development. American Psychologist, 56(3), pp: 227-238.

۳. بهبashi روان‌شناختی (Psychological Well-being) به احساس کلی رضایت از زندگی، تعادل هیجانی، هدفمندی، خودپذیری، روابط مثبت با دیگران و رشد فردی اشاره دارد.

۴. خودمهارگری (Self-regulation یا Self-control) به توانایی فرد برای تنظیم هیجانات، افکار و رفتارهای خود در راستای اهداف بلندمدت گفته می‌شود. این توانایی شامل کنترل تکانه‌ها، مدیریت خشم، تأخیر در ارضای نیازها و

اضطراب، افسردگی، افکار خودکشی و درد مزمن رابطه معکوس دارد.^{۱ و ۲}

تاب‌آوری در سطح خانواده را در سه بُعد می‌توان تحلیل کرد:

(الف) باورها و نگرش‌های مقاوم‌ساز (مانند خوش‌بینی، معنادادن به رنج و روحیه مشارکتی)؛

(ب) الگوهای سازمانی خانواده (مانند انعطاف‌پذیری، همیاری و پیوندهای قوی)؛

(ج) مهارت‌های ارتباطی و حل مسئله (گفتگو، تصمیم‌گیری مشارکتی و گوش‌دادن فعال). در شرایط بحرانی همچون جنگ، بلایای طبیعی و ...، عواملی چون اضطراب مزمن،^۳ تجربه سوگ،^۴ ناامنی اقتصادی، فقدان نقش‌ها و اختلال در دسترسی به حمایت اجتماعی، فشارهای مضاعفی بر خانواده‌ها وارد می‌کنند. در چنین زمینه‌ای، خانواده‌هایی موفق‌تر عمل می‌کنند که این ویژگی‌ها را داشته باشند:

* از نظام معنایی انسجام‌بخش برخوردارند: یعنی باورها و ارزش‌هایی که به خانواده معنا، امید و هدف می‌بخشند و در بحران‌ها موجب پایداری و همبستگی می‌شوند.

* الگوهای ارتباطی باز و حمایتی دارند: یعنی روابطی مبتنی بر گفتگوی صادقانه، گوش‌دادن فعال و حمایت هیجانی که کاهش‌دهنده تنش و افزایش‌دهنده همدلی است.

* منابع درونی و اجتماعی را بسیج می‌کنند؛ به معنای توانایی بهره‌گیری از مهارت‌ها، باورها، اعضای فامیل، همسایگان یا نهادهای حمایتی برای مقابله مؤثر با فشارهای بحران.^۵

انتخاب‌های آگاهانه در شرایط دشوار است. خودمهارگری نقش مهمی در تاب‌آوری، روابط خانوادگی سالم و مقابله با تنش‌های بحران‌زا دارد.

۱. علینقی لزگی، مهدی داداشی و سیدمهدی خطیب، «مؤلفه‌های روان‌شناختی تاب‌آوری دینی بر اساس آموزه‌های اسلامی»، ص ۱۲۱.

۲. رابطه مثبت به این معناست که افزایش تاب‌آوری با افزایش خودمهارگری و ... همراه است؛ همچنین رابطه معکوس یعنی افزایش تاب‌آوری با کاهش اضطراب و ... همراه است.

۳. اضطراب مزمن (Chronic Anxiety) نوعی نگرانی دائمی و طولانی مدت است که بدون علت مشخص، به طور مداوم فرد را تحت فشار روانی قرار می‌دهد.

۴. تجربه سوگ (Grief Experience) واکنش روانی و عاطفی شدید به فقدان عزیز است که شامل غم، انکار، خشم و پذیرش می‌شود.

5. Garmezy, N. (1991). Resilience in children's adaptation to negative life events and stressed environments. *Pediatric Annals*, 20(9), pp: 459-466.

از دیدگاه جامعه‌شناسی و بر اساس دیدگاه پیتر برگر^۱ و توماس لاکمن^۲ معنا و هویت در بستر اجتماع بازتولید می‌شود. خانواده‌هایی که بتوانند هویت جمعی خود را مبتنی بر «مابودگی» (We-ness) حفظ کنند، در مواجهه با تهدیدهای بیرونی، تاب‌آورتر خواهند بود. «مابودگی» به معنای احساس تعلق، هم‌سرنوشتی و هویت مشترک میان اعضای خانواده است که انسجام و همبستگی را در بحران تقویت می‌کند.

مبانی دینی تاب‌آوری با تأکید بر منابع اسلامی

در متون اسلامی، مفهوم تاب‌آوری (که در متون دینی معادل‌هایی چون صبر، توکل، رضا، تسلیم و استقامت دارد) یکی از پایه‌های تربیت انسان مؤمن به شمار می‌رود. مطابق دیدگاه دینی، «تاب‌آوری» در مفهوم «صبر» تجلی می‌یابد و مفهوم‌شناسی می‌شود که بهترین واکنش در برابر بلایا و نامالایمات است. صبر یکی از اساسی‌ترین مفاهیم در آموزه‌های دینی است که در قرآن کریم با تعبیر «عزم در امور»^۳ و در آموزه‌های حدیثی با تعبیر «سرآمد ایمان» از آن یاد شده است^۴ و نقشی مهم در تنظیم رفتار انسان و سازگاری با محیط پیرامونی ایفا می‌کند.

قرآن کریم در آیات متعددی بر اهمیت صبر در برابر بلاها و مصیبت‌ها تأکید دارد؛ از جمله خداوند متعال در سوره «بقره» می‌فرماید: «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» و صبرکنندگان را بشارت ده. آنها که هرگاه مصیبتی به ایشان می‌رسد، می‌گویند ما از آن خداایم و به سوی او بازمی‌گردیم»^۵. خدای متعال همه انسان‌ها را آزمایش می‌کند، اما امتحان‌ها برای همه یکسان نیست. درواقع، همه جهان صحنه‌ای برای امتحان الهی است و همه انسان‌ها حتی پیامبران در معرض آن قرار دارند. هدف این آزمون‌ها، کشف

1. Peter L. Berger

2. Thomas Luckmann

۳. خداوند متعال در آیه ۱۷ سوره «لقمان» می‌فرماید: «وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» در برابر مصیبتی که به تو می‌رسد، شکیبا باش که این از کارهای مهم است». برخی مفسران معتقدند کلمه «ذلک» در این آیه، به صبر اشاره دارد و صبراز «عزم امور و کارهای مهم» دانسته شده است و استفاده از کلمه «ذلک» که برای اشاره به دور است و نه «هَذَا» که برای اشاره به نزدیک است، بدین دلیل است که به اهمیت صبر اشاره کرده باشد و جایگاه بلند صبر را برساند (سیدمحمدحسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۲۱۸).

۴. الإمام الصادق (علیه السلام): «الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ، فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ، كَذَٰلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيمَانُ» (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۸۷).

۵. بقره: ۱۵۵ - ۱۵۶.

ناشناخته‌ها برای خدا نیست، بلکه برای رشد و شکوفایی استعدادهای انسان‌ها و پرورش روحی آنهاست. ابزار این آزمایش‌ها می‌تواند حوادث مختلف تلخ یا شیرین باشد؛ از جمله ترس، گرسنگی، کمبود مالی و جانی و کاهش نعمت‌ها یا مانند ترس از دشمن، محاصره اقتصادی، جنگ و اعزام عزیزان به میدان نبرد که نمونه‌هایی از امتحانات الهی هستند. برای موفقیت در چنین شرایطی، انسان باید به خدا توکل کند و با یاد او آرامش بگیرد. در برابر فقر و کمبود نیز، صبر و ایستادگی لازم است. همان‌طور که در قرآن کریم آمده است: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ: از صبر و نماز یاری بجوید»^۱.

البته گفتنی است لزومی ندارد همه افراد با همه سختی‌ها مواجه شوند، بلکه ممکن است:

* هر کسی با آزمونی خاص روبرو شود؛

* فردی در یک امتحان موفق باشد، ولی در امتحانی دیگر ناکام؛

* گاهی یک نفر خودش در حال آزمون است، اما ناخودآگاه دیگران را نیز درگیر می‌کند.

درنهایت کاهش نعمت‌ها یا بروز مشکلات ممکن است گاهی برای امتحان الهی باشد و گاهی هم نتیجه اعمال خود انسان‌ها.^۲

از دیدگاه قرآن، «ابتلا» بخشی طبیعی و ضروری از حیات مؤمنانه است که می‌تواند انسان را به بلوغ روحی و نزدیکی به خداوند برساند. این نگرش، رنج را نه امری بی‌معنا، بلکه بستری برای رشد و تعالی می‌بیند. از آنجاکه خداوند بر همه چیز آگاه است، هرگاه این واژه برایش به کار رود، باید آن را فقط به معنای آزمایش بندگان به منظور آشکارکردن خوبی و بدی آنها دانست.^۳ در قرآن تصریح شده است بلا و امتحان هم از طریق حسنات و خیر و خوبی رخ می‌دهد و هم از طریق سیئات و شر و بدی.^۴

همچنین در سیره اهل بیت علیهم‌السلام، نمونه‌هایی بی‌نظیر از تاب‌آوری خانوادگی در برابر بحران‌ها مشاهده می‌شود؛ برای نمونه حضرت زینب علیها‌السلام در مواجهه با فاجعه کربلا، با تکیه بر ایمان، شجاعت، صبر و آگاهی، نه تنها کاروان اسرا که بخشی از ایشان خانواده آن حضرت علیها‌السلام بودند را از فروپاشی نجات داد، بلکه پیام کربلا را به مثابه نماد مقاومت به جامعه منتقل کرد.

۱. بقره: ۱۵۳.

۲. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۳۹.

۳. همان.

۴. اعراف: ۱۶۸؛ یونس: ۳۰؛ طه: ۴۰.

در فرهنگ دینی ایرانیان نیز مفاهیمی مانند **شهادت**، **ایشار**، **جهاد**، و **فداکاری** به مثابه مؤلفه‌هایی از «هویت مقاومت» شناخته می‌شوند که نقشی کلیدی در پایداری خانواده‌ها ایفا می‌کنند. فرهنگ دفاع مقدس در ایران، مملو از روایت‌هایی است که نشان می‌دهد خانواده‌هایی با ایمان قوی، چگونه در سخت‌ترین شرایط نیز امید، پیوند و پایداری خود را حفظ کرده‌اند.

تحلیل راهبردی نقش باورهای دینی در تاب‌آوری خانواده ایرانی در بحران‌های جنگی

الف) دین به مثابه منبع معنا در مواجهه با بحران

یکی از بنیان‌های تاب‌آوری در شرایط بحرانی، «معنی‌افتن رنج و تهدید» است. نظریه‌پردازانی چون ویکتور فرانکل^۱ (روان‌پزشک) نویسنده کتاب معروف انسان در جستجوی معنا نشان داده‌اند انسان‌ها وقتی بتوانند در رنج‌های خود معنا ببینند، احتمال پایداری روانی و اخلاقی آنها به شدت افزایش می‌یابد. جمله «وقتی انسان‌ها بتوانند در رنج‌های خود معنا ببینند»، به این معناست که افراد اگر بتوانند سختی‌ها، دردها و مشکلات زندگی خود را فقط اتفاقات بی‌هدف و بی‌ارزش نبینند، بلکه آنها را بخشی از یک مسیر معنادار و هدفمند بدانند (مثلاً آزمونی برای رشد، امتحانی الهی یا فرصتی برای تقویت ایمان و اخلاق)، آن‌گاه بهتر می‌توانند آن رنج را تحمل کنند. چنین نگرشی سبب می‌شود رنج‌ها به جای تخریب روانی و روحی، به نوعی انگیزه برای ادامه زندگی، رشد شخصیت و نزدیکی به خدا تبدیل شوند. این معنا می‌تواند نقش بزرگی در افزایش تاب‌آوری و سلامت روانی افراد ایفا کند.

تحقیقات روان‌شناسی معناگرا (از جمله دیدگاه‌های ویکتور فرانکل) نیز نشان داده‌اند معنی‌افتن در رنج، نقش مهمی در جلوگیری از فروپاشی روانی و بروز اختلالات مانند افسردگی دارد. در شرایط بحرانی همچون جنگ یا بلایای طبیعی، این معنا می‌تواند یکی از کلیدی‌ترین عوامل حفظ تاب‌آوری خانوادگی باشد.^۲

در اسلام، آموزه‌هایی چون **ابتلا**، **امتحان الهی**، **پاداش صابران**، **تقرب در مصیبت** و **حکمت نهفته در سختی‌ها**، نقش مستقیمی در معنابخشی به بحران ایفا می‌کنند. این آموزه‌ها دارای ویژگی‌های زیر هستند:

1. Viktor Frankl.

۲. یکی از کتاب‌هایی که به خوبی درباره معنا در زندگی انسان نوشته شده است، کتاب در جستجوی معنا نوشته ویکتور فرانکل است.

۱. به فرد کمک می‌کنند درد خود را بیهوده نبیند؛ آموزه‌هایی چون ابتلا و حکمت الهی، رنج را بخشی از سیر رشد روحی می‌دانند؛ از این رو فرد درمی‌یابد سختی‌ها ابزار پرورش و آزمون‌اند، نه فقط بلاهای تصادفی و همین معنا بخشی، مانع ناامیدی می‌شود.

سید بن طاووس با سند خویش از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند «محمّد حنفیه در شبی که فردایش امام علیه السلام از مکه رهسپار عراق بود، به محضر امام علیه السلام شرفیاب شد و عرض کرد: ای برادر، تویی وفایی کوفیان در برابر پدر و برادرت را شناخته‌ای، من نگرانم که با تو نیز چنین کنند. اگر در مکه بمانی، تو عزیزترین و محترم‌ترین شخص خواهی بود.

امام علیه السلام فرمود: «برادر، من بیم از آن دارم که یزید خونم را در حرم [امن خدا] بریزد و بدین سبب حرمت این خانه شکسته شود».

محمّد بن حنفیه عرض کرد: «اگر از این جهت نگرانی، به سمت یمن یا به سرزمین‌های ناشناخته دیگر کوچ کن که تو در آنجا محفوظتری و کسی به تو دست نخواهد یافت».

امام علیه السلام پاسخ داد: «در این باره می‌اندیشم»؛ ولی دیدند که امام علیه السلام در سحرگاهان آماده کوچ کردن (به سوی عراق) است؛ چون خبر به محمّد بن حنفیه رسید، نزدیک آمد و مهار ناقه امام علیه السلام را به دست گرفت و عرض کرد: ای برادر، آیا نغمودی که در این باره می‌اندیشم؟ امام علیه السلام فرمود: آری.

عرض کرد: پس چه شده است با این شتاب رهسپاری؟ فرمود: «أَتَانِي رَسُولُ اللَّهِ بَعْدَ مَا فَارَقْتُكَ، فَقَالَ: يَا حُسَيْنُ علیه السلام أُخْرِجْ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَاكَ قَتِيلًا: هنگامی که از تو جدا شدم، پیامبر خدا را در خواب دیدم، به من فرمود: ای حسین، رهسپار [عراق] شو، خداوند می‌خواهد تو را کشته ببیند».

محمّد بن حنفیه گفت: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»؛ با این حال چرا این زنان را با خود می‌بری؟!

امام علیه السلام فرمود: «قَدْ قَالَ لِي: إِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرِيَهُنَّ سَبَايَا: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: خداوند می‌خواهد که آنان را اسیر ببیند».

دستوری که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در عالم رؤیا به فرزند دل‌بندش امام حسین علیه السلام داد، پرده از حقیقت مهمی برداشت و آن اینکه گاه درهم شکستن دشمن، سبب پیروزی و رسیدن به اهداف مقدّس می‌شود و گاه شهادت و اسارت، و این بار نوبت شهادت و اسارت بود.^۱

۱. سید بن طاووس، لهوف، ص ۱۲۷-۱۲۸؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۴.

۲. نوعی امید معنوی برای آینده ایجاد می‌کنند؛ باور به پاداش صابران، به فرد چشم‌اندازی فراتر از شرایط فعلی می‌دهد؛ بنابراین شخص حتی در اوج بحران می‌داند که این وضعیت گذر است و پاداش الهی یا بهبودی در دنیا یا آخرت در انتظار اوست.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا لَهُ مِنَ الْجَزَاءِ فِي الْمَصَائِبِ لَتَمَنَّى أَنَّهُ قُرِصٌ بِالْمَقَارِیِضِ: اگر مؤمن می‌دانست پاداش مصیبت و گرفتاری‌هایش چقدر است، آرزو می‌کرد در دنیا با قیچی تکه‌تکه می‌شد».^۱

۳. نظام اخلاقی و معنوی خانواده را در مواجهه با بحران تقویت می‌کنند؛ این آموزه‌ها خانواده را به همکاری، همدلی و صبر دعوت می‌کنند. با تکیه بر ارزش‌های دینی، اعضا در برابر بحران به جای فروپاشی، به هم نزدیک‌تر می‌شوند و انسجام بیشتری پیدا می‌کنند.

در فرهنگ ایرانی نیز چنین معناسازی‌هایی در دوران دفاع مقدس بسیار مشهود بود؛ جملاتی مانند «جبهه دانشگاه انسان‌سازی است» یا «شهادت راهی به سوی جاودانگی» دقیقاً در این چارچوب معنا پیدا می‌کنند.

ب) کارکردهای اجتماعی دین در مواجهه با بحران

دین از دیدگاه جامعه‌شناختی، نهادی اجتماعی است که کارکردهایی از جمله انسجام، هویت‌بخشی، هدایت، و کنترل هیجانی - اخلاقی دارد. امیل دورکیم^۲ در نظریه کلاسیک خود، دین را ضامن انسجام اجتماعی و نظم اخلاقی معرفی می‌کند.^۳

باورهای دینی در بافت خانواده ایرانی این نقش‌ها را ایفا می‌کنند:

۱. به اعضا هویت مشترک و احساس تعلق می‌بخشند؛ در خانواده ایرانی، باورهای دینی نه تنها در جایگاه مجموعه‌ای از اعتقادات ذهنی، بلکه به مثابه نیروی فعال در شکل‌دهی به هویت فردی و جمعی ایفای نقش می‌کنند. این باورها چارچوبی فرهنگی و معنوی می‌سازند که افراد خانواده از طریق آن، خود را تعریف می‌کنند، جایگاهشان در جهان را می‌فهمند و در موقعیت‌های مختلف، به کنش معنادار دست می‌زنند. وقتی ارزش‌ها، مناسک و باورهای مذهبی میان اعضای خانواده به شکلی منسجم جریان دارد، نوعی احساس پیوستگی، ریشه‌داری و امنیت درونی پدید می‌آید که برای تاب‌آوری خانواده حیاتی است. مناسکی چون نماز جماعت

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۵۵.

2. Emile Durkheim.

۳. لوئیس کوزر، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ص ۱۵۶.

خانوادگی، زیارت، دعا، سوگواری‌های مذهبی و حتی سبک پوشش و گفتگوهای دینی ابزارهایی بازتولید و تقویت‌کننده این هویت هستند. دین در چنین فضایی نه فقط به معنای عبادت فردی، بلکه در جایگاه زبان مشترک خانواده، منبع اخلاق جمعی و تکیه‌گاه روانی عمل می‌کند.

۲. **محور گفتگو، همبستگی و تصمیم‌گیری‌های جمعی می‌شوند؛** مفاهیم دینی نظیر مشورت، رعایت حق، صلح و عدل به عنوان چارچوب‌های اخلاقی در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی عمل می‌کنند. زمانی که خانواده در بحران قرار دارد، این باورها فضای گفتگوی محترمانه و همدلانه ایجاد می‌کنند و همبستگی عملی و فکری میان اعضا را افزایش می‌دهند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْحَزْمُ أَنْ تَسْتَشِيرَ ذَا الرَّأْيِ وَ تُطِيعَ أَمْرَهُ: احتیاط و دوراندیشی آن است که با صاحب نظر مشورت کنی و به نظر او عمل نمایی».^۱

۳. **توان مقابله جمعی در برابر فشارهای بیرونی را افزایش می‌دهند؛** در شرایط فشار روانی یا اجتماعی، باورهای دینی زمینه‌ای برای انسجام و مقاومت جمعی فراهم می‌کنند. خانواده‌هایی که بر ایمان و توکل به خدا تکیه دارند، در برابر تهدیدهای بیرونی از جمله ناامنی، فقر یا جنگ، استوارتر و پایدارتر باقی می‌مانند؛ برای مثال در خانواده‌های رزمندگان در طول هشت سال دفاع مقدس، مفاهیمی چون «اجر مجاهدان در راه خدا»، «شهادت»، «توکل به خدا» و «ثواب صبر در راه دین»، نقش نیرومندی در انسجام اعضا داشت. چنین ارزش‌هایی، خانواده‌ها را از فروپاشی در برابر سوغ، فقر یا اضطراب‌های جنگی حفظ می‌کرد.

سازوکارهای عملی تاب‌آوری دینی در خانواده ایرانی

تاب‌آوری دینی در خانواده نه فقط از طریق باور، بلکه با «سازوکارهای عینی و عملی» تقویت می‌شود. برخی از سازوکارهای عینی و عملی بر اساس فرهنگ ایرانی که یک فرهنگ خانواده‌محور است، عبارت‌اند از:

۱. دعا و عبادت خانوادگی

این امر دو فایده را برای خانواده به همراه دارد:

الف) ایجاد آرامش روانی و جمعی: دعا و عبادت خانوادگی، فضای معنوی آرام‌بخشی ایجاد می‌کند که از اضطراب و تنش ناشی از بحران‌ها می‌کاهد. لحظات معنوی افزون بر اینکه تقویت‌کننده احساس امنیت روانی است، خانواده را به کانونی امن و مطمئن تبدیل می‌کند.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۰۵، ح ۷۵.

امام کاظم علیه السلام می فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالْדَّعَاءِ فَإِنَّ الدَّعَاءَ وَالطَّلَبَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَرْزُقُ الْبَلَاءَ وَ قَدْ قُدِّرَ وَ قُضِيَ: دعا کنید؛ چراکه دعا و درخواست از خداوند بلا را دفع می کند، درحالی که بلا مقدر و حتمی شده است».^۱

ب) هم افزایی عاطفی و اخلاقی میان اعضای خانواده: عبادت های جمعی مانند نماز جماعت یا دعاهاى خانوادگی، فرصتی برای همدلی، هم زبانی و تقویت پیوندهای عاطفی میان اعضا فراهم می کنند. این تجربه های مشترک هم تقویت کننده انسجام اخلاقی خانواده هستند و هم نوعی هم افزایی در مقابله با بحران ایجاد می کنند. این موضوع می تواند همراه با حضور در اماکن مذهبی همچون مساجد، حرم های اهل بیت و حرم امامزادگان علیهم السلام، مساجد و حسینیه ها و تکایا باشد.

۲. روایت سازی از رنج در چارچوب دینی

رنج در چارچوب های دینی به معنای نگاهی معنابخش و هدف دار به سختی هاست؛ یعنی رنج نه تنها بی معنا یا تصادفی نیست، بلکه می تواند نشانه ای از امتحان الهی، فرصت رشد روحی یا زمینه ای برای تقرب به خدا باشد. این نگرش موجب تسکین و پایداری روانی می شود. این امر می تواند به دو شکل در بستر خانواده رخ دهد:

الف) استفاده از زبان دینی در تبیین اتفاقات (مثلاً «این هم امتحان الهی است»؛

ب) خلق داستان های مقاومت (خاطرات شهدا، مادران شهید، ایثارگران).

۳. بازتولید الگوهای ایمانی و مقاوم

الف) تأسی به سیره اهل بیت علیهم السلام و یاران ایشان: الگوگیری از شخصیت های برجسته دینی به خانواده ها در بحران ها معنابخشی عمیق می دهد. حضرت فاطمه علیها السلام الگوی وفاداری، حمایت و ایثار؛ حضرت زینب علیها السلام نماد صبر در دل مصیبت؛ و امام حسین علیه السلام تجسم قله مقاومت و کرامت انسانی در شرایط ظلم و فشار است. یادآوری و بازخوانی سیره این بزرگواران و یاران همراه ایشان (شیعیان حقیقی)، روحیه استقامت، پذیرش رنج در مسیر حقیقت و امید به پاداش الهی را در خانواده ها تقویت می کند.

ب) تقویت نقش پدر/ مادر در جایگاه رهبران معنوی خانواده: پدر و مادر در شرایط بحرانی می توانند فراتر از نقش های روزمره، به راهبران معنوی خانواده تبدیل شوند؛ یعنی کسانی که با

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۷۰.

ایمان، آرامش و حکمت، فضا را مدیریت می‌کنند، روایت‌های معنوی از بحران ارائه می‌دهند و دیگر اعضای خانواده را از نظر روانی و اخلاقی حمایت می‌کنند. این نقش نه تنها انسجام خانوادگی را حفظ می‌کند، بلکه تقویت‌کننده اعتماد فرزندان به ساختار خانواده و ارزش‌های دینی است.

۴. شبکه‌های حمایتی مذهبی

مساجد، هیئت‌ها، مراکز فرهنگی مذهبی و حتی روابط همدلانه بین خانواده‌های مذهبی که در زمان جنگ پشتیبانی روانی و مالی فراهم می‌کردند: نهادهای مذهبی در دوران جنگ و بحران، نقش حیاتی در تقویت تاب‌آوری خانواده‌ها ایفا می‌کنند. مساجد و هیئت در جایگاه نهادهای مهم مذهبی با کارکردهای بسیار ارزشمند، افزون بر ترویج امید و آرامش معنوی، فضای گفتگو، دعا و هم‌دلی را فراهم کردند؛ همچنین این مراکز با سازمان‌دهی کمک‌های مردمی، حمایت‌های مالی و توزیع منابع ضروری، بخشی از فشار اقتصادی و روانی وارد بر خانواده‌ها را کاهش دادند و حس همبستگی اجتماعی را تقویت کردند.

پخت غذای نذری و تقسیم آن میان خانواده‌های آسیب‌دیده، مشارکت در نگهداری از فرزندان خانواده‌های درگیر بحران، تشکیل حلقه‌های دعا و ذکر برای تقویت روحیه، امانت‌دادن یا بخشش وسایل موردنیاز زندگی، حضور دسته‌جمعی در مراسم تشییع شهدا و دیدار با خانواده‌های داغدار از جمله مصادیق این عنوان برشمرده می‌شود.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن طاووس، سیدرضی‌الدین، اللهوف علی قتلی الطفوف، قم: اسوه، ۱۴۰۰ ق.
۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن الکریم، مترجم: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۳. قراتی، محسن، تفسیر نور، قم: مؤسسه در راه حق، ۱۳۷۵ ش.
۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: دارالحديث، ۱۳۹۸ ش.
۵. کوزر، لوئیس، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی، ۱۳۸۳ ش.
۶. لزگی، علی‌نقی، مهدی داداشی و سیدمهدی خطیب، «مؤلفه‌های روان‌شناختی تاب‌آوری دینی بر اساس آموزه‌های اسلامی»، اسلام و پژوهش‌های روانشناختی، س ۱۰، ش ۱، پیاپی

۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳.

۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

1. Garmezy, N. (1991). Resilience in children's adaptation to negative life events and stressed environments. *Pediatric Annals*, 20(9).
2. Masten, A. S. (2001). *Ordinary magic: Resilience processes in development*. *American Psychologist*, 56(3).
3. Waller, M. A. (2001). Resilience in ecosystemic context: Evolution of the child. *American Journal of Orthopsychiatry*, 71.
4. Walsh, Froma, (2003). *Family resilience: A framework for clinical practice*. *Family Process*, 42(1).

مدیریت سلامت روان فرزندان در شرایط جنگی (برای حفظ امید، آرامش و معنا)

راضیه مرزانی*

اشاره

تربیت و مراقبت از فرزندان در شرایط جنگی، با چالش‌های بی‌شماری همراه است. والدین نه تنها باید با نگرانی‌های روزمره‌ای مواجه باشند که حاصل وقایع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است، بلکه باید فرزندان خود را از آثار روانی و عاطفی جنگ نیز محافظت کنند. مسئله اصلی اینجاست که چگونه می‌توان در ناامنی‌ها و استرس‌های ناشی از جنگ، محیطی سالم و امیدوارکننده برای رشد فرزندان اعم از کودک و نوجوان فراهم آورد؟

کودکان و نوجوانان در چنین شرایطی ممکن است با ترس، اضطراب و احساس ناامنی روبرو شوند؛ بنابراین نیازمند راهنمایی و حمایت هستند تا بتوانند احساسات خود را درک و مدیریت کنند؛ همچنین حفظ برنامه‌ای منظم و ایجاد حس ثبات در زندگی روزمره آنها امری ضروری است. والدین باید راه‌هایی بیابند تا ضمن آگاه کردن فرزند خود از واقعیت‌های اطرافشان، امید و انگیزه را در آنها زنده نگه دارند.

در این نوشتار به بیان راهکارهای عملی برای مدیریت احساسات، ایجاد محیطی آرامش‌بخش و تقویت حس وطن‌پرستی در کودکان و نوجوانان اشاره می‌شود که می‌تواند یاری‌رسان والدین در حفظ امید، آرامش و معنا در فرزندان باشد.

ارتباط با اماکن مذهبی مثل مسجد و هیئت‌های مذهبی

در شرایط جنگی، ارتباط با اماکن مذهبی مانند مسجد و هیئت‌های مذهبی، نقشی حیاتی در

* دانش‌آموخته حوزه علمیه خواهران و کارشناس ارشد رشته مطالعات زن و خانواده.

حفظ امید، آرامش و اتحاد جامعه به‌ویژه برای فرزندان ایفا می‌کند. این مکان‌ها در جایگاه پایگاه‌های معنوی و اجتماعی، فرصتی برای تقویت ایمان، همبستگی و امید به آینده فراهم می‌آورند. امام صادق علیه السلام فرمودند: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَجَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَام يَا جَبْرِئِيلُ أَيُّ الْبَقَاعِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ قَالَ الْمَسَاجِدُ وَ أَحَبُّ أَهْلِهَا إِلَى اللَّهِ أَوْلَهُمْ دُخُولًا وَ آخِرُهُمْ خُرُوجًا مِنْهَا: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از جبرئیل پرسید کدام مکان نزد خدا محبوب‌تر است؟ جبرئیل فرمود مساجد و محبوب‌ترین افراد مسجد نزد خدا کسانی هستند که زودتر از همه وارد و دیرتر از همه از مسجد خارج می‌شوند».^۱

همچنین امام حسن مجتبی علیه السلام هشت فایده را برای افرادی برمی‌شمرد که در مسجد حضور می‌یابند: «مَنْ أَدَامَ الْإِحْتِلَافَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى ثَمَانٍ: آيَةً مُخَكَّمَةً وَ آخَاً مُسْتَفَاداً وَ عِلْمًا مُسْتَظَرِّفًا، وَ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً وَ كَلِمَةً تُدَلُّهُ عَلَى الْهُدَى أَوْ تُرُدُّهُ عَنْ رَدِّي وَ تَرْكُ الذُّنُوبِ حَيَاءً أَوْ خَشْيَةً: کسی که همواره به مسجد [برای اقامه نماز و] رفت‌وآمد کند، یکی از این هشت فایده به او برسد: استفاده از آیه روشنی از قرآن، یافتن رفیق نیک، فراگیری علم تازه، برخورداری از رحمتی که در انتظارش بود، شنیدن سخنی که راهنمای راه باشد یا او را از انحراف در امان دارد، موجب ترک گناه از روی حیا و یا بر اثر ترس گردد».^۲

این روایت‌ها که بخشی از روایات فضیلت حضور در مسجد است، نشان می‌دهد این مکان عبادی نزد خدای متعال دارای ارزش بسیاری است.

درباره اهمیت حضور در این مکان‌های مذهبی می‌توان موارد زیر را برشمرد:

۱. تقویت ایمان و معنویت فرزندان: شرکت در مراسم‌های مذهبی، نماز جماعت و دعا، ایمان و معنویت نه تنها والدین را که فرزندان را نیز تقویت می‌کند. این ارتباط معنوی به آنها کمک می‌کند در شرایط سخت، به قدرت الهی تکیه کنند و امید خود را از دست ندهند.

۲. آموزش ارزش‌های اخلاقی: مسجد و هیئت‌های مذهبی، محیطی برای آموزش ارزش‌های اخلاقی و اسلامی هستند. کودکان از طریق داستان‌های مذهبی، سخنان روحانیون و تعاملات اجتماعی با افراد مذهبی، مفاهیمی مانند جهاد، ایثار، فداکاری و اتحاد و انسجام را

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۸۹.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۸.

فرامی گیرند و بر اثر این تعاملات می کوشند این نوع از مفاهیم و رفتارها را در خود نهادینه کنند. همان امر مطلوبی که در جامعه پذیری و فرهنگ پذیری مدنظر بسیاری از اندیشمندان حوزه علوم تربیتی است.

۳. حمایت اجتماعی: این اماکن محل گردهمایی افراد با باورها و اهداف مشترک هستند. کودکان و نوجوانان می توانند در این فضا، دوستان هم فکر پیدا کنند و احساس تعلق و حمایت اجتماعی می کنند. این حمایت به ویژه در شرایط جنگی که ممکن است برخی دوستان و آشنایان را از دست داده باشند، بسیار ارزشمند است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا رَزَقَهُ اللَّهُ خَلِيلًا صَالِحًا» هر کس که خداوند برای او خیر بخواهد، دوستی نیکوکار نصیب وی خواهد نمود.^۱ این روایت نشان می دهد دوست خوب از جمله نعمت های مفید خداوند بر بنده اش به شمار می آید.

۴. امید به پیروزی: مراسم های مذهبی به ویژه در شرایط جنگی، اغلب با دعا برای پیروزی و موفقیت همراه است. این دعاها و مراسم، امید به پیروزی نهایی را در دل کودک و نوجوان زنده نگه می دارد و به آنان یادآور می شود در این مسیر، تنها نیستند.

۵. فعالیت های گروهی: مساجد و هیئت های مذهبی اغلب فعالیت های گروهی مانند توزیع کمک های انسانی، مراسم جشن و سوگواری و برنامه های فرهنگی برگزار می کنند. مشارکت در این فعالیت ها، حس مسئولیت پذیری و اتحاد را در فرزندان تقویت می کند. والدین می توانند با تشویق فرزندان به شرکت در این مراسم و فعالیت ها، نه تنها به تقویت ایمان و امید آنان کمک کنند، بلکه به پرورش حس وطن دوستی و اتحاد ملی نیز پردازند. این ارتباط به ویژه در شرایط جنگی، در جایگاه ستون حمایت معنوی و اجتماعی عمل می کند.

الگو بودن والدین در مدیریت اضطراب

در شرایط بحرانی مانند جنگ، مدیریت اضطراب و استرس^۲ والدین نقش حیاتی در حفظ

۱. نهج الفصاحه، ص ۷۷۶، ح ۳۰۶۴.

۲. استرس (Stress) و اضطراب (Anxiety) را می توان واکنش طبیعی بدن در برابر موقعیت خطر دانست. هرچند این دو اصطلاح در بیشتر مواقع با هم به کار برده می شوند و بیان کننده نوعی ترس و دلهره هستند، اما از لحاظ روان شناسی بین استرس و اضطراب تفاوت است. فرق استرس و اضطراب این است که استرس، کوتاه مدت و در

آرامش و امید فرزندان ایفا می‌کند. کودکان به طور طبیعی به احساسات والدین خود واکنش نشان می‌دهند و اگر والدین مضطرب و نگران باشند، این احساسات به سرعت به فرزندان ایشان نیز منتقل می‌شود. بنابراین کنترل و مدیریت استرس والدین، گام نخست در حمایت از فرزندان است.

مدیریت اضطراب و استرس یعنی فرد بتواند احساسات منفی مانند نگرانی، ترس یا تنش را بشناسد، آنها را به درستی تحلیل کند و با بهره‌گیری از روش‌هایی چون آرام‌سازی ذهن، فعالیت بدنی یا گفتگو با دیگران، از شدت این احساسات بکاهد و کنترل کند.

راهکارهایی که می‌تواند به والدین در این امر کمک کند، عبارت‌اند از:

۱. قوی‌تر کردن ارتباط معنوی خود با خدای متعال (الا بذکر الله تطمئن القلوب):

همان‌طور که بیان شد، حضور در مراکز مذهبی و انجام اعمال عبادی می‌تواند یکی از راهکارهای مهم در کاهش اضطراب و استرس در انسان باشد.

۲. آگاهی و پذیرش اضطراب: یکی از گام‌های مهم در کاهش اضطراب هنگام

بحران‌هایی مانند جنگ، پذیرش وجود اضطراب است. وقتی فرد بپذیرد اضطراب، واکنشی طبیعی به شرایط سخت است، کمتر دچار سرکوب، انکار یا احساس گناه می‌شود و بهتر می‌تواند آن را مدیریت کند. یکی از رایج‌ترین اشتباه‌ها، تلاش برای انکار یا سرکوب اضطراب است؛ یعنی فرد سعی می‌کوشد احساس اضطراب را نادیده بگیرد یا از خودش پنهان کند. این انکار ممکن است در کوتاه‌مدت آرامش کاذبی ایجاد کند؛ اما در بلندمدت به افزایش فشار روانی و خستگی ذهنی منجر می‌شود.

آگاهی از اینکه «اضطراب بخشی از واکنش طبیعی انسان به خطر و ابهام است»، سبب می‌شود فرد به جای جنگیدن با اضطراب، آن را بپذیرد و بهتر مدیریت کند. پذیرش به معنای تسلیم نیست، بلکه گام اول برای مقابله مؤثر است. وقتی فرد اضطرابش را می‌شناسد، می‌تواند آن را نام‌گذاری کند (مثلاً: «الان نگران آینده‌ام، چون...»)، شدت آن را بسنجید و از روش‌های سالمی برای کاهش آن بهره ببرد؛ مانند تنفس عمیق، گفتگو با دیگران، دعا و توکل یا نوشتن احساسات.

پاسخ به تهدیدی شناخته شده است؛ اما اضطراب، می‌تواند طولانی مدت باشد و گاهی به نظر می‌رسد هیچ چیز خاصی باعث ایجاد آن نشده است.

۳. بهره‌گیری از تکنیک‌های آرامش‌بخش: بهره‌گیری از تکنیک‌های آرامش‌بخش یعنی استفاده از روش‌هایی مانند خواندن دعاها یا مآثور^۱ به همراه ترجمه‌ها، تنفس عمیق، ریلکسیشن عضلانی^۲.

۴. حضور کمتر در شبکه‌های اجتماعی: در شرایط بحرانی مانند جنگ، شبکه‌های اجتماعی معمولاً پر از اخبار نگران‌کننده، شایعات و تصاویر نگران‌کننده هستند. حضور بیش از حد در این فضاها می‌تواند ذهن را درگیر اضطراب مزمن، ترس‌های مکرر و احساس بی‌ثباتی کند. همچنین مقایسه‌های اجتماعی و انتشار اطلاعات بدون رصد و معیار مناسب، می‌تواند به افزایش ناامیدی، بی‌اعتمادی و کاهش تمرکز منجر شود. کاهش زمان حضور در این فضاها به فرد کمک می‌کند ذهن آرام‌تری داشته باشد، منابع روانی خود را برای تصمیم‌گیری و مواجهه منطقی با بحران حفظ کند و به روابط واقعی خانوادگی و حمایت‌های عاطفی نزدیک‌تر بماند.

برای این امر می‌توان از سه راهکار زیر بهره گرفت:

(الف) تنظیم زمان استفاده: تعیین بازه‌های زمانی مشخص برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی (مثلاً فقط ۲۰ دقیقه در صبح و عصر) و پایبندی به آن؛

(ب) دنبال کردن منابع مطمئن و تأییدشده از سوی افراد خبره: انتخاب یک یا دو منبع خبری معتبر برای دریافت اخبار به جای مرور مداوم شبکه‌های پر از شایعه یا تحلیل‌های هیجانی؛

(ج) جایگزینی با فعالیت‌های آرامش‌بخش: اختصاص زمان آزاد به کارهای خلاقانه مثل مطالعه، نقاشی، ورزش سبک، نوشتن یا تعامل خانوادگی به جای سرگردانی در فضای مجازی.

۵. بهره‌گیری از ارتباطات و حمایت‌های اجتماعی همچون ارتباط با خویشاوندان؛

۶. انجام فعالیت‌های فیزیکی و ورزشی.

۱. دعای مأثور یعنی دعایی که از معصومان علیهم‌السلام نقل شده است؛ به عبارت دیگر، دعایی است که عین کلمات و الفاظی که معصوم در مقام دعا به کار برده‌اند، نقل شده و در کتب ادعیه ثبت شده است.

۲. ریلکسیشن عضلانی (Muscle Relaxation) یکی از روش‌های مؤثر برای کاهش استرس است. در این تکنیک، فرد به صورت مرحله‌ای گروه‌های عضلانی مختلف بدن را ابتدا منقبض و سپس شل می‌کند. این فرایند سبب آگاهی بیشتر از تنش‌های بدنی و در نتیجه آرام‌سازی ذهن و کاهش اضطراب می‌شود.

انجام فعالیت‌های منظم روزانه برای فرزندان

ایجاد یک برنامه منظم روزانه برای فرزندان، ابزاری قدرتمند در حفظ آرامش و امید در شرایط جنگی است. این برنامه‌ریزی، حس ثبات و امنیت را به کودک و نوجوان بازمی‌گرداند و به آنها کمک می‌کند با انرژی مثبت و هدفمند، روز خود را سپری کنند.

عناصر کلیدی یک برنامه روزانه

۱. **خواب منظم:** خواب کافی و منظم، ستون فقرات سلامت روانی و جسمی کودکان است. والدین باید ساعات خواب فرزندان را تنظیم کنند و محیطی آرام برای خواب آنها فراهم آورند.

۲. **تغذیه سالم:** وعده‌های غذایی منظم و مغذی، انرژی لازم برای فعالیت‌های روزانه را تأمین می‌کند. در کنار غذاهای سالم، لحظاتی از شادی و گفتگوی خانوادگی را نیز در وعده‌های غذایی بگنجانید.

۳. **بازی و سرگرمی:** بازی‌های فردی و گروهی، فرصتی برای تخلیه انرژی و پرورش مهارت‌های اجتماعی است. بازی‌های خلاقانه و فکری، ذهن کودکان را فعال نگه می‌دارد و به آنها کمک می‌کند با چالش‌ها دست‌وپنجه نرم کنند.

۴. **فعالیت‌های هنری:** نقاشی، داستان‌نویسی و دیگر فعالیت‌های هنری، ابزارهایی قدرتمند برای بیان احساسات و پرورش خلاقیت هستند. این فعالیت‌ها به کودک و نوجوان کمک می‌کند احساسات خود را پردازش دهد و به زندگی معنا ببخشد.

۵. **زمان مطالعه:** خواندن کتاب نه تنها دانش کودکان را افزایش می‌دهد، بلکه تخیل و تفکر انتقادی آنها را نیز پرورش می‌دهد. ایجاد کتابخانه کوچک خانگی و اختصاص زمانی برای مطالعه مشترک، می‌تواند عشق به کتاب را در کودکان پرورش دهد.

۶. **فعالیت‌های بدنی:** ورزش و فعالیت‌های بدنی منظم، افزون بر تضمین سلامت جسمی کودکان، به تخلیه انرژی و کاهش استرس کمک می‌کند.

والدین می‌توانند با انعطاف‌پذیری و خلاقیت، برنامه‌ای متعادل و سرگرم‌کننده تدوین کنند که به نیازهای جسمی، عاطفی و ذهنی فرزندان پاسخ دهد. این برنامه منظم، به کودکان کمک می‌کند با اعتماد به نفس و امید، روزهای چالش‌برانگیز را پشت سر بگذارند.

کاشتن بذر امید در دل خانه

در شرایط جنگی که با شرایط عادی و امن تفاوت بسیار دارد، تبدیل خانه به فضایی امیدبخش و آرامش‌بخش، تأثیر عمیقی بر روحیه فرزندان دارد. خانه باید مکانی باشد که کودک و نوجوان در آن احساس امنیت کنند و بتوانند با دوری از استرس‌های بیرونی، انرژی مثبت کسب نمایند.

در این شیوه می‌توان از راهکارهای زیر بهره جست:

۱. **تزئینات الهام‌بخش:** استفاده از رنگ‌های شاد و گرم در دکوراسیون و قراردادن تصاویر و پوسترهای الهام‌بخش، می‌تواند فضای خانه را امیدوارکننده کند. آیه‌نوشته، روایت‌های انگیزه‌بخش، تصاویری از طبیعت، قهرمانان ملی یا حتی آثار هنری خود کودکان، می‌تواند دیوارهای خانه را به منبع الهام تبدیل کند.

۲. **فضای سبز:** ایجاد باغچه‌ای کوچک یا قراردادن گلدان‌های گیاهان خانگی، نه تنها موجب افزایش زیبایی خانه می‌شود، بلکه حس زندگی و رشد را به کودکان منتقل می‌کند. مراقبت از گیاهان می‌تواند مسئولیت‌پذیری و امید به آینده را در آنها پرورش دهد.

۳. **گوشه‌های آرامش:** اختصاص گوشه‌ای از خانه به فضای آرامش با وسایلی مانند بالش‌های راحت، کتاب‌ها و وسایل هنری، به کودکان کمک می‌کند زمانی را برای آرامش و بازتاب درونی داشته باشند. یکی از سفارش‌ها برای داخل خانه، مشخص کردن مکانی برای محراب عبادت است که حضور در این مکان می‌تواند به اندازه یک سجاده عبادت باشد و برای والدین و نیز فرزندان می‌تواند مایه آرامش باشد.

۴. **گفتگوهای خانوادگی:** ایجاد زمان‌هایی برای گفتگوی آزاد و صمیمی در خانواده، به فرزندان اجازه بیان احساسات خود را می‌دهد و در مقابل این گفتگو، حمایت عاطفی را دریافت می‌کنند. این گفتگوها می‌تواند دور میز غذا یا هنگام انجام فعالیت‌های مشترک اتفاق بیفتد.

۵. **نمایش دستاوردهای کودکان:** نمایش آثار هنری، پروژه‌های مدرسه یا دستاوردهای ورزشی فرزندان در خانه، به آنها حس افتخار و ارزش می‌دهد. این کار موجب تقویت اعتمادبه‌نفس آنان می‌شود و خانه را به گالری موفقیت‌ها تبدیل می‌کند.

با این تغییرات، خانه به مکانی تبدیل می‌شود که کودکان با ورود به آن احساس آرامش، امنیت و امید می‌کنند. این فضا به آنان قدرت می‌دهد با نگرشی مثبت، با چالش‌های بیرون از خانه مواجه شوند.

معنایابی در میان هرج و مرج‌های روانی

در شرایط جنگی، یافتن معنا و هدف در زندگی یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که کودکان و نوجوانان با آن روبرو هستند. معنا در زندگی به مفاهیم و ارزش‌هایی اشاره می‌کند که به تجربه انسان‌ها جهت و هدف می‌دهند. این معانی ممکن است از کودکی به کودک دیگر یا نوجوانی به نوجوان دیگر متفاوت باشد و تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله فرهنگ، مذهب، تجربیات شخصی و روابط اجتماعی شکل می‌گیرند.

والدین می‌توانند با راهکارهای مناسب به فرزندان خود کمک کنند تا در میان هرج و مرج، معنا و هدف را بیابند و با واقعیت‌های سخت زندگی کنار بیابند. راهکارهای زیر می‌تواند در امر یافتن معنای زندگی به کودک و نوجوان کمک کند:

۱. **توضیح اهمیت اتحاد و مقاومت:** والدین باید به فرزندان خود توضیح دهند که اتحاد و مقاومت در برابر دشمن، نه تنها برای حفظ میهن، بلکه برای حفظ ارزش‌ها و هویت فرهنگی نیز ضروری است. داستان‌های تاریخی و حماسی مانند دفاع مقدس که گنجینه بزرگی از آن در نزد ما ایرانیان است، می‌تواند به فرزندان کمک کند تا درک بهتری از اهمیت این مفاهیم داشته باشند. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «خاطرات جنگ، گنجینه تمام‌نشدنی برای آیندگان است».^۱

۲. **تقویت حس وطن‌پرستی:** آموزش تاریخ و فرهنگ ایران و همچنین شرکت در مراسم ملی و مذهبی، حس وطن‌پرستی و تعلق به میهن را در کودکان تقویت می‌کند. این حس به آنان کمک می‌کند تا درک کنند دفاع از کشور، دفاع از خانه و خانواده آنهاست و در این امر با دیگر افراد جامعه اشتراک دارد و یک انسجام ملی در این مورد وجود دارد.

۳. **انجام کارهای خیرخواهانه:** مشارکت در کارهای خیرخواهانه و کمک به دیگران، حس هدف‌مندی و معنا را در کودکان تقویت می‌کند. این کارها می‌توانند ساده باشند، مانند کمک به همسایه‌ها یا مشارکت در برنامه‌های کمک به نیازمندان.

۴. **آموزش مسئولیت‌پذیری:** به کودک و نوجوان باید آموخت که هر فرد حتی در شرایط سخت، می‌تواند نقش مثبتی ایفا کند. این مسئولیت‌پذیری می‌تواند در حد توان کودک باشد،

1. <https://farsi.khamenei.ir/photo-album?id=51354>.

مانند مراقبت از یک گیاه یا کمک به کارهای خانه.

۵. **گفتگو درباره ارزش‌های اخلاقی:** گفتگو در مورد ارزش‌های اخلاقی مانند ایثار، فداکاری و صداقت، به کودکان و نوجوانان کمک می‌کند درک بهتری از اهمیت این ارزش‌ها در شرایط جنگی داشته باشند. این گفتگوها را می‌توان در قالب داستان‌ها و مثال‌های واقعی ارائه داد.

۶. **تشویق به نوشتن و بیان احساسات:** نوشتن خاطرات، نامه‌نویسی یا بیان احساسات از طریق هنر، به کودکان و به طور خاص نوجوان کمک می‌کند احساسات خود را پردازش کند و به زندگی معنا ببخشد. این فعالیت‌ها به آنان اجازه می‌دهد افکار و احساسات خود را سازماندهی کنند.

با یافتن معنا و هدف در زندگی، کودکان و نوجوانان می‌توانند با واقعیت‌های سخت زندگی کنار بیایند و به آینده امیدوار باشند. امید و هدف‌مندی به آنها قدرت می‌دهد در شرایط سخت، مقاوم باشند و به ساختن آینده‌ای بهتر بیندیشند.

آموزش تاب‌آوری به فرزندان

آموزش تاب‌آوری به کودکان و نوجوانان در شرایطی نظیر جنگ و بحران‌های جدی که ممکن است در زندگی خود با آنها مواجه شود، یکی از جنبه‌های مهم حمایت از سلامت روان آنهاست.

تاب‌آوری (Resilience) در ادبیات روان‌شناسی به توانایی افراد، خانواده‌ها یا نظام‌های اجتماعی برای حفظ عملکرد مطلوب در مواجهه با فشارهای شدید، تهدیدها یا آسیب‌های جدی اطلاق می‌شود.^۱ تاب‌آوری نه یک ویژگی ثابت، بلکه فرایندی پویاست که در بستر حمایت‌های بین‌فردی، معنابخشی و مهارت‌های مقابله‌ای شکل می‌گیرد.^۲

برخی از مواردی که می‌تواند موجب افزایش تاب‌آوری در فرزندان شود، عبارت‌اند از:

۱. گوش‌دادن و برقراری ارتباط: ایجاد فرصت‌هایی برای شنیدن نظرات و احساسات فرزندان می‌تواند یکی از راه‌های افزایش تاب‌آوری در آنان باشد. کودک و نوجوان برای بیان احساسات

1. Waller, M. A. (2001). Resilience in ecosystemic context: Evolution of the child. *American Journal of Orthopsychiatry*, 71, pp: 290-297.

2. Masten, A. S. (2001). Ordinary magic: Resilience processes in development. *American Psychologist*, 56(3), pp: 227-238.

خود نیاز به شنیده شدن و درک دارند که اگر این امر از سوی والدین به درستی انجام گیرد، می تواند زمینه ساز افزایش تاب آوری در ایشان گردد.

۲. آموزش مهارت های حل مسئله: شاید نتوان هیچ امری را به اندازه این مسئله در افزایش تاب آوری مهم دانست. کمک به کودک و نوجوان برای شناسایی مشکلات و مسائلی که در دوران کودکی و نوجوانی خود با آنها مواجه می شود و آموختن طراحى راهبردهای و راه حل های مختلف، می تواند یاری رسان ایشان در تقویت اعتماد به نفس و در نهایت افزایش تاب آوری در ایشان گردد.

۳. توسعه مهارت های اجتماعی: تشویق به برقراری ارتباط با دیگران و ایجاد دوستی های مثبت که می تواند در زمان های سخت به عنوان منبع حمایت عمل کند. البته تذکر این امر ضروری است که والدین باید شیوه یافتن همسالان مناسب را به فرزندان یادآوری کنند.

۴. فراهم کردن اطلاعات مناسب: آموزش به کودکان درباره وضعیت جنگ و اضطراب های مرتبط با آن به شیوه ای مناسب سن و به دور از ترس و وحشت. در این مسئله می توان از محتواهای تولید شده در بستر شبکه های اجتماعی بهره جست و پس از اطمینان از محتوا، آنها را در اختیار فرزند خود قرار داد.

۵. فعالیت های خلاقانه: سرگرمی های هنری و ورزشی می توانند به تخلیه احساسات کمک کنند و به آنها حس موفقیت و کنترل بدهند.

۶. مدیریت استرس: آموزش تکنیک های مدیریت استرس به همراه پیوند عبادی با خدای متعال می تواند یاری رسان ایشان باشد؛ برای نمونه برگزاری نماز جماعت و قرائت دعا در هنگامی که امکان حضور در مسجد و اماکن مذهبی وجود ندارد، می تواند راهی برای افزایش تاب آوری فرزندان باشد.

۷. دریافت حمایت حرفه ای: در صورت مشاهده بی قراری در خور توجه در کودک و نوجوان، تشویق به دریافت کمک از مشاوران و روان شناسان متخصص و متعهد برای آنهایی که با مشکلات عمیق تر مقابله می کنند، یکی از راه های مهم و ضروری است.

کتابنامه

قرآن کریم

۱. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۸۷ ش.
 ۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: دارالحديث، ۱۳۹۸ ش.
 ۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
1. Masten, A. S. (2001). Ordinary magic: Resilience processes in development. *American Psychologist*, 56(3),pp: 227-238.
 2. Waller, M. A. (2001). Resilience in ecosystemic context: Evolution of the child. *American Journal of Orthopsychiatry*, 71,pp: 290-297.
 3. <https://farsi.khamenei.ir/photo-album?id=51354>.

شرایط جنگی بستری مناسب برای انتقال مفاهیم ارزشی و متعالی به فرزندان

حجت الاسلام والمسلمین مسلم موحدی راد*

اشاره

در شرایط حساس و سرنوشت‌ساز مانند جنگ دوازده‌روزه اخیر میان ایران و رژیم صهیونیستی و آمریکا، ملت ایران بار دیگر اهمیت مفاهیمی ارزشی چون مقاومت، ایثار، شجاعت، دفاع از وطن و ... را به گونه‌ای عینی و ملموس تجربه کرد. خانواده‌ها در چنین برهه‌هایی به‌ویژه در برابر پرسش‌ها و نگرانی‌های فرزندان قرار می‌گیرند و به‌ناچار به انتقال مفاهیم متعالی همچون فداکاری و باور به حقانیت دفاع و می‌پردازند. بنابراین شرایط جنگی و دفاعی فرصتی کلیدی برای نهادینه‌کردن مفاهیم ارزشی و متعالی در نسل جدید به شمار می‌آید. در روایات و سیره معصومان (علیهم‌السلام) استفاده از این فرصت مشاهده می‌شود؛ چنانچه امام علی (علیه‌السلام) پس از جنگ صفین، در نامه‌ای (نامه ۳۱ نهج‌البلاغه) به امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) فرمودند: «وَجَدْتُكَ بَعْضِي بَلْ وَجَدْتُكَ كُلِّي، حَتَّى كَأَنَّ شَيْئًا لَوْ أَصَابَكَ أَصَابَتِي، وَكَأَنَّ الْمَوْتَ لَوْ أَتَاكَ أَتَانِي...» تو را پاره‌ای از خود یافتم، بلکه همه خود یافتم، تا آنجا که گویی اگر رنجی به تو رسد، به من رسیده، و اگر مرگ به سراغ تو آید، به سراغ من آمده است...؛ آن‌گاه مفاهیم کلیدی را به فرزندشان منتقل کردند. چه زیبا حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «إِنَّ خَيْرَ مَا وَرَّثَ الْأَبَاءُ لِأَبْنَائِهِمُ الْأَدَبُ لَا الْمَالُ: بهترین میراثی که پدران برای فرزندان بر جای می‌گذارند، ادب [تربیت نیکو] است، نه ثروت».^۱ حضرت با این بیان، انتقال ادب و آداب صحیح و متعالی را ارزشمندترین میراث معرفی می‌کنند که نشان‌دهنده نگاه ژرف اسلامی به تربیت انسانی است؛ از این‌رو مطلوب بودن نگاه دوراندیشانه

* دانش‌پژوه سطح چهار مشاوره اسلامی، گرایش خانواده و ازدواج.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۵۰.

به مقوله تربیت فرزند و انتقال مفاهیم ارزشی و متعالی به آنان، از کلمات معصومان علیهم‌السلام به‌خوبی استفاده می‌شود.

این نوشتار با استناد به منابع اسلامی و روان‌شناختی، برخی از مهم‌ترین مفاهیم ارزشی و متعالی اسلامی و شیوه‌های انتقال آنها به فرزندان در شرایط جنگی و دفاعی را بیان می‌کند و راهکارهایی عملی برای خانواده‌ها و مبلغان ارائه می‌دهد.

اهمیت انتقال ارزش‌ها در بحران جنگ و دفاع

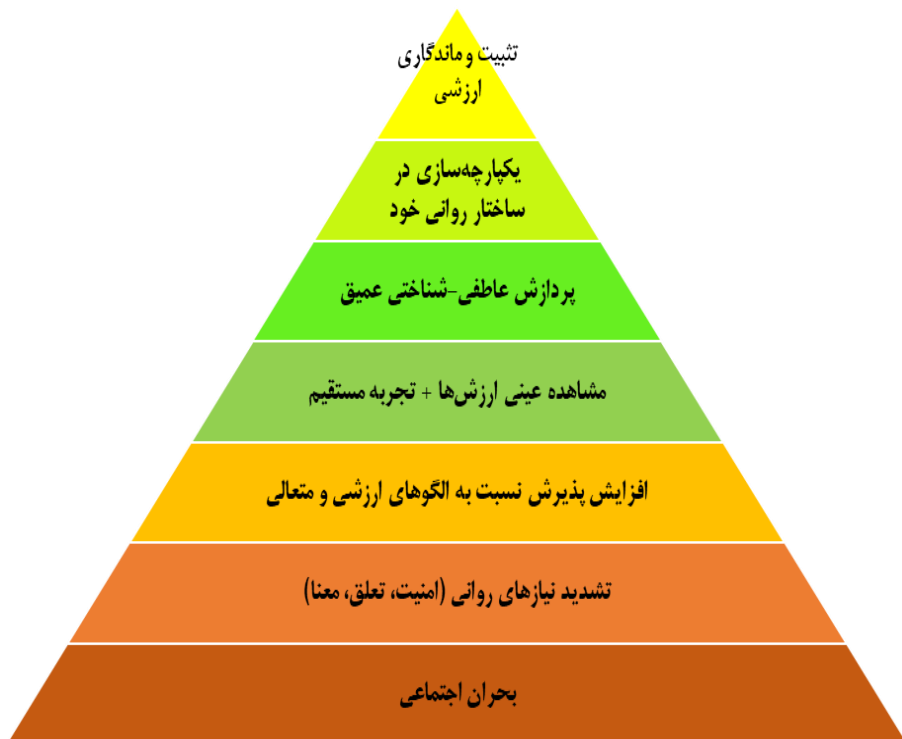
یکی از مهم‌ترین بسترهای تربیتی انتقال مفاهیم ارزشی و متعالی به فرزندان، شرایط عینی و ملموس ناشی از موقعیت بحرانی و پرمخاطره‌ای است که جامعه در آن قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی، مفاهیم انتزاعی چون ایثار، فداکاری، شجاعت، مقاومت و مسئولیت‌پذیری نه‌تنها در قالب واژه‌ها، بلکه در میدان عمل و تجربه مشاهده‌شدنی و درک‌پذیر هستند. این ویژگی، یعنی عینی و قابل تجربه بودن مفاهیم، زمینه‌ای بسیار مؤثر و غنی برای انتقال ارزش‌ها به کودکان و نوجوانان فراهم می‌آورد.^۱ از منظر روان‌شناختی، این دوره‌ها را می‌توان با تکیه بر نظریه یادگیری مشاهده‌ای تحلیل کرد؛^۲ چراکه فرزندان در این موقعیت نه از طریق آموزش صرف، بلکه با مشاهده رفتار والدین، معلمان، رزمندگان و دیگر الگوهای اجتماعی، مفاهیم ارزشی را به گونه‌ای نهادینه‌شده فرا می‌گیرند و در زمان جنگی و دفاعی، مشاهده‌ها بیشتر و عمیق‌تر می‌شود. درواقع آنان از طریق فرایند همانندسازی با الگوهای رفتاری، به درونی‌سازی این ارزش‌ها می‌پردازند. همچنین دوره‌های بحرانی اجتماعی، بسترهای روانی خاصی را برای پذیرش مفاهیم معنوی و ارزش‌مدار فراهم می‌کنند. هیجان‌های شدید و برانگیختگی روانی ناشی از مواجهه با خطر، فقدان و تهدید، موجب افزایش حساسیت عاطفی و آمادگی ذهنی در کودکان برای پذیرش معنا و ارزش می‌شود.^۳ این مقطع زمانی، به دلیل برخورداری از بار هیجانی بالا و فرصت‌های متعدد برای مشاهده و تجربه مستقیم، یکی از مؤثرترین زمان‌ها برای انتقال مفاهیم متعالی است که در شرایط عادی شاید با این شدت و عمق قابل انتقال نباشد.

۱. مریم فرجی، نقش جنگ در تربیت دینی نوجوانان، ص ۸۴.

2. Bandura, 1977.

3. Erikson, 1968.

الگوی جامع روان‌شناختی انتقال ارزش‌ها در شرایط جنگی و دفاعی را می‌توان در قالب شکل زیر ترسیم کرد:



مهم‌ترین مفاهیم ارزشی و متعالی اسلامی

ارزش یعنی آنچه در نظر آدمی مقدس، گران‌مایه و تحسین‌برانگیز است.^۱ بر این اساس، آنچه در دین اسلام مقدس، گران‌مایه و مورد تحسین است، ارزش محسوب می‌شود. تعالی نیز به معنای موقعیتی پویاست که فرد در آن بر مبنای چارچوب ذهنی متشکل از ارزش‌های اساسی، ایده‌ها و دانش می‌اندیشد، حس می‌کند و رفتار می‌نماید.^۲ در ادامه به مهم‌ترین مفاهیم ارزشی و متعالی در دو قسمت پرداخته می‌شود

۱. مفاهیم ارزشی و متعالی در حوزه اعتقاد

۱. علی شیروانی، اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن، ص ۲۰.

۲. محمد ازگلی، «درآمدی بر گونه‌شناسی و تعریف تعالی منابع انسانی در برخی از مکتب‌های بشری»، ص ۱۶۲.

در این بخش به مفاهیم بلندی چون ایمان، توسل، ولایت‌مداری، راضی‌بودن به قضا و قدر الهی و توجه به معاد اشاره می‌شود.

با تبیین شدن امور ذیل می‌توان بخش مهمی از مفاهیم ارزشی و متعالی را به فرزندان منتقل کرد:

- * علت دفاع در برابر تجاوز دشمن (از حیث عقلی و از بعد شرعی)؛
- * علت ولایت‌پذیری و تأثیر آن در وحدت و انسجام در برابر دشمن؛
- * علت توکل و توسل و تأثیرگذاری عوامل معنوی و ملکوتی بر امور مادی و دنیوی؛
- * علت فداکاری‌ها و نترسیدن رزمندگان از مرگ؛
- * علت آرامش ظاهری و قلبی بزرگان و فرماندهان اسلام با اشاره به ایمان، رضایت به قضا و قدر الهی و اقتدا به معصومان علیهم السلام و نیز با توجه به آثار و عظمت شهادت در دنیا و آخرت؛
- * علت صبر و توجه به گذرابودن مشکلات و رجحان صبر بر جزع و فزع از لحاظ عقلی، تجربی، شرعی و علمی؛
- * علت تحمل و جان‌فشانی اهل بیت (علیهم‌السلام) و اصحاب پاکشان در مسیر الهی با توجه به معاد و قیامت و احساس حضور خداوند در همه صحنه‌ها.

تبیین سختی‌ها در قرآن کریم

خداوند متعال می‌فرماید: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَكْبِرِينَ الْبُاسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهَ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ: آیا پنداشته اید در حالی که هنوز حادثه‌هایی مانند حوادث گذشتگان شما را نیامده، وارد بهشت می‌شوید؟ به آنان سختی‌ها و آسیب‌هایی رسید و چنان متزلزل و مضطرب شدند تا جایی که پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده بودند، می‌گفتند یاری خدا چه زمانی است؟ [به آنان گفتیم]: آگاه باشید، به یقین یاری خدا نزدیک است».^۱ این آیه نشان‌دهنده پیوند سختی‌ها و ابتلائات با رشد ایمان است؛ یعنی شما می‌خواهید بدون آنکه مانند گذشتگان گرفتار رنج و مشقت شوید، به بهشت داخل گردید و امتحان و گرفتاری نیندازید؛ از این‌رو غیر مستقیم به

صبر دستور می‌دهد.^۱

جمعی از مؤمنان فکر می‌کردند عامل اصلی ورود به بهشت، تنها اظهار ایمان به خداست و به دنبال آن نباید ناراحتی و رنجی را متحمل شوند و بی‌آنکه تلاش و کوششی کنند، خداوند همه کارها را انجام خواهد داد و دشمنان را نابود خواهد کرد؛ اما قرآن در برابر این تفکر نادرست، به سنت همیشگی خداوند اشاره می‌کند و می‌فرماید: «آیا گمان کردید داخل بهشت می‌شوید بی‌آنکه حوادثی همچون حوادث سخت گذشتگان به شما برسد» آیه پیش گفته به یکی از سنت‌های الهی اشاره می‌کند که در همه اقوام جاری بوده است و به مؤمنان در همه قرون و اعصار هشدار می‌دهد که برای پیروزی و موفقیت و نایل شدن به مواهب بهشتی، باید به استقبال مشکلات بروند و فداکاری کنند؛ درحقیقت این مشکلات آزمونی است که مؤمنان را پرورش می‌دهد و صاحبان ایمان راستین را از متظاهران به ایمان جدا می‌کند.^۲

خباب بن ارت از مجاهدان راستین صدر اسلام می‌گوید خدمت پیامبر ﷺ از آزار مشرکان شکایت کردم؛ ایشان فرمود: «امت‌هایی که پیش از شما بودند، با انواع بلاها شکنجه می‌شدند؛ ولی این امر هرگز آنها را از دینشان منصرف نمی‌کرد تا آنجاکه اره بر سر بعضی از آنها می‌گذارند و آنها را به دوپاره تقسیم می‌کردند ... به خدا سوگند که برنامه دین خدا کامل می‌شود و به پیروزی می‌رسد تا آنجاکه یک نفر سوار، فاصله میان صنعا و حضرموت [و بیابان‌های مخوف عربستان را] طی می‌کند و از هیچ چیز جز خدا نمی‌ترسد ...؛ ولی شما عجله می‌کنید».^۳ این سنت دائمی خداست که فتنه‌ها پیش آورد و احدی از مردم به سعادت دین و قرب رب‌العالمین نمی‌رسد مگر با ثبات و تسلیم. بهشت رضوان و قرب رب‌العالمین در گرو تحمل سختی‌هاست و سنت الهی در میان امت‌های گذشته در بین امت اسلام تکرار خواهد شد.^۴

نگفتم روزه بسیاری نپاید

ریاضت بگذرد سختی سر آید

پس از دشواری آسانی است ناچار

ولیکن آدمی را صبر باید^۵

مولوی در شعری دیگر، اشاره زیبایی به حکمت این امتحانات می‌کند:

۱. حسین نوری همدانی، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۲، ص ۲۸۴.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۰۲.

۳. همان.

۴. سید محمدباقر موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۲۳۶.

۵. مصلح‌الدین سعدی، سایت گنجور، غزلیات، غزل ۲۷۵.

بهر آن است این ریاضت وین جفا
تا برآرد کوره از نقره جفا
بهر آن است امتحان نیک و بد
تا بجوشد بر سر آرد زر زبد^۱

بنابراین ایمان به خدا و کلام خدا، پذیرفتن ولایت خدا و ولایت مداری در برابر اولیای الهی، صبر و استقامت در امتحانات الهی، رضایت قلبی به قضا و قدر الهی و توجه به معاد و آخرت از مفاهیم بلند اعتقادی است که هم ما و هم فرزندان ما با آن روبرو هستیم و برای رشد معنوی و تعالی به آنها نیازمندیم؛ از این رو بایسته و شایسته است این مفاهیم در بازه زمانی مشخص، همان طور که در شرایط خاص از طرف خداوند متعال به ما منتقل شد، از ما به فرزندانمان منتقل شود تا برای این سنت الهی (امتحانات) آماده شوند.

فرزندان به ویژه در نوجوانی به دنبال هویت یابی اند؛^۲ از این رو تجربه های واقعی در شرایط بحرانی می تواند هویت اعتقادی فرد را منسجم کند. مشاهده ایمان عملی رزمندگان و والدین مؤمن، بستری برای همانندسازی و درونی کردن باورها فراهم می کند. بنابراین جنگ و دفاع مقدس به فرصتی برای انتقال مفاهیمی چون توکل، رضا، تسلیم و امید به نصرت الهی تبدیل می شود؛ به گونه ای که با قلب و جان آن را می فهمد و نه صرفاً با ذهن.

۲. مفاهیم ارزشی و متعالی در حوزه اخلاق و رفتار

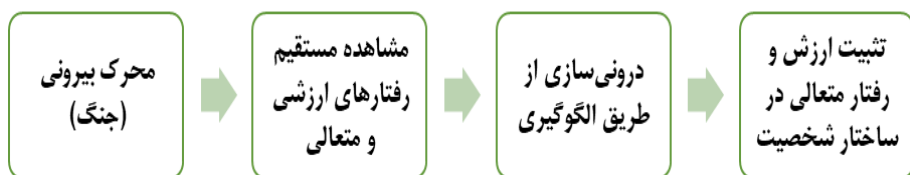
در این بخش به مفاهیم بلندی چون مسئولیت پذیری، قرائت قرآن و دعا، تعاون و همبستگی، شجاعت، ایثار، تلاش و کوشش اشاره می شود. در شرایط جنگی و دفاعی، اخلاق و رفتارهایی چون ایثار و تلاش، شجاعت، انضباط و مسئولیت پذیری، دعا و قرائت قرآن، تعاون و همبستگی به شکل برجسته و واقعی در جامعه بروز می یابند و این عینیت رفتاری، بستری بسیار مؤثر برای آموزش عملی ارزش ها به فرزندان است. الگوهای اخلاقی رفتاری مشاهده پذیر در موقعیت های واقعی، بیش از هر آموزش کلامی مؤثرند. فرزندان با دیدن عملکرد والدین، رزمندگان، امدادگران و حتی همسالان خود، به تقلید و درونی سازی این ارزش ها می پردازند. این نوع یادگیری، به مراتب عمیق تر، ماندگارتر و مؤثرتر از هر گفتاری است.

۱. جلال الدین محمد مولوی، مثنوی معنوی، دفتر اول، سایت گنجور. در دیدگاه مولوی، ریاضت کشیدن و تحمل سختی ها، امتحان خداوند است؛ برای اینکه مؤمن مانند نقره و طلا در کوره ذوب شود و ناخالصی اش برطرف شود.

2. Erikson, 1968.

مشاهده همبستگی شگفت‌انگیز ملی، مسئولیت‌پذیری، شجاعت و ایثارگری، تلاش‌های خستگی‌ناپذیر، تمسک به قرآن و دعا، ایمان قوی و ولایت‌پذیری مردم شریف ایران و رزمندگان جبهه اسلام مانند سردار حاج قاسم سلیمانی، شهید سیدحسن نصرالله، سردارحاجی‌زاده، شهید سلامی، شهید باقری و ...، نیز تبیین و روشن کردن این موارد به روش‌های گوناگونی که در بخش بعد بیان می‌شود، می‌تواند مفاهیم ارزشی و متعالی در حوزه اخلاق و رفتار را در این زمان کلیدی به فرزندان انتقال دهد.

طرح کلی تأثیر روان‌شناختی انتقال مفاهیم ارزشی و متعالی در حوزه اخلاق و رفتار به فرزندان در زمان جنگ و دفاع را می‌توان در قالب شکل زیر ترسیم کرد:



در جنگ احد، هنگامی که مسلمانان در موقعیت دشواری قرار گرفتند و برخی از یاران پیامبر ﷺ شهید شدند، مسلمانان شاهد صبر و مقاومت حضرت علی ﷺ و برخی یاران بودند. عمومی پیامبر، حمزه ﷺ در این جنگ شهید شد؛ هنگامی که پیامبر ﷺ جسد عمویش را دید، با قلب اندوهگین ورنجور فرمود: «رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْكَ يَا عَمُّ، فَلَقَدْ كُنْتُ وَصُولًا لِلرَّحِمِ فَعُولًا لِلْخَيْرَاتِ: خدا تو را رحمت کند عمو، تو با خویشاوندان خود مهربان بودی و بسیار کارهای نیک انجام می‌دادی».^۱ افراد حاضر در صحنه، تجربه واقعی صبر در مصیبت، ایمان در سختی و محبت به اقوام و آشنایان را هم‌زمان با تسلیم در برابر اراده الهی مشاهده کردند. مشاهده تجارب مشابه برای فرزندان، می‌تواند رفتارهای ارزشی و متعالی را در وجودشان نهادینه کند.

۲-۱. شیوه انتقال ارزش‌ها را به فرزندان

برای انتقال مفاهیم ارزشی و متعالی در شرایط جنگ و دفاع، ترکیبی از روش‌های تجربی و مشارکتی، الگویی و روایی می‌تواند مؤثر واقع شود. از منظر روان‌شناسی، روش‌هایی که هیجان، تجربه، و تعامل را دربر می‌گیرند، بیشترین اثرگذاری را در حافظه عاطفی و شناختی کودک و

۱. احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، الإصابة فی تمییز الصحابه، ج ۲، ص ۱۰۶.

نوجوان دارند.^۱

الف) روش‌های تجربی و مشارکتی

روش‌های تجربی و مشارکتی بر اساس یادگیری عملی، مستقیم و تعامل فعال فرزندان در فرایند یادگیری ارزش‌ها متمرکز است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ؛ و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری نمایید و یکدیگر را بر گناه و تجاوز یاری ندهید؛ و از خدا پروا کنید».^۲ خداوند در این آیه بر اهمیت مشارکت، همکاری و تجربه مشترک در انجام ارزش‌های الهی توصیه می‌کند. این روش‌ها در شرایط دفاع مقدس، شامل تجربه و مشارکت فرزندان در فعالیت‌های عملی نظیر کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان، همکاری دفاعی و اطلاعاتی با نهادهای امنیتی و اطلاعاتی، انجام رفتارها و کمک‌های نشان‌دهنده همبستگی ملی و دینی، مشارکت در برنامه‌های حمایتی از خانواده‌های شهدا و جانبازان، شرکت دادن فرزندان در انجام بسته‌بندی کمک‌های مردمی، حضور فعال کودک در مراسم جمعی چون راهپیمایی‌ها، تشویق به نقاشی و نوشتن درباره ارزش‌ها، انجام بازی‌های نقش‌آفرینی و دیگر رفتارهای ارزشی و متعالی می‌شود. همچنین دعوت از فرزندان برای بیان نظرات و احساساتشان و ایجاد محیطی که در آن بتوانند پرسش‌های خود را طرح کنند، از روش‌های مشارکتی به شمار می‌آید.

مرد خردمند هنرپیشه را
عمر دو بایست در این روزگار
تا به یکی تجربه آموختن
در دگری تجربه بردن به کار

ب) روش‌های الگویی

انتقال از طریق الگو و نمونه یکی از مؤثرترین شیوه‌های تربیتی و انتقال مفاهیم محسوب می‌شود. از آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ: به‌یقین برای شما در [روش و رفتار] پیامبر خدا الگوی نیکویی است»^۳، به‌روشنی روش الگویی در انتقال مفاهیم ارزشی و متعالی به دست می‌آید. والدین و بزرگسالان خانواده با تبیین و روشن کردن باورهای ارزشی و متعالی و نمایش رفتارهای ارزشمند، می‌توانند بهترین الگوهای یادگیری برای فرزندان باشند. کودکان

1. Bandura, 1977.

۲. مانده: ۲.

۳. احزاب: ۲۲.

ارزش‌ها و آداب گروه اجتماعی یا فرهنگی خاصی را از طریق تقلید و الگوگیری از رفتار بزرگسالان اطراف آنها یاد می‌گیرند. الگو بودن والدین و اطرافیانی که در چشم فرزندان بزرگ و مهم هستند و ملتزم به مفاهیم ارزشی و متعالی اعتقادی (ایمان و توکل، توسل، ولایت‌مداری، صبر، راضی بودن به قضا و قدر الهی، توجه به معاد) و رفتاری (مسئولیت‌پذیری، قرائت قرآن، دعا، تعاون و همبستگی، شجاعت، ایثار، تلاش و کوشش میدانی) هستند، می‌تواند انتقال‌دهنده‌ای قوی به فرزندان باشد. نکته درخور توجه اینکه الگوها و همانندی با آنها در التزام به ارزش‌ها، باید در دسترس تعریف شوند؛ یعنی به گونه‌ای که حس «ما هم می‌توانیم شبیه آنها شویم» به فرزندان القا و منتقل شود و نه خارج از دسترس، به شکل اسطوره‌هایی که حس نبود توانایی شباهت به آنها به فرزندان انتقال یابد.

مباد، از اسوه ما اسطوره سازیم
ز او ما بهر خود افسانه سازیم
شهیدان اُسوه و الگوی ایثار
جفا باشد به خود بیگانه سازیم^۱

ج) روش‌های روایی

قصه‌گویی و روایت یکی از کهن‌ترین و مؤثرترین روش‌های انتقال ارزش‌هاست. خداوند متعال می‌فرماید: «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ: ما بهترین سرگذشت‌ها را از طریق این قرآن که به تو وحی کردیم، بر تو بازگو می‌کنیم».^۲ این آیه بر اهمیت روایت و قصه در انتقال پیام‌های ارزشی تأکید می‌کند. در شرایط دفاع مقدس، روایت مبارزات انبیا و معصومان علیهم‌السلام، خاطرات جنگ، قصه‌های شهدا و مدافعان و به طور کلی نقل داستان‌های واقعی (از ایمان و توکل، توسل، ولایت‌مداری، و ...)، بستر مناسبی برای درونی‌سازی مفاهیم ارزشی فراهم می‌کند. استفاده از شعر و ادبیات، موسیقی و هنرهای تجسمی مانند تولید کتاب‌های مصور با موضوع مقاومت برای کودکان و نوجوانان، انیمیشن با موضوع مفاهیم ارزشی و پادکست‌های داستانی برای کودکان و نوجوانان نیز بخشی از روش‌های روایی به شمار می‌آید.

نکته قابل توجه در انتقال مفاهیم

برای افزایش انتقال مفاهیم، توجه به امور ذیل اهمیت ویژه‌ای دارد:

۱. سلیمان ابوالقاسمی، دفتر سوم شعر، سایت شعر نو.

۲. یوسف: ۳.

* رعایت اختصار (پرهیز از طولانی کردن کلام)؛

* رعایت ترتیب اهمیت (تقدم مفاهیم ارزشی و متعالی اعتقادی بر مفاهیم ارزشی و متعالی رفتاری)؛

* بیان تدریجی (رعایت اصل تدریج در انتقال مفاهیم)؛

* میانه‌روی (پرهیز از افراط و تفریط)؛

* روش عملی (تمرین عملی مفاهیم منتقل شده)؛

* تکرار پیام در مواقع ضروری.^۱

تا ز لعبت اندک اندک در صبا جانش گردد با یم عقل آشنا

عقل از آن بازی همی یابد صبی گرچه با عقل است در ظاهر ابی^۲

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله، شرح نهج‌البلاغه، قاهره: داراحیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۸ ق.

۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة فی تمییز الصحابه، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.

۳. ابن میثم بحرانی، کمال‌الدین، شرح نهج‌البلاغه، قم: مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۴۲۷ ق.

۴. ازگلی، محمد، «درآمدی بر گونه‌شناسی و تعریف تعالی منابع انسانی در برخی از مکتب‌های بشری»، دوفصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام، س ۴، ش ۲، ۱۳۹۱ ش.

۵. جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش.

۶. سید رضی، نهج‌البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، قم: دارالهجرة، ۱۳۸۷ ق.

۷. شهیدی، سیدجعفر، ترجمه نهج‌البلاغه، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸ ش.

۱. محمدرسول نجات‌پور، «الگوی تبلیغ مؤثر با نگرش به منابع اسلامی»، ص ۱۱۸ - ۱۳۱.

۲. جلال‌الدین محمد مولوی، مثنوی معنوی، دفتر ششم، سایت گنجور.

۸. شیخ مفید، محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. چ ۲، [بی جا]: دارالمفید، ۱۴۱۳ ق.

۹. شیروانی، علی، اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن، قم: دارالفکر، ۱۳۷۹ ش.

۱۰. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج. قم: نشر مرتضی، ۱۴۰۷ ق.

۱۱. فرجی، مریم، نقش جنگ در تربیت دینی نوجوانان، چ ۲، تهران: سوره مهر، ۱۳۹۵ ش.

۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.

۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، چ ۲، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.

۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چ ۱۰، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ ش.

۱۵. موسوی همدانی، سیدمحمدباقر، ترجمه تفسیر المیزان، چ ۵، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۴ ش.

۱۶. نجات پور، محمدرسول، «الگوی تبلیغ مؤثر با نگرش به منابع اسلامی»، پایان نامه کارشناسی ارشد مؤسسه امام خمینی (ره) قم، ۱۴۰۲ ش.

۱۷. نوری همدانی، حسین، ترجمه تفسیر مجمع البیان، تهران: انتشارات فراهانی، [بی تا].

1. Bandura, A. Social Learning Theory. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall, 1977, p. 22,89.
2. Erikson, E. H. Identity: Youth and Crisis. New York: W. W. Norton & Company, 1968, p. 128.
3. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=58343&https://farsi.Khamenei.ir/others-note?id=43606>.
4. <https://shereno.com/list/%D8%AF%D8%B1%D8%A8%D8%A7%D8%B1%D9%87%C2%A0%DB%8C%C2%A0%D8%A7%D8%B3%D9%88%D9%87.html>.

هفت درس کاربردی از زندگی رسول رحمت ﷺ

حجت الاسلام والمسلمین دکتر اصغر آیتی *

اشاره

حضرت محمد ﷺ خاتم پیامبران الهی، الگو و اسوه‌ای کامل، عاری از هرگونه عیب و خطا برای تمام زمان‌ها و مکان‌ها و در تمام موضوعات است که خدایش درباره او فرمود: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا: به یقین برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود؛ برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند».^۱

اخلاق انسانی و ملکات عالیّه رسول اکرم ﷺ در زمانی کوتاه چنان گسترش یافت و در دل مسلمانان صدر اول ریشه دوانید که از هیچ همه چیز درست کرد. او کبریای عرب را به تواضع، قساوت را به رأفت، پراکندگی را به یگانگی، جدایی را به همبستگی، کفر را به ایمان، بت‌پرستی را به توحید، بی‌پروایی را به عفت، انتقام‌جویی را به بخشایش، بیکارگی را به کار و کوشش، خودخواهی را به نوع‌دوستی، درشتی را به نرم‌خویی، بخل را به ایثار و سفاهت را به عقل و درایت بدل کرد.

در این نوشتار کوتاه، به بازخوانی درس‌هایی از زندگی و رفتار بی‌نظیر پیامبر ﷺ می‌نشینیم با این امید که بتوانیم پیروانی راستین برای حضرتش باشیم.

درس اول: تکیه بر نیروی الهی و هنر برنامه‌ریزی، ترکیبی برای موفقیت

پیامبر اعظم ﷺ با تدبیر و سازماندهی بی‌نظیر خود، روحیه‌ای قوی به مسلمانان می‌بخشید و به آنها یاد می‌داد که در سخت‌ترین لحظات زندگی، باید به خدای سبحان تکیه کنند. اما در کنار

* دانش‌آموخته دکترای قرآن و مدیریت.

چنین اقداماتی، تکیه اصلی‌اش به خدای سبحان بود و مسلمانان را نیز این‌گونه تربیت می‌کرد که در لحظات بحرانی از توجه و تضرع به خدای سبحان غفلت نکنند و در بحران‌ها، به خداوند توجه کنند و با ایمان و امید به او، بر چالش‌ها و سختی‌ها برتری یابند.

دعایی که زود به اجابت رسید

پیامبر ﷺ در جنگ بدر و پس از نظم‌دادن لشکر مسلمانان و انجام‌دادن همه اقدامات لازم برای پیروزی بر جبهه کفر، به یاران خود که سیصد و چند نفر بودند نگریست، سپس به مشرکان نگاه کرد که حدود هزار نفر بودند و در حالی که ردا و ازاری بر تن داشت، رو به قبله ایستاد، دست‌هایش را به سمت آسمان کشید و گفت: «اللَّهُمَّ أَنْجِزْ مَا وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ أَنْجِزْ مَا وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِنْ تُهْلِكَ هَذِهِ الْعِصَابَةَ مِنَ الْإِسْلَامِ فَلَا تُعْبَدُ فِي الْأَرْضِ أَبَدًا: خدایا، وعده‌ای را که به من داده‌ای، عملی گردان. بار خدایا، وعده‌ای را که به من داده‌ای، عملی گردان. پروردگارا، اگر این گروه مسلمان از بین بروند، دیگر هرگز بر روی زمین پرستش نخواهی شد».^۱ از نکته‌های برجسته در این جنگ، استجابت دعا و اعجاز پیامبر اکرم ﷺ بود. به گفته ابن‌سعد، پیامبر هنگام حرکت برای پیادگان، برهنگان، گرسنگان و نیازمندان دعا کردند. اثر این دعا به گونه‌ای بود که هنگام برگشت از جنگ، همه مسلمانان سوار بر حیوانات بودند، برهنگان لباس پوشیدند، گرسنگان سیر شدند و فقیران آنان از فدیة اسیران به ثروت رسیدند.^۲ همچنین نقل شده است هنگام رفتن به بدر، شتر یکی از سپاهیان از راه‌رفتن بازمانده بود. پیامبر ﷺ آب وضوی خود را به بدن آن شتر پاشید و شتر به حرکت درآمد.^۳

نکته: چقدر در زندگی با خدا گفتگو می‌کنیم؟ با او خلوت داریم؟ در کارها و رفتاری‌ها به او توجه داریم؟

درس دوم: حمایت و دفاع خدای متعال از پیامبرش (با خدا باش و پادشاهی کن)

مشرکان و دشمنان اسلام به‌ویژه در زمان پیامبر خاتم ﷺ برای مقابله با گسترش دین اسلام و شخصیت پیامبر از روش‌های مختلفی استفاده می‌کردند؛ از جمله ایجاد ترور روانی که به

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۸۰۷؛ علاء‌الدین علی بن حسام هندی، کنز العمال، ج ۲۹۹۳۹.

۲. محمد بن سعد، الطبقات، ج ۲، ص ۱۴.

۳. تقی‌الدین مقریزی، إمتاع الأسماع، ج ۱، ص ۹۳.

معنای تخریب وجهه و شخصیت پیامبر در نظر مردم بود. این افراد با شایعات، تهمت‌ها و افتراها می‌کوشیدند از اعتماد مردم به پیامبر بکاهند و به این ترتیب، مانع از گسترش اسلام شوند. اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مقابل اهانت‌ها و جسارت‌ها با صبوری، به وظیفه خود عمل کرد؛ خدای متعال نیز در مقابل این اهانت‌ها به چنین پیامبری مباحات می‌ورزید و از او در برابر دشنام‌ها و جسارت‌ها دفاع می‌کرد. در ادامه به نمونه‌هایی از رفتار خداوند در برابر جسارت‌های دشمنان به پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کنیم:

(الف) به پیامبر گفتند: «إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ: به‌یقین تو دیوانه‌ای»؛^۱ ولی خداوند فرمود: «مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ: به نعمت پروردگارت تو مجنون نیستی».^۲

(ب) به آن حضرت گفتند: «لَسْتَ مُرْسَلًا: تو فرستاده خداوند نیستی»؛^۳ خداوند فرمود: «إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ: به‌یقین تو از پیامبرانی».^۴

(ج) به حضرت نسبت شاعری و خیال‌بافی دادند: «لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ»؛^۵ اما خداوند فرمود: «وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَ مَا يَنْبَغِي لَهُ: ما هرگز شعر به او [پیامبر] نیاموختیم و شایسته او نیست [شاعر باشد]».^۶

(د) سخنان پیامبر را دروغ و افترا نامیدند: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ»؛^۷ ولی خدا فرمود: «فَأَتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَ ادْعُوا شُهَدَاءَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ: [اگر چنین است] یک سوره همانند آن بیاورید و گواهان خود را - غیر خدا - برای این کار فرا خوانید».^۸

(هـ) به آن حضرت ابتر گفتند؛ اما خداوند فرمود: «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ: به‌یقین دشمن تو بریده‌نسل و بی‌عقب است».^۹

علامه طباطبایی هدف از نزول سوره «شعرا» را تسلا‌ی خاطر پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر تکذیب

۱. حجر: ۶.

۲. قلم: ۲.

۳. رعد: ۴۳.

۴. یس: ۳.

۵. صافات: ۳۶.

۶. یس: ۶۹.

۷. احقاف: ۸.

۸. بقره: ۲۳.

۹. کوثر: ۳.

مردم و نسبت‌های ناروا به آن بزرگوار می‌داند و خدای متعال به این منظور، چند داستان از اقوام گذشته و سرنوشت آنان و کیفرشان را به دلیل تکذیب پیامبران گوشزد می‌کند.^۱

نکته: آیا می‌دانیم که اگر برای خدا باشیم و به وظیفه خود عمل کنیم، خدا با ما خواهد بود؟

درس سوم: اخلاقی فراتر از کلمات

پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله که مبعوث شده بود تا مکارم اخلاق را در میان مردم کامل و شایع کند، نمونه و الگوی مکارم اخلاقی برای تمام انسان‌ها در تمام دوران‌ها شد. آن حضرت در جایگاه بهترین و کامل‌ترین اسوه راستین بشر، در برابر تمام مردم بسیار دلسوز، صمیمی و مهربان بود. آن حضرت در راستای متخلق بودن به اخلاق و کردار کریمانه توانست در طول ۲۳ سال نبوت خود دل‌های گمراه بسیاری را شیفته خود و مکتب اسلام کند.

داستان: اخلاق پیامبر را برابری توصیف کن

مردی از امیرالمؤمنین علیه السلام درخواست کرد که اخلاق پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله را برایش بشمارد. حضرت علیه السلام فرمودند: «تو نعمت‌های خدا را بشمار تا من نیز اخلاق آن جناب را برایت بشمارم». آن مرد گفت چگونه ممکن است نعمت‌های خدا را شمارش کرد، با این‌که خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا».^۲ امام علیه السلام فرمودند: «خداوند تمام نعمت دنیا را قلیل دانسته و فرموده است: «قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ»^۳، در حالی‌که اخلاق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را عظیم برشمرده شده است و می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۴ و

البته مشخص است امام علیه السلام در پی بیان عظمت اخلاق و رفتار پسندیده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هستند، نه اینکه توان آن را تبیین و توصیف کرد؛ همان‌گونه که ایشان در مناسبات گوناگون به توصیف اخلاق والای حبیب و مولای خود رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌پرداختند؛ از جمله در توصیف پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «وَهُوَ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ، أَجْوَدُ النَّاسِ كَفًّا وَأَرْحَبُ النَّاسِ صَدْرًا وَأَصْدَقُ النَّاسِ لَهْجَةً وَأَوْفَى النَّاسِ دِمَةً وَآلِيَهُمْ عَرِיקَةٌ وَآكْرَمُهُمْ عَشْرَةٌ مَنْ رَأَى بَدِيهَةً هَابَةً وَمَنْ خَالَطَهُ مَعْرِفَةً أَحَبَّهُ يَقُولُ

۱. سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۲۴۹.

۲. «اگر نعمت‌های خدا را بشمارید، هرگز آنها را شماره نتوانید کرد» (ابراهیم: ۳۴).

۳. نساء: ۷۷.

۴. قلم: ۴.

۵. محمد بن عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۳۲، ص ۲۲۲.

نَاعَتْهُ: لَمْ آرَقَبْلَهُ وَلَا بَعْدَهُ مِثْلَهُ: او که خاتم پیامبران بود، بخشنده‌ترین، پرحوصله‌ترین، راستگو‌ترین، پایبندترین مردم به عهد و پیمان، نرم‌خوترین و خوش‌مصاحبت‌ترین مردم بود. هر کسی بدون سابقه قبلی او را می‌دید، هیبتش او را می‌گرفت و هر کسی با او معاشرت می‌کرد و او را می‌شناخت، دوستدارش می‌شد و هر کسی می‌خواست او را تعریف کند، می‌گفت نظیر او را پیش از او و پس از او ندیده‌ام»^۱.

نکته: چقدر پیامبران را شناخته‌ایم و از زندگی و رفتار او درس گرفته‌ایم؟

درس چهارم: توجه به عدالت و گسترش آن در جامعه

عدالت‌گستری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله یکی از اصول اساسی و محوری در رفتار، سیره و حکومت ایشان بود. پیامبر صلی الله علیه و آله در برخورد با مردم، اجرای قانون و برقراری عدالت اجتماعی، هیچ‌گاه کوتاهی نکردند و همواره تأکید داشتند که عدالت باید در مورد همه حتی نزدیک‌ترین افراد به ایشان اجرا شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیف مؤمنان حقیقی می‌فرمایند: «لَا يَجُورُ وَلَا يَعْتَدِي: نه ستم می‌کند و نه تجاوز»^۲. او حتی با دشمنش به رعایت حق می‌پردازد: «وَلَا يَرُدُّ الْحَقَّ عَلَى عَدُوِّهِ: و در مقابله با او حق را پایمال نمی‌کند».

پیامبر صلی الله علیه و آله عادل‌ترین مردم را این‌گونه معرفی می‌کند: «أَعْدَلُ النَّاسِ مَنْ رَضِيَ لِلنَّاسِ مَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ وَ كَرِهَ لَهُمْ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ: عادل‌ترین مردم، کسی است که برای مردم همان را بپسندد که برای خود می‌پسندد و برای آنان نپسندد آنچه را برای خود نمی‌پسندد»^۳.

داستان: رشوه یا هدیه و برکناری فرماندار

در تاریخ زندگی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که به ایشان خبر دادند یکی از فرماندارانش رشوه‌ای در شکل هدیه پذیرفته است، حضرت برآشفته و به او فرمود: چرا آنچه حق تو نیست، می‌گیری؟ او در پاسخ با معذرت‌خواهی گفت: آنچه گرفتم، هدیه بود ای پیامبر خدا. رسول اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر شما در خانه بنشینید و از طرف من فرماندار محلی نباشید، آیا مردم به شما هدیه‌ای می‌دهند؟» سپس دستور داد هدیه را گرفتند و در بیت‌المال قرار دادند و وی را از کار

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۹۰.

۲. همان، ج ۶۴، ص ۳۱۱.

۳. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ح ۳۴۰.

برکنار کرد.^۱

نکته: در مسئولیت‌های کوچکی که داریم، آیا توانسته‌ایم به عدالت رفتار کنیم؟

درس پنجم: تواضع و فروتنی پیامبر ﷺ

تواضع یکی از آداب و سنن پسندیده و از ویژگی‌های انسان متخلّق به اخلاق نیک است. رسول خدا ﷺ نیز که در بندگی سرآمد روزگار بود، در تواضع و فروتنی نیز برترین نمونه تواضع با مردم زمانش به شمار می‌آمد. آن حضرت با آنکه والاترین مقام و مرتبه را نزد خدای متعال و مردم داشت، هرگز جز تواضع در برخورد با مردم از او دیده نشد. یکی از مهم‌ترین رازهای رفعت و محبوبیت پیامبر رحمت ﷺ را در همین قضیه می‌توان جستجو کرد. رسول اکرم ﷺ فرمود: «إِنَّ التَّوَاضُّعَ يَزِيدُ صَاحِبَهُ رِفْعَةً فَتَوَاضَّعُوا يَرْفَعُكُمُ اللَّهُ: تواضع و فروتنی وسیلهٔ سربلندی و سرافرازی است؛ تواضع کنید تا خدای متعال مقام شما را بلند گرداند».^۲

ملای رومی گوید:

آب از بالا به پستی در رود	آن‌گه از پستی به بالا بر رود
گندم از بالا بزیر خاک شد	بعد از آن او خوشه چالاک شد
دانه هر میوه آمد در زمین	بعد از آن سرها برآورد از دفین
از تواضع چون به گردون شد به زیر	گشت جزو آدمی حی دلیر
پس صفات آدمی شد آن جماد	بر فراز عرش پیران گشت شاد
کز جهان زنده زاول آمدیم	باز از پستی سوی بالا شدیم ^۳

پیامبر اکرم ﷺ به حکم آیه شریفه «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ: و بال [عطوفت] خود را برای مؤمنان فرود آر»^۴ در قلّه تواضع قرار داشت؛ از این‌رو در توصیف ایشان می‌خوانیم: «كَانَ أَشَدَّ النَّاسِ تَوَاضُّعًا فِي غُلُوِّ مَنْصَبِهِ»؛^۵ یعنی با اینکه ایشان از مقام فوق‌العاده والایی

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۷.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۲۱.

۳. جلال‌الدین محمد مولوی، مثنوی معنوی، دفتر سوم، ص ۴۰۴.

۴. حجر: ۸۸.

۵. محسن فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ج ۴، ص ۱۵۱.

برخوردار بود، بیشترین تواضع را داشت. ایشان بر خاک می نشست و غذا می خورد و می فرمود: «من بنده‌ام و همچون بندگان غذا می خورم و همچون آنان می نشینم».^۱ همچنین می فرمود: «پنج چیز است که تا دم مرگ از آنها دست برنمی دارم: روی زمین با بردگان غذا خوردن، بر الاغ بی پالان سوار شدن، شیر بز با دست خود دوشیدن، لباس پشمینه پوشیدن و به کودکان سلام کردن تا آنکه پس از من سنت شود».^۲

نکته: چرا گاهی با کوچک ترین مسئولیت خود را گم می کنیم و با فخر فروشی مواجه می شویم؟

درس ششم: رفتار مردمی

از مصادیق بارز خلق عظیم و رفتار کریمانه رسول رحمت صلی الله علیه و آله، رفتار مردمی است که بیان کننده دوری ایشان از تکبر بود. ایشان که از مردم و با مردم بود، بسیار مهربان، دلسوز و همیشه همراه با مردم بود و در این همراهی همواره به دنبال ایجاد صمیمیت و الفت با آنها بودند. جاذبه شخصیتی ایشان تا حد زیادی مرهون رفتار محبت آمیز با مردم و ارزش قائل شدن به انسان ها بود. کسی که در غم و شادی و راحت و رنج همراه با آنها بود و خود را از آنان جدا نمی دانست و جدا نکرد؛ به همین دلیل توانست قلعه دل ها را فتح کند. در روایات نقل شده است رسول خدا صلی الله علیه و آله به تشیع جنازه می رفت و در دورترین نقطه شهر «مدینه» به عیادت مریض می پرداخت. گاهی فرزندان خردسال را به حضور پیامبر می آوردند تا برای تبرک و برکت یافتن، از خدا برای او خیر و نیکی بخواهد یا نام گذاری کند؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز برای دلجویی بستگان آن فرزند، او را می گرفت و در دامن خویش می نهاد؛ حتی گاهی در همان لحظه، بچه لباس پیامبر را نجس می کرد، اما پیامبر به روی خودشان نمی آوردند و این گونه مردم با تمام وجود پیامبر را دوست داشتند.

از نشانه های دیگر مردمی بودن حضرت این بود که کارهای شخصی درون خانه را خودش انجام می داد، شتر را تغذیه می کرد، خانه را جارو می زد، شیر گوسفند را می دوشید، کفشش را تعمیر می کرد، لباسش را وصله می زد و ...^۳

۱. محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۸۰.

۲. شیخ صدوق، خصال، ص ۲۷۱.

۳. محمد باقر مجلسی، مرآة العقول، ج ۸، ص ۲۰۹.

نمونه‌ای تاریخی

در ماجرای صلح حدیبیّه، عروه بن مسعود که به نمایندگی از قریش برای مذاکره با پیامبر ﷺ آمده بود، به سران قریش چنین گزارش داد: «من شاهان بزرگ را دیده‌ام، قدرت‌های بزرگی مانند قدرت کسری، قیصر روم، سلطان حبشه را مشاهده کرده‌ام و موقعیت هیچ‌کدام را میان قوم خود مانند محمّد ندیده‌ام. من با دیدگان خود دیدم که یاران او نگذاشتند قطره‌آبی از وضوی او به زمین بریزد و برای تبرک آن را تقسیم نمودند. اگر مویی از محمّد بیفتد، به سرعت آن را برمی‌دارند؛ بنابراین سران قریش باید در این موقعیت فکر و تأمل کنند».^۱

نکته: آیا با همسر، فرزندان، اقوام، اهل محل و همکاران هم‌زیستی متواضعانه داریم؟

درس هفتم: امانت‌داری

امانت‌داری و نگاه‌داری حقوق مالی و غیرمالی دیگران بر اساس اعتمادی که به انسان کرده‌اند، یکی از صفات انبیا و از جمله بهترین فضایل اخلاقی و رفتارهای پسندیده و ارزشمند انسانی است و نیز از خصلت‌های نیکویی است که خدای سبحان به صورت مکرر آن را برای پیامبران بیان کرده است و می‌فرماید: «إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ: به یقین من برای شما پیامبری امین هستم».^۲ از ویژگی‌های برجسته مؤمنان و نمازگزاران واقعی نیز همین خصلت بیان شده است: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ: و آنها که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند».^۳

وجود مبارک پیامبر اکرم ﷺ نه تنها بعد از رسالت، بلکه در زمان جاهلیت نیز به امانت‌داری مشهور بود و «محمد امین» خوانده می‌شد. ابن سعد تاریخ‌نگار قرن سوم قمری در کتاب الطبقات الکبری می‌نویسد: «از بس که ویژگی‌های نیکو در پیامبر خدا ﷺ به کمال رسیده بود، در مکه نامی جز امین نداشت».^۴ امیرالمؤمنین علی‌علیه السلام در شدت امانت‌داری حبیب و مولای خود رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «بار خدایا ... شریف‌ترین درودها و بالنده‌ترین برکت‌های خود را بر محمد فرست ... به پاس آنکه بار نبوت بر دوش او نهاده شد و او آن را با نیرومندی تمام به منزل رساند، به اجرای فرمانت برخاست و در طلب خشنودیات شتافت، بی‌آنکه از تاختن به پیش بهراسد و در هیچ تصمیمی سستی کند. وحی تو را به‌خوبی دریافت، عهد تو را حفظ کرد و در

۱. ر.ک به: جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۱۸۹.

۲. شعراء: ۱۰۷.

۳. مؤمنون: ۸؛ معارج: ۳۲.

۴. محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۵۶.

اجرای فرمانت گام نهاد». ^۱ همچنین در شدت اهمیت این خصلت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در آخرین لحظات عمرش سه بار به من فرمود: «یا ابا الحسَن اَدْ اِلا مَانَةً اِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ فِيمَا قَلَّ وَجَلَّ حَتَّى فِی الْخَبِیْطِ وَالْمَخِیْطِ: ای ابوالحسن، ادا نما امانت را در برابر افراد نیکوکار و بدکار، در آنچه که کم ارزش باشد یا باارزش، حتی در مورد نخ و سوزن». ^۲

نمونه تاریخی

وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله با پیروزی کامل وارد شهر مکه شد، عثمان بن طلحه را احضار کرد که کلیددار کعبه بود؛ سپس کلید را از او گرفت تا درون کعبه را از وجود بت‌ها پاک کند. پس از آن، عباس عموی پیامبر تقاضا کرد کلید خانه خدا را از او بگیرد و مقام کلیدداری بیت الله که در میان عرب مقامی برجسته و شامخ بود، به او سپرده شود؛ ولی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برخلاف این تقاضا، پس از تطهیر خانه کعبه از لوث بت‌ها، در خانه را بست و کلید را به عثمان بن طلحه برگردانید و آیه ادای امانت را تلاوت فرمود. ^۳

نکته: گاهی دیگران را به خیانت در امانت متهم می‌کنیم؛ آیا ما به امانت‌هایی که در اختیارمان قرار دارد، توجه داریم؟ در آنها خیانت نکرده‌ایم؟ امانت‌هایی مانند فرزندان، خانواده و....

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، مصحح: علی اکبر غفاری؛ قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۲. بیهقی، ابوبکر، دلائل النبوة، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۸ ق.
۳. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش.
۴. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش.
۵. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، تصحیح: صبحی صالح، چاپ اول، قم:

۱. نهج البلاغة، خطبة ۷۲.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۷۳.

۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۲۹.

هجرت، ۱۴۱۴ق.

۶. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرّسین حوزه علمیه، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.

۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.

۸. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.

۹. فیض کاشانی، محسن، المحجّة البیضاء، قم: اسلامی، ۱۴۱۷ق.

۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: نشر دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.

۱۱. متقی هندی، علاء‌الدین علی بن حسام‌الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.

۱۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۱۳. _____، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تصحیح: سید هاشم محلاتی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.

۱۴. مقریزی، تقی‌الدین، إمتاع الأسماع، بیروت: دار الکتب العلمیه، [بی‌تا].

۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.

۱۶. مولوی، جلال‌الدین، مشوی معنوی، تصحیح: نیکلسون، تهران: امیر کبیر، چاپ هشتم، ۱۳۶۱ش.

۱۷. واقدی، محمد بن سعد کاتب، الطبقات الکبری، تحقیق: عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.

مواسات و دغدغه مندی نسبت به درد و رنج دیگران با تأکید بر سیره امام حسن مجتبی علیه السلام

فرج الله میرعرب*

اشاره

جامعه در نگرش اخلاق اسلامی، یک خانواده است که همه اعضای آن مراقب احوالات هم هستند و خود را در برابر مشکلات و نگرانی‌های اعضای آن مسئول می‌دانند. در اخلاق اسلامی، اعضای خانواده با «مواسات» غمخوار، همدرد و دغدغه‌مند یکدیگرند که به این رفتار بسیار سفارش و توصیه شده است.

مواسات از ریشه «أسو» به معنای بخشیدن از مال خود و شریک کردن دیگران در داشته‌های خود است. مواسات از نظر مالی، زمانی است که شخص از کفاف (مورد نیاز) خود به کسی ببخشد؛ بنابراین اگر کسی افزون بر نیاز و کفاف خود داشته باشد و از آن به کسی بدهد، با اینکه نیکی و بخشش کرده است، مواسات نیست.^۱ مواسات در جامعه اسلامی همان است که رسول خدا ﷺ فرمود: «أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فِي تَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ بِمَنْزِلَةِ الْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ وَاحِدٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالْحَمَى وَالسَّهَرِ: مُؤْمِنَانِ مِنْهُمَا مَنْزِلَةٌ وَاحِدَةٌ وَوَاحِدٌ مِنْهُمَا مَنْزِلَةٌ وَاحِدَةٌ»^۲.

بنابراین انسان «مواسی» کسی است که با دیگران همدردی و همراهی دارد و در رنج و غم

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. محمد بن یعقوب فیروزآبادی، القاموس المحيط، ج ۴، ص ۲۹۹.

۲. محمد بن احمد قرطبی، تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۲۲۷.

دیگران واقعاً و با تمام وجود شریک است و با مال و جان از آنها دفاع می‌کند و میان خود و دیگران فرقی نمی‌گذارد. رهبر معظم انقلاب، مواسات را همراهی و کمک به مؤمنان در همه امور می‌داند^۱ و در بیانی مقصود خود را این‌گونه تبیین کرده‌اند: «مواسات یعنی هیچ خانواده‌ای از خانواده‌های مسلمان و هم‌میهن و محروم را با دردها و محرومیت‌ها و مشکلات خود تنها نگذاشتن، به سراغ آنها رفتن و دست کمک‌رسانی به سوی آنها دراز کردن. امروز این یک وظیفه جهانی برای همه انسان‌هایی است که دارای وجدان و اخلاق و عاطفه انسانی هستند؛ اما برای مسلمانان، علاوه بر اینکه یک وظیفه اخلاقی و عاطفی است، یک وظیفه دینی است».^۲

سعدی نیز گفته است:

بنی‌آدم اعضای یکدیگرند	که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار	دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی	نشاید که نامت نهند آدمی ^۳

اخلاص در مواسات

عمل ارزشمند مواسات همانند همه اعمال خیر باید برای رضای خدا انجام شود، وگرنه ارزشی ندارد. امام صادق علیه السلام از جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است: «سَيِّدُ الْأَعْمَالِ إِنْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ وَمَوَاسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ وَذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ: آقای اعمال [سه چیز است]: ۱. مراعات انصاف در ارتباط با مردم از جانب خود؛ ۲. مواسات با برادران در راه خدا و برای رضای او؛ ۳. یاد خدای عزوجل در همه احوالات».^۴

مواسات و دغدغه‌مندی رنج دیگران در قرآن

خداوند متعال در قرآن، همه مؤمنان را با هم برادر می‌خواند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...»^۵ و در تکمیل این رهنمود می‌فرماید: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ * لِلْسَّائِلِ وَالْمَحْزُومِ»؛^۶ یعنی

۱. امام خامنه‌ای، سخنرانی، ۱۳۸۶/۶/۳۱.

۲. امام خامنه‌ای، سخنرانی، ۱۳۸۱/۹/۱۵.

۳. مصلح‌الدین سعدی، گلستان، باب اول در سیرت پادشاهان، حکایت ۱۰.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۴۵.

۵. حجرات: ۱۰.

۶. معارج: ۲۴ - ۲۵.

مواسات و دغدغه مندی نسبت به درد و رنج دیگران با تأکید بر سیره امام حسن مجتبی علیه السلام ■ ۱۲۳

نمازگزاران واقعی کسانی هستند که نیازمندان درخواست‌کننده و محرومانی که توان سؤال ندارند، از دارایی آنان بهره و نصیبی دارند.

بنابراین سیرکردن گرسنه و همراهی با نیازمندان بر هر دارا و متمکنی واجب است. آیت‌الله جوادی آملی نوشته‌اند: «حال اگر کسی به تنهایی از گرسنگی تهیدستی باخبر بود، بر او واجب عینی است و اگر دیگران نیز بدانند، بر همه واجب کفایی است».^۱

اقسام مواسات

مواسات را به چند دسته کلی می‌توان تقسیم کرد؛ چنان‌که امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه «وَأَتُوا الزَّكَاةَ: زَكَاتٍ دَهْدٍ»،^۲ این دستور را برای مواسات و همدردی با نیازمندان دانسته‌اند و فرموده‌اند: «مِنَ الْمَالِ وَالْجَاهِ وَقُوَّةِ الْبَدَنِ: زَكَاتٍ رَأَى مِنْهُ بَدَنُ الْفَقِيرِ».^۳ امام حسن عسکری علیه السلام اقسام مواسات را در ادامه سخن خود توضیح داده‌اند که در ادامه بررسی می‌شود.

۱. مواسات در مال

حضرت عسکری علیه السلام در توضیح بیشتر و تبیین مصادیق می‌فرمایند: «فَمِنَ الْمَالِ مُوَسَاةُ إِخْوَانِكَ الْمُؤْمِنِينَ: زَكَاتٍ مَالِيٍّ أَنْ اسْتَغْنَى بِهَا بِرَادَرَانِ إِيْمَانِيٍّ خَوْصًا فِي نِيَّازِهِمَا مُوَسَاةً كُنْتَ».

۲. مواسات با آبرو و موقعیت اجتماعی

امام حسن عسکری علیه السلام درباره مواسات با آبرو فرموده‌اند: «وَمِنَ الْجَاهِ إِيصَالُهُمْ إِلَى مَا يَتَّقَا عُسْرَ عَنَتِهِ - لِيُضَفِّهِمْ عَنْ حَوَائِجِهِمُ الْمُتَرَدِّدَةِ فِي صُدُورِهِمْ: زَكَاتٍ مِنْ آبرُوٍّ وَمَقَامٍ اجْتِمَاعِيٍّ أَنْ اسْتَغْنَى بِهَا بِرَادَرَانِ إِيْمَانِيٍّ بِدَلِيلِ ضَعْفِهِمَا مِنْ رُسُودِهِمَا إِلَى خَوَائِصِهِمَا مُحْرُومِينَ، آبرُوٍّ وَمَقَاعِيَّتِهِمَا دَارِ مَاهِيٍّ غَاضِقَةٍ وَنِيَّازِهِمَا مِنْ رَادَرَانِ إِيْمَانِيٍّ بِأَبْرُوٍّ كُنْتَ».^۴

۳. مواسات با قدرت بدنی

امام عسکری علیه السلام قسم سوم مواسات را در حمایت با قدرت بدنی از ضعیفان دانسته‌اند: «وَبِالْقُوَّةِ مَعُونَةُ أَخٍ لَكَ قَدْ سَقَطَ حِمَاؤُهُ - أَوْ جَمَلُهُ فِي صَحْرَاءٍ أَوْ طَرِيقٍ، وَهُوَ يَسْتَغِيثُ فَلَا يَغَاثُ تُعِينُهُ حَتَّى

۱. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۶، ص ۱۷۷.

۲. بقره: ۴۳.

۳. التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، ص ۳۶۴.

۴. همان، ص ۳۶۵.

يَحْمِلَ عَلَيْهِ مَتَاعَهُ، وَ تُرْكِبُهُ [عَلَيْهِ] وَ تُنْهَضُهُ حَتَّى تُلْحَقَهُ الْقَافِلَةُ: زکات نیروی بدنی آن است که مؤمن به برادر ایمانی که توانایی خود را در حمل بارش [به عللی] از دست داده یا از قافله باز مانده است و ندا به فریادرسی بلند کرده، کمک کند تا او را به مقصدش برساند.^۱

جایگاه مواسات مالی در میان بخشش‌ها

یاری‌رساندن به دیگران دارای سه مرتبه است که هر یک عنوان خاص و ارزش متفاوتی دارد:
۱. کمک به نیازمندان از افزون بر نیاز خود؛ این نوع کمک، «انفاق»، «صدقه»، «سخاوت»، کرامت و امثال اینها نامیده می‌شود.

۲. شریک‌کردن نیازمندان با خویش و سهم‌کردن آنها در آنچه خود بدان نیازمند است؛ این نوع کمک‌رسانی، «مواسات» نامیده می‌شود.

۳. واگذاری همه آنچه خود بدان نیاز دارد به دیگران؛ این نوع کمک‌رسانی از بالاترین ارزش‌های اخلاقی برشمرده می‌شود و «ایثار» نام دارد.

مواسات و همدردی با مردم، دغدغه امام مجتبی علیه السلام

امام صادق علیه السلام تأکید نموده‌اند که در زمانه امام حسن علیه السلام، کسی چون ایشان دغدغه یاری‌رسانی به مردم را نداشته است.^۲ این ویژگی امام حسن علیه السلام به اندازه‌ای در صفحات تاریخ برجسته شده است که حتی در منابع اهل سنت بر آن تأکید می‌شود؛ چنان‌که ابن عساکر و سیوطی به تجلیل از حضرت به دلیل برخورداری از صفت بخشندگی و مواسات پرداخته‌اند.^۳ بر همین اساس از امام حسن علیه السلام در جایگاه کریم اهل بیت علیه السلام یاد می‌شود.

نمونه‌هایی از مواسات امام مجتبی علیه السلام با مردم

امام حسن مجتبی علیه السلام بسیار بخشنده بودند و برای رفع مشکلات مردم و کمک به نیازمندان و بدعکاران تلاش بسیاری کرده‌اند. ایشان به این حد نیز قانع نبودند و در طول زندگی دو مرحله تمامی ثروت و اموال خود را میان فقر و تهیدستان تقسیم کردند. حضرت تمام توان خویش را در

۱. همان.

۲. شیخ صدوق، امالی، ص ۲۴۴.

۳. ابوالقاسم علی بن حسن ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۳، ص ۲۴۴؛ جلال‌الدین سیوطی، تاریخ خلفاء، ص ۱۸۹.

راه انجام امور نیک و خدایندانه و مواسات با نیازمندان به کار می‌گرفت؛ به دلیل همین بخشندگی‌ها و کارهای نیکی که از سوی ایشان انجام می‌گرفت، آن حضرت را «کریم اهل بیت» لقب داده‌اند.^۱

در سبک زندگی این کریم زیباخصال، رفع نیاز فقیران و همراهی و همدردی با آنان در رفع مشکلات چنان مهم بود که فرموده‌اند: «گرامی‌ترین و باشخصیت‌ترین افراد، آن کسی است که به نیازمندان پیش از اظهار نیازشان کمک کند».^۲

نمونه‌های عملی اقدامات مواساتی امام علیه السلام

۱. پشتیبانی از فقیر تا رفع فقر

شخصی خدمت امام مجتبی علیه السلام رسید و عرض کرد: ای فرزند امیر مؤمنان، تو را به خدایی که به شما نعمت فراوان داده، به فریاد من برس؛ دشمنی ستمکار دارم که نه حرمت پیران را پاس می‌دارد و نه به خُردی صغیران رحم می‌کند. امام علیه السلام که تکیه داده بود، با شنیدن این سخن [چنان حالی پیدا کردند که] نشستند و فرمودند: «کیست این دشمن تا داد تو را از او بگیرم؟» او گفت: دشمن من فقر است. امام علیه السلام اندکی سر به زیر افکند و سپس سر برداشت، به خدمتکار خود فرمود: «آنچه مال نزد تو موجود است، بیاور». خدمتکار پنج هزار درهم آورد و به دستور امام علیه السلام به آن مرد داد. پس از رفع مشکل آن شخص، امام علیه السلام به او فرمود:

«بِحَقِّ هَذِهِ الْأَقْسَامِ الَّتِي أَقْسَمْتُ بِهَا عَلَيَّ مَتَى أَتَاكَ خَصْمُكَ جَائِرًا إِلَّا مَا أَتَيْتَنِي مِنْهُ مُتَّظِلًّا: به حق آن سوگندهایی که مرا به آنها سوگند دادی، هرگاه بار دیگر این دشمن ستمکارانه به تو حمله کرد، نزد من بیا و از ظلم او دادخواهی کن».^۳

این رفتار نشان می‌دهد امام حسن علیه السلام بدهکاری و گرفتاری مردم را همچون مشکل خود می‌پنداشتند و با تمام توان در پی رفع آنها بودند. از دیدگاه اخلاق اسلامی، این رفتار نهایت مواسات است.

۲. اهمیت دادن به آبروی نیازمند

به‌روشنی مشخص است که فرد نیازمند آبرومند در هیچ شرایطی حاضر نیست آبروی خود را با

۱. باقر شریف قرشی، زندگانی امام حسن علیه السلام، ص ۱۳۵.

۲. ابراهیم بن محمد بیهقی، المحاسن و المساوی، ص ۵۶.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۵۰.

عرض حاجت نزد دیگران خدشه‌دار کند؛ از این‌رو در سبک زندگی اهل بیت علیهم‌السلام اگر کسی حاضر به اظهار نیاز نزد آنان می‌شد، مراقب آبروی او بودند و از آسیب به شخصیت او پیشگیری می‌کردند. بر اساس همین سبک زندگی، کریم اهل بیت علیهم‌السلام برای اینکه با نیازمندی که از ایشان کمک خواسته بود، رودرو نشوند و او شرم‌نده نشود، فرمود: «آنچه می‌خواهی را در نامه‌ای بنویس و برای ما بفرست تا نیازت برآورده شود». آن مرد نیازهای خود را در نامه‌ای نوشت و برای امام علیه‌السلام فرستاد. حضرت نیز آنچه را خواسته بود، برایش فرستاد. شخصی که در آنجا حضور داشت، به امام عرض کرد: «به‌راستی چه نامه پربرکتی برای آن مرد بود». امام در پاسخ او فرمود: «برکت این کار برای من بیشتر بود که سبب شد شایستگی انجام این کار نیک را داشته باشم؛ زیرا بخشش راستین آن است که بدون درخواست شخص، نیازش را برآوری؛ ولی اگر آنچه خواسته است را به او بدهی، درواقع قیمتی است که برای آبرویش پرداخته‌ای»^۱.

۳. رفع مشکل بدون درخواست

امام حسن علیه‌السلام درد جامعه داشت و مراقب بود در حد توان رنج مردم کم شود. روزی امام حسن علیه‌السلام در مسجدالحرام نشسته بود که متوجه شد فردی در مناجات خود از خداوند می‌خواهد ده‌هزار درهم روزی او کند. امام علیه‌السلام با شنیدن نیاز او، گویا خودش به مشکل برخوردده است؛ از این‌رو بی‌درنگ برخاست، به خانه رفت، ده‌هزار درهم فراهم کرد و برای آن مرد فرستاد. آن مرد پول را گرفت و مشکل خود را رفع کرد، بدون آنکه بداند چه کسی برای او این همه پول را فرستاده است.^۲

۴. خروج از حال عبادت برای رفع نیاز مردم

ابن عباس از صحابه پیامبر و از یاران امام حسن علیه‌السلام می‌گوید با امام حسن مجتبی در مسجدالحرام معتکف بودیم. در همان حال اعتکاف، طواف خانه کعبه انجام می‌دادیم که یکی از شیعیان و دوست‌داران حضرت خدمت ایشان آمد و گفت: من طلبکاری دارم که تهدید کرده اگر بدهی مرا ندهی، تو را به حبس خواهیم انداخت و من هم پولی ندارم. ابن عباس می‌گوید: امام حسن طواف را رها کرد و قصد خارج شدن از مسجدالحرام کرد؛ رو به امام کردم و گفتم: فراموش کردید که شما معتکف هستید و نمی‌توانید از مسجدالحرام خارج شوید. ایشان فرمود:

۱. ابراهیم بن محمد بیهقی، المحاسن و المساوی، ص ۵۵.

۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۷؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۴۱.

«متوجه هستیم که در حال اعتکاف، اما از جدم رسول الله ﷺ شنیدم که فرمود: هر کسی حاجت برادر مؤمن خود را برآورده کند، مانند آن است که خدای بزرگ را نه هزار سال عبادت کرده است، درحالی که روزها را روزه و شبها را به عبادت پرداخته است».^۱

این نوع دل‌سوزی نشان می‌دهد در اندیشه امام مجتبی علیه السلام بدهکاری و گرفتاری مردم، گرفتاری خود ایشان بود و ایشان برای رفع رنج و غصه مردم هیچ نوع کوتاهی را روا نمی‌دانستند.

۵. مواسات و همراهی بر اساس نوع نیاز

روزی خلیفه سوم در مسجد مدینه نشسته بود که مرد فقیری وارد نزد او رفت و درخواست کمک کرد. عثمان به او پنج درهم داد. آن مرد نگاهی به سکه‌ها کرد و گفت: «مرا نزد کسی راهنمایی کن [که کمک بیشتری کند]». عثمان او را نزد امام مجتبی علیه السلام فرستاد که همراه حسین علیه السلام و عبدالله بن جعفر نشسته بودند و گفت: نزد آن چند جوان برو و از آنها کمک بخواه. فقیر نزد آنها رفت و نیاز خود را بیان داشت. امام حسن علیه السلام برای نمایاندن جنبه‌های تربیتی بخشش، از مرد پرسید: «إِنَّ الْمُسْأَلَةَ لَا تَحِلُّ إِلَّا فِي إِحْدَى ثَلَاثٍ دِمٌّ مُقْجِعٌ أَوْ دَيْنٌ مُقْرِحٌ أَوْ فَقْرٌ مُدْقِعٌ فَفِي أَيِّهَا تَسْأَلُ؟» کمک‌خواستن از دیگران، تنها در سه مورد رواست: ۱. خون‌بهایی به گردن انسان باشد [و توان پرداخت آن را نداشته باشد]؛ ۲. بدهی سنگینی داشته باشد [و از عهده پرداخت آن برنیاید]؛ ۳. در مانده‌ای باشد [که دستش به جایی نرسد]. تو کدام‌یک از این سه دسته هستی؟»

مرد فقیر سبب نیازمندی خود را بیان کرد. امام حسن علیه السلام پنجاه دینار طلا به او بخشید. امام حسین علیه السلام به پیروی از ایشان و نیز رعایت جایگاه امامت، ۴۹ دینار و عبدالله بن جعفر نیز با همین انگیزه ۴۸ دینار به او کمک کردند. عثمان با دیدن این جریان گفت: این خاندان، کانون علم، حکمت و سرچشمه همه نیکی‌ها هستند.^۲

این رفتار نشان می‌دهد مواسات و همراهی حقیقی باید به رفع کامل مشکل نیازمند بینجامد، نه آنکه چون روش خلیفه، با کمک ناچیز او را آواره خانه‌ها کنیم و واداریم نزد افراد متعدد دست نیاز دراز کند و آبرویش را بر باد دهد.

۶. مواسات با برادر در اهدای فرزند برای شهادت

امام مجتبی علیه السلام نه تنها به فکر همدردی با نیازمندان و رنج‌دیدگان بود، بلکه در حیات خود به فکر

۱. عزیزالله عطاردی، مسند الامام المجتبی، ص ۶۷۲.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۳۳.

روز تنهایی و بی‌یآوری برادرش حسین علیه السلام نیز بود. او ده سال قبل از فرارسیدن عاشورا، نامه‌ای به فرزندش قاسم داد تا در کربلا بتواند با برادرش مواسات کند و در کنار او باشد. حضرت قاسم که نوجوان بود، در عاشورا از عمویش حسین علیه السلام خواست به او نیز مانند علی اکبر علیه السلام اجازه دهد تا او را کمک کند و جانش را فدای عمو جانش کند، اما امام حسین علیه السلام قبول نکرد. او بسیار ناراحت شد و گریه کرد که چرا یاران و پسران عمویش شهید شدند، ولی من محروم مانده‌ام؛ به‌ناگاه یاد نوشته‌ای افتاد که پدرش امام حسن مجتبی علیه السلام به بازویش بسته و فرموده بود: «هرگاه بسیار غمگین شدی، آن را باز کن و بخوان و به آنچه در آن نوشته شده است، عمل کن». او با خود گفت سال‌ها از عمر من گذشته و هرگز چنین ناراحت و غمگین نشده‌ام؛ پس نوشته را از بازوی خود باز کرد و در آن خواند:

«فرزندم قاسم، تو را سفارش می‌کنم هرگاه در کربلا دیدی که دشمنان، عمویت حسین علیه السلام را محاصره کرده‌اند و قصد جان او را دارند، لحظه‌ای درنگ نکن و با دشمنان خدا و دشمنان رسولش جهاد کن و از ایثار جان خویش دریغ مکن. اگر عمویت به تو اجازه رفتن به میدان رزم نداد، التماس و اصرار کن تا رضایت و اجازه او را به دست آوری و سعادت و خوشبختی همیشگی را برای خود تأمین کنی».

حضرت قاسم پس از خواندن نامه، سریع از جای خود برخاست و شتابان به سوی عموی مظلومش امام حسین علیه السلام آمد و با گریه، آن نوشته را تقدیم عمویش کرد. چون امام حسین علیه السلام گریه ملتسمانه برادرزاده و نوشته برادر خویش را مشاهده کرد، گریست و سپس نفس عمیقی کشید و فرمود:

«برادرزاده عزیزم قاسم، این سفارش پدرت را می‌پذیرم؛ آن‌گاه او را نزد عون - پسر عمه‌اش - و عمویش حضرت ابوالفضل العباس برد. از آنجاکه زره و کلاه خود به اندازه او نبود، از خواهرش زینب پیراهنی تمیز گرفت و بر اندام قاسم پوشاند و عمامه‌ای بر سرش بست و بعد از آن، او را روانه میدان کرد.

حضرت قاسم مقابل فرمانده لشکر عمر سعد رفت و بانگ زد: آیا از غضب و خشم خدا نمی‌ترسی که با عمویم حسین علیه السلام چنین کارزار می‌کنی؟! آیا از رسول خدا شرم و حیا نمی‌کنی؟! عمر سعد ملعون گفت: مطیع امر یزید شوی تا از شما دست برداریم.

حضرت قاسم فرمود: خداوند تو را بدبخت کند، تو چگونه مدعی اسلام هستی، درحالی‌که با آل رسول جنگ می‌کنی؟!

قاسم که از پندپذیری آنان ناامید شد، به لشکر حمله کرد و عده‌ای را به هلاکت رسانید؛ اما

آنان اطراف وی را محاصره کردند و هر کسی ضربه‌ای از تیر، شمشیر و سنگ بر آن نوجوان عزیز زد که در نهایت به فیض شهادت نایل آمد.^۱

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، نجف اشرف: مطبعة حیدریه، ۱۳۷۶ ق.
۲. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق: علی شیر، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۳. _____، ترجمة الإمام الحسن عليه السلام، تحقیق: محمدا باقر محمودی، بیروت: مؤسسة المحمودی، ۱۴۰۰ ق.
۴. بحرانی، سیدهاشم، مدینه المعاجز، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
۵. بیهقی، ابراهیم، المحاسن و المساوی، بیروت: دارالکتب العلمیه، [بی تا].
۶. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم: مؤسسه اسرا، ۱۳۸۹ ق.
۷. صدوق، محمد بن علی، امالی، قم: مؤسسه بعثت، ۱۴۱۷ ق.
۸. عطاردی، عزیزالله، مسندالامام المجتبی، تهران: عطارد، ۱۳۷۳ ش.
۹. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت: دارالعلم، [بی تا].
۱۰. قرشی، باقر شریف، زندگانی امام حسن عليه السلام، ترجم: فخرالدین حجازی، تهران: بعثت، ۱۳۷۶ ش.
۱۱. قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر قرطبی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۲ ش.
۱۳. مجلسی، محمدا باقر، بحار الانوار، تهران: اسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۱۴. منسوب به امام حسن عسکری عليه السلام، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری عليه السلام، قم: مدرسه امام مهدی عليه السلام، ۱۴۰۹ ق.

۱. سیدهاشم بحرانی، مدینه المعاجز، ج ۳، ص ۳۶۶-۳۶۷، ح ۹۳۱.

امام رضا علیه السلام و ترویج فرهنگ گفتگو؛ راهبردی برای کاهش تنش های اجتماعی

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمیدرضا مطهری *

اشاره

گفتگو با مخالفان، راهبردی مهم در کاهش تنش های اجتماعی شناخته شده است؛ به همین دلیل در سیره معصومان نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. این مهم در سیره امام رضا علیه السلام نیز از فراوانی خاصی برخوردار است. نوشتار حاضر بر آن است تا ضمن بررسی این موضوع در سیره رضوی علیه السلام، به این پرسش پاسخ دهد که گفتگو با گروه های مختلف چه جایگاهی در سیره امام رضا علیه السلام داشت؟ و چه راهکارهایی در گفتگوهای آن حضرت به کار رفته است؟ در پاسخ، این فرضیه مطرح می شود که امام رضا علیه السلام ضمن توجه به گفتگوهای درون دینی مانند گفتگو با برخی سران و پیروان واقعی و نیز متکلمان بعضی از فرقه های اسلامی مانند سلیمان مروزی و گفتگوهای برون دینی (بین الادیانی) مانند گفتگو با رأس الجالوت و جاثلیق و عمران صابنی، از راهکارهایی مانند تکریم و مهرورزی، دوری از تعصب، رعایت حقوق برابر و احترام به دیدگاه دیگران بهره برده اند و از این روش برای کاهش تنش های اجتماعی استفاده می کردند.

مقدمه

یکی از مهم ترین اقدامات امام رضا علیه السلام، توجه آن حضرت به گفتگو با افراد و جریان های مختلف است. اهمیت این رفتار حضرت ثامن الحجج زمانی بهتر مشخص می شود که نقش این اقدام در کاهش تنش ها و بحران های اجتماعی و اثر آن در ایجاد همگرایی تبیین گردد. نوشتار پیش رو درصدد است به این پرسش پاسخ دهد که امام علی بن موسی الرضا علیه السلام چگونه از گفتگو در جایگاه راهکاری برای کاهش تنش های اجتماعی بهره می بردند؟ این مهم نیز محقق نمی شود

مگر با شناخت وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن دوران و تبیین متناسب سیره رضوی علیه السلام در بستر تاریخی آن.

دوران امام رضا علیه السلام از نظر سیاسی هم‌زمان با ایجاد شکاف و اختلاف در دستگاه خلافت عباسی بود. هارون الرشید (۱۷۰ - ۱۹۴) که سه تن از فرزنداناش (امین، مأمون و مؤتمن) را به ترتیب و با تعیین قلمرو حاکمیت، ولیعهد خود تعیین کرده بود، در شرایطی از دنیا رفت که برای سرکوب شورشی به خراسان رفته بود؛ در حالی که امین جانشین او در بغداد بود و فرزند دیگر و ولیعهد دومش (مأمون) همراه او در خراسان بود. با مرگ هارون، اختلاف و درگیری میان فرزندان او آغاز شد و سرانجام با کشته‌شدن امین به دست مأمون پایان یافت.^۱ مأمون که با کشتن برادرش امین، پایگاه خود را در میان خاندان عباسی از دست داده بود، مرکز خلافت را از بغداد به مرو منتقل کرد و برای به‌دست‌آوردن پایگاهی در بین ایرانیان و نیز همراه‌کردن علویان با خود و خاموش‌کردن قیام‌های علویان، اقدامات دیگری انجام داد. مهم‌ترین اقدام او در این زمان، احضار امام رضا علیه السلام از مدینه به مرو و پیشنهاد خلافت و سپس ولایت‌عهدی به ایشان بود که امام علیه السلام با وجود میل باطنی و به‌اجبار آن را پذیرفت. اما برای آن شرایطی تعیین کرد که به نوعی به معنای نفی مشروعیت عباسیان بود؛ بنابراین از جهت سیاسی وضعیت آشفته‌ای در قلمرو عباسیان دیده می‌شود.

از نظر فرهنگی نیز این دوره متفاوت از دوران گذشته بود؛ از یک‌سو افکار و اندیشه‌های مختلف بر اثر نهضت ترجمه وارد جامعه اسلامی شد و از سوی دیگر برخی انحراف‌ها در میان شیعیان مانند واقفیه نیز ضربه جبران‌ناپذیری بود که اصلاح آن به‌سادگی ممکن نبود. پس از شهادت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، گروهی از پیروان آن حضرت به تبعیت از برخی وکیلانی که اموالی از امام در اختیار داشتند و نمی‌خواستند آن را به جانشین آن حضرت بدهند،^۲ شهادت آن حضرت و به دنبال آن امامت حضرت رضا علیه السلام را انکار کردند و امام کاظم علیه السلام را همان امام

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ الرسل والملوک، ج ۸، ص ۴۷۲ - ۴۸۹؛ ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۳۱۹ - ۳۳۴.

۲. شکل‌گیری جریان انحرافی واقفیه علل متعدد اقتصادی، فرهنگی و اعتقادی داشت که سبب انکار شهادت امام کاظم و انکار امامت امام رضا علیه السلام و ترویج اعتقاد مهدویت امام کاظم علیه السلام توسط گروهی از منحرفان گردید. برای اطلاع از علل و پیامدهای شکل‌گیری واقفه، ر.ک: ریاض محمد حبیب ناصری، الواقفیه: دراسة تحليلية؛ نیز: محمدرضا جباری، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام.

قائم دانستند.^۱ قسمتی از وقت امام رضا علیه السلام صرف گفتگو با اینان شد. درواقع امام علیه السلام خطر واقعه را برای جامعه به خوبی دریافته بود و به دنبال رفع آن بودند و تدابیر خاصی برای مواجهه با آنان در پیش گرفتند که یکی از آنها گفتگو با سران و پیروان واقعه بود.

از سوی دیگر، افکار و اندیشه‌های انحرافی به علل مختلف از جمله نهضت ترجمه در جامعه گسترش یافته بود. نهضت ترجمه که در عصر اول عباسیان شکل گرفت، در دوره هارون و مأمون به اوج رسید و افکار ملت‌های دیگر را وارد سرزمین‌های اسلامی کرد. برخی از این افکار در پیوستگی با اندیشه‌های عقل‌گرایی مانند معتزله سبب رواج برخی افکار و اندیشه‌های انحرافی مانند اعتقاد به خلق قرآن گردید که از دوران امام رضا تا دوران امام هادی علیه السلام همواره یکی از پرسش‌های جامعه مسلمانان از ائمه بود. جریان فرهنگی و اجتماعی دیگری که در این دوران رواج یافت و البته ریشه آن به دوران پیش از امام رضا علیه السلام بازمی‌گشت، جریان زندقه بود که جامعه مسلمانان را تهدید می‌کرد. تحركات فرقه‌های انحرافی مانند غالیان را نیز باید بر این موارد افزود.

امام رضا علیه السلام در چنین فضایی، روش گفتگو با دیگران را در پیش گرفتند و با این شیوه بسیاری از تنش‌های اجتماعی را برطرف کردند. این گفتگوها از ابعاد مختلف از جمله مخاطبان و نیز راهکار و ابتکار امام دارای اهمیت هستند که نوشتار پیش‌رو در پی تبیین این دو نکته است.

الف) مخاطبان

گفتگوهای امام رضا علیه السلام از جهت مخاطبان را در دو دسته کلی می‌توان تبیین کرد: گفتگوهای درون‌دینی؛ گفتگوهای برون‌دینی.

گفتگوهای درون‌دینی مانند گفتگوهای امام با واقفیه برای رفع این انحراف و کاستن از تنش ایجادشده از سوی آنان در میان شیعیان و نیز گفتگو با برخی از اندیشمندان اهل سنت مانند گفتگو با سلیمان مروزی از متکلمان خراسان.

واقفیه به این دلیل دارای اهمیت است که این جریان درون جامعه شیعه و آن هم از سوی افرادی شکل گرفت که منسوب به امام کاظم علیه السلام بودند.^۲ این نکته در کنار آشنایی برخی سران واقفیه با روایات اهل بیت علیهم السلام و امامان پیشین از یک‌سو و نیز تفسیر و کلام و فقه از سوی دیگر

۱. محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۵۶.

۲. محمدرضا جباری، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، ص ۶۴۴.

سبب می‌شد آنها در جذب برخی شیعیان و انحراف جامعه شیعی موفق باشند و آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر مهم‌ترین تشکیلات امامیه یعنی وکالت وارد شود.

امام رضا علیه السلام مانند تمام جریان‌های فکری، فرهنگی و سیاسی با واقفیان نیز از در گفتگو درآمدند و کوشیدند با استدلال عقلی و نقلی آنان را از مسیر انحراف بازدارند و مسیر درست را به آنان بنمایانند. امام علیه السلام با توجه به خطر بزرگی که از ناحیه اینان، کیان تشیع را تهدید می‌کرد، در همان دروان آغازین امامت خود که هم‌زمان با خلافت هارون الرشید بود و با وجود خطرهایی که آن حضرت را تهدید می‌کرد، بدون تقیه امامت خود را اظهار می‌کردند.^۱ امام رضا علیه السلام با توجه به خطر این گروه تا پایان عمر شریفشان به جلوگیری از این انحراف توجه ویژه داشتند؛ زمانی که در مدینه بودند و آن‌گاه که در مرو حضور داشتند و حتی در مسیر مدینه به خراسان، از راهنمایی افراد برای دوری از واقفیان غافل نبودند؛ چنان‌که در مسیر خراسان شخصی به نام جعفر بن محمد نوفلی از امام درباره واقفیه پرسیدند و امام پاسخ او را دادند.^۲ حسین بن علی و شاء نیز از واقفیان بود^۳ که پس از دیدار با امام رضا علیه السلام و گفتگو با آن حضرت از اندیشه واقفیان روی گردان شد، به امام رضا علیه السلام پیوست و پس از آن حضرت نیز همواره در کنار امامان بعدی بود. بر اساس گزارش ابن شهر آشوب، امام رضا علیه السلام او را به مرو فراخواند و از مرگ علی بن حمزه بطائنی و سرنوشت او و احوالش در قبر خبر داد. همین گفتگو بازگشت حسن بن و شاء را به دنبال داشت و او از یاران امام رضا علیه السلام و امامان بعدی شد.^۴ گفتگوهای امام رضا علیه السلام برای حل بحران واقفه به اندازه‌ای بود که محمد بن عیسی یقطینی از پانزده هزار مسئله در این باره یاد می‌کند.^۵ افراد متعددی با گفتگوی امام رضا علیه السلام از واقفیان فاصله گرفتند. حسین بن بشار از یاران امام کاظم علیه السلام بود که شهادت ایشان و امامت حضرت رضا علیه السلام را قبول نداشت، اما با گفتگوی حضرت ثامن الحجج علیه السلام از اندیشه نادرستش بازگشت.^۶ این گفتگوها در رفع تنش‌های اجتماعی بسیار اثرگذار بود.

گفتگوهای برون‌دینی مانند گفتگو با سران و نمایندگان یهودیان، مسیحیان، زردشتیان و

۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۳۱.

۲. همان، ص ۲۳۳.

۳. محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۷۱.

۴. محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۳۷.

۵. محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۷۳.

۶. محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، ج ۱، ص ۴۵۰، ح ۸۴۷.

صابینان که برای دوری از تکرار و تفصیل، در ادامه مقاله و در ضمن راهکارهای امام علیه السلام بدان‌ها اشاره خواهد شد.

ب) راهکارهای امام در گفتگو

امام رضا علیه السلام در گفتگوهای خود با افراد و گروه‌های مختلف از روش‌ها و نوآوری‌های خاصی بهره می‌گرفتند و همین روش‌ها افزون بر بیشترکردن اثرگذاری آن گفتگوها، از تنش‌های احتمالی جلوگیری می‌کرد. امام در گفتگوهای خود ضمن احترام گذاشتن و تکریم طرف مقابل، از روش‌های متفاوتی مانند استفاده از باورها و اعتقادات طرف مقابل، تحمل باورهای دیگران، گوش دادن به سخن مخالفان و استفاده از دلیل عقلی بهره می‌بردند.

تکریم و مهرورزی

یکی از مهم‌ترین راهبردها برای کاهش تنش اجتماعی، تکریم و مهرورزی در برابر مخالفان است. هرگاه انسان در مواجهه با افراد مختلف به‌ویژه مخالفان پا را از دایره انصاف فراتر نگذارد، ادب را رعایت کند و از در تکریم و مهر ورزی وارد شود، می‌تواند امیدوار به همراهی طرف مقابل و به دنبال آن کاهش تنش اجتماعی باشد. امام رضا علیه السلام که همانند اجداد طاهرینش الگوی کاملی برای رهبری جامعه بودند، همواره در گفتگوهای خود به تکریم افراد و گروه‌های مختلف توجه داشتند. ایشان نه تنها به کسی توهین نکردند، بلکه همواره افراد را از آن برحذر می‌داشتند. تمسخر و به‌کارگیری الفاظ نامناسب در سیره رضوی جایی نداشت و از آن به‌شدت نهی می‌کردند و همین مسئله یکی از رموز موفقیت آن حضرت بود. ابراهیم بن عباس می‌گوید هرگز ندیدم امام رضا علیه السلام در گفتگو با کسی درشتی کند یا کلام او را قطع کند.^۱ امام علیه السلام حتی طرف مقابل را نیز به پیروی از همین شیوه توصیه می‌کردند؛ چنان‌که در گفتگو با عمران صابنی پیش از مناظره فرمودند: «ای عمران، هرچه می‌خواهی بپرس؛ اما انصاف را فروگذار مکن و از سخن بیهوده و باطل برحذر باش».^۲ هنگامی که سلیمان مروزی در مناظره با امام رضا علیه السلام از پاسخ‌گویی عاجز شد و نتوانست پاسخ درستی بدهد، حاضران در مجلس او را به تمسخر گرفتند و خندیدند؛ اما آن حضرت ضمن دعوت حاضران به حفظ آرامش مجلس، سلیمان

۱. محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۶۰.

۲. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۱۶۸.

مروزی را تکریم کردند و فرمودند: «إِزْفُتُوا بِمُتَكَلِّمِ خَرَّاسَان».^۱ امام علیه السلام با این کلام هم او را تکریم کردند و جایگاه او را به عنوان متکلم خراسان بالا بردند و هم آرامش را به او برگرداند تا با آرامش بهتر سخن بگوید. امام رضا علیه السلام حتی به رفتار مأمون با سلیمان نیز واکنش نشان دادند؛ هنگامی که مأمون با دیدن تناقض‌گویی‌های سلیمان، سخن او را قطع کرد و زبان به ملامت او گشود، امام علیه السلام از سلیمان خواست سخن خود را ادامه دهد.^۲ این رفتار امام و احترام او به طرف مقابل و حتی واکنش آن حضرت به رفتار نامناسب برخی حاضران در مجلس، به طور طبیعی همراهی بهتر و بیشتر طرف گفتگو را به دنبال داشت و سبب کاهش تنش‌های اجتماعی می‌شد.

رعایت حقوق برابر

یکی از مهم‌ترین نکات اثرگذار در گفتگو، نداشتن احساس تبعیض و نابرابری از سوی مخاطب است؛ همان شیوه‌ای که امیرالمؤمنین علیه السلام در حالی که قرار بود با فردی عادی در برابر قاضی قرار گیرد و قاضی او را با عنوان خاص و طرف مقابل را بدون چنان احترامی صدا زد، امیرالمؤمنین علیه السلام لب به اعتراض گشود و خواهان برابری حتی در خطاب شد و همین اقدام امیرالمؤمنین، سبب گرایش او به اسلام گردید.

امام رضا علیه السلام نیز در گفتگوهای خود به همین نکته را توجه می‌کردند؛ چنان‌که حتی مأمون خلیفه عباسی را از دخالت در مناظره با سلیمان مروزی بر حذر داشتند.

گوش دادن به سخن مخالف و تحمل دیدگاه و باورهای دیگران

یکی از مهم‌ترین راهکارها برای کاهش تنش در جامعه، احترام گذاشتن به باورهای مخالفان و گوش دادن به سخن طرف مقابل است. امامان شیعه افزون بر اینکه همواره بر این روش عمل می‌کردند، به دیگران نیز توصیه می‌نمودند؛ به گونه‌ای که حتی مخالفان اهل بیت علیهم السلام نیز بدان اعتراف می‌کردند. مفضل بن عمر از یاران امام صادق علیه السلام در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله با گفتگوی ابن ابی‌العوجاء و یارانش درباره خدا و پیامبر مواجه شد و به شدت بر آنها عصبانی شد و بر سر آنها فریاد کشید؛ اما ابن ابی‌العوجاء ضمن دعوت از او به مناظره، گفت: «اگر از یاران جعفر بن محمد هستی، او هرگز با ما چنین سخن نمی‌گوید و مانند تو با ما مجادله نمی‌کند. او بیش از آنچه تو از ما شنیدی، سخنان ما را شنیده است؛ ولی در گفتگو با ما هرگز دشنام نمی‌دهد و در

۱. شیخ صدوق، التوحید، ص ۴۴۶.

۲. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۱۸۳.

پاسخ به ما تعدی نکرده است. او باوقار و بردبار و عاقل و استوار است. به سخنان ما گوش می‌دهد و به دلیل ما توجه می‌کند تا سخنان خود را به طور کامل می‌گوییم و گمان می‌کنیم او را مغلوب کرده‌ایم. آن‌گاه او حجت ما را با دلیلی ساده و خطایی کوتاه باطل می‌سازد و ما را به دلیل خود ملزم می‌کند و ما نمی‌توانیم پاسخ او را بدهیم. اگر تو از یاران او هستی، مانند او سخن بگو.^۱ این شیوه امام صادق علیه السلام در سیره امام رضا علیه السلام نیز مشاهده می‌شود؛ چنان‌که در گفتگو با سلیمان مروزی که در پاسخ امام به تناقض گویی افتاده بود، نه تنها او را تحقیر نکرد، بلکه با حوصله به سخن او گوش دادند و دیگران را نیز بدان توصیه کردند.^۲

دوری از تعصب

یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین راهکارها در مناظره‌ها و گفتگوها، دوری از تعصب است. هرگاه کسی بدون توجه به استدلال و از روی تعصب بر مطلبی پافشاری کند، راه را بر علم و دانش و عقل‌گرایی و هم‌گرایی اجتماعی می‌بندد؛ درحالی‌که دین اسلام و امامان معصوم همواره از آن نهی کرده‌اند و در رفتار خود نیز آن را نشان می‌دادند. نگاهی به مناظره‌ها و گفتگوهای امام رضا علیه السلام نشان می‌دهد ایشان در گفتگو با پیروان ادیان و مذاهب نه تنها تعصبی نداشتند، بلکه حتی در مقابل آنان به تعالیم موجود در آثار خودشان استدلال می‌کردند. حضور رأس‌الجالوت به نمایندگی از یهودیان، جاثلیق مسیحی با عنوان نماینده مسیحیان، هیربد بزرگ موبدان زردشتی و عمران صابی نماینده صابیان و نیز پیروان مذاهب اسلامی نشان بارزی از نداشتن تعصب امام در برابر آنهاست و این مسئله نقش کم‌نظیری در کاستن از تنش‌های اجتماعی دارد؛ به‌ویژه آنکه امام افزون بر رهبری معنوی مسلمانان، ولایت‌عهدی خلافت را نیز عهده دار بودند و اگرچه این مقام برای امام هیچ ارزش و آورده‌ای نداشت، اما در نظر مردم منصبی رسمی و حکومتی بود و بهادادن به آنان در هم‌گرایی اجتماعی بسیار اثرگذار بود. درواقع امام رضا علیه السلام بنیان‌گذار گفتگوی بین‌الادیانی بودند و در این راستا دقیق و حساب‌شده برای کاستن از تنش‌های اجتماعی قدم برداشتند. این اقدام امام رضا علیه السلام و توجه به پیروان دیگر ادیان به گونه دیگری نیز در سیره آن حضرت نمود یافته است؛ چنان‌که نامه‌ای از نیشابور به دست مأمون رسید که در آن از

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۵۷ - ۵۸؛ حمیدرضا مطهری، زندقه در سده‌های نخستین اسلامی،

ص ۲۳۲.

۲. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۱۸۸.

وصیت یک فرد زردشتی درباره ثروتش خبر داده بود؛ مردی زردشتی از دنیا رفته و وصیت کرده بود اموالش بین فقیران تقسیم شود و قاضی آن را میان فقیرای مسلمان تقسیم کرده بود. مأمون از امام رضا علیه السلام درباره آن پرسید و امام فرمود فرد زردشتی به مسلمان صدقه نمی‌دهد و باید دستور دهی به همان اندازه از بیت‌المال مسلمانان بردارند و بین فقیران زردشتی تقسیم کنند.^۱ این دستور امام رضا علیه السلام به طور طبیعی نه‌تنها تنش‌زدایی می‌کند، بلکه در ایجاد هم‌گرایی اجتماعی بسیار اثرگذار است.

کتاب‌نامه

قرآن

۱. ابن‌شهر آشوب، ابوجعفر محمد بن علی، مناقب آل ابی‌طالب، تصحیح: محمدحسین آشتیانی و سیدهاشم رسولی محلاتی، ج ۱، قم: نشر علامه، ۱۳۷۹ ق.
۲. جباری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، ج ۲، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲ ش.
۳. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، التوحید، تصحیح: هاشم حسینی طهرانی، ج ۱، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۷۴ ش.
۴. _____، الخصال، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، ج ۱، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۵. _____، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تصحیح: حسین اعلمی، ج ۱، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ ق.
۶. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث، [بی‌تا].
۷. طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، تصحیح: حسن مصطفوی، ج ۱، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق.
۸. _____، کتاب الغیبة للحجة، تصحیح: عبادالله تهرانی و علی‌احمد ناصح، ج ۱، قم: دارالمعارف الاسلامیة، ۱۴۱۱ ق.
۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.

۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸.

امام رضا علیه السلام و ترویج فرهنگ گفتگو؛ راهبردی برای کاهش تنش‌های اجتماعی ■ ۱۳۹

۱۰. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، چ ۱، بیروت: المكتبة العصرية، ۱۴۲۵ ق.

۱۱. مطهری، حمیدرضا، زندقه در سده‌های نخستین اسلامی، چ ۲، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷ ش.

۱۲. ناصری، ریاض محمد حبیب، الواقفیه: دراسة تحليلية، چ ۱، مشهد: کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.

پیاده روی اربعین فرصتی بی نظیر برای تبلیغ جهانی اسلام

حجت الاسلام والمسلمین محسن اصغری *

حجت الاسلام والمسلمین مسلم موحدی راد **

اشاره

پیاده روی اربعین، به عنوان یکی از بزرگ ترین تجمعات دینی در جهان اسلام، هر ساله در ایام اربعین امام حسین علیه السلام در کربلا برگزار می شود. زائران از شهرهای مختلف عراق، ایران و دیگر نقاط جهان به سمت کربلا حرکت می کنند. این رویداد تنها یک مراسم مذهبی نیست؛ بلکه یک حرکت فرهنگی، اجتماعی و در عین حال تبلیغی برای نشر آموزه های غنی اسلام و فرهنگ عاشورا به شمار می آید.

این رویداد فرصتی بی نظیر برای ترویج ارزش های انسانی و اخلاقی اسلام فراهم می آورد. از طریق این تجمع عظیم، زائران نه تنها به تجدید بیعت با آرمان های امام حسین علیه السلام می پردازند، بلکه پیام های عدالت، ایثار و آزادی را نیز به گوش جهانیان می رسانند. از سوی دیگر پیاده روی اربعین ظرفیت بالایی برای ایجاد گفتگو و تبادل نظر میان مسلمانان از ملیت ها و مذاهب مختلف دارد. به همین دلیل، پیاده روی اربعین فراتر از یک مراسم مذهبی، تبدیل به جریانی پویا و تأثیرگذار در عرصه های فرهنگی و اجتماعی شده است

اهمیت و جایگاه زیارت اربعین

زیارت اربعین امام حسین علیه السلام یکی از بزرگ ترین تجمعات معنوی و مذهبی در جهان اسلام

* مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم و دانش پژوه سطح ۴ مؤسسه بین المللی مطالعات اسلامی:

Mohsen.asghari@chmail.ir

** دانش پژوه سطح چهار مشاوره اسلامی، گرایش خانواده و ازدواج.

است که اهمیت ویژه‌ای دارد. چنانکه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَمَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ».^۱ این بدان معناست که هر قدم در این مسیر نه تنها به تعالی روح و قرب بیشتر به خداوند می‌انجامد، بلکه برکاتی از قبیل رحمت، مغفرت را نیز به همراه دارد. به همین دلیل، زیارت اربعین فرصتی استثنایی برای تجدید بیعت با آرمان‌های امام حسین علیه السلام و شهادت‌طلبی ایشان به شمار می‌آید. زائران در این مسیر نه تنها در جستجوی پاداش الهی هستند، بلکه در پی تحولی عمیق در درون خود و تقویت باورهایشان نیز هستند. عشق و ارادت به امام حسین علیه السلام در این تجمع بزرگ، نه تنها قلب‌ها را به هم نزدیک می‌کند، بلکه روح ایمان و ایثار را در عرصه‌های زندگی گسترش می‌دهد.

معنا و مبنای تبلیغ اسلام

تبلیغ در اصطلاح به معنای رساندن پیام به دیگری به منظور ایجاد دگرگونی در بینش و رفتار اوست.^۲ تبلیغ دین، شاخه‌ای از ارتباطات است که مبلغ می‌خواهد با ابلاغ دین اسلام به کمک هر وسیله ممکن و مشروع، مردم را به سوی اسلام متمایل کند.^۳ خدویند متعال می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» و باید از شما گروهی باشند که [همه مردم را] به سوی خیر [اتحاد، اتفاق، الفت، برادری، مواسات و درستی] دعوت نمایند و به کار شایسته و پسندیده وادارند و از کار ناپسند و زشت بازدارند؛ و به یقین اینان رستگارانند».^۴ این آیه نشان می‌دهد باید گروهی باشند که کافران را به اسلام دعوت کنند و به انجام‌دادنی چیزی که رضای خدا در آن است و سبب پاداش او می‌شود و به ترك آنچه او را به خشم می‌آورد و موجب کفر وی می‌شود، دعوت‌کننده به خیر و معروف باید اسلام‌شناس، مردم‌شناس و شیوه‌شناس باشد؛ به همین دلیل بعضی از افراد این وظیفه را به عهده‌دارند، نه همه آن‌ها.^۵

۱. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۴۲.

۲. محمدتقی رهبر، پژوهشی در تبلیغ، ص ۱۲.

۳. محسن خندان، تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی، ص ۶۲.

۴. آل عمران: ۱۰۴.

۵. محمدجواد مغنیه، ترجمه تفسیر کاشف، ج ۲، ص ۲۵.

ابعاد فرهنگی و تبلیغی پیاده‌روی اربعین

مبلغان گرامی می‌توانند از فرصت پیاده‌روی اربعین در ابعاد ذیل فعالیت کنند:

۱. تبلیغ چهره‌به‌چهره

تبلیغ چهره‌به‌چهره به معنای خاص عبارت است از ارتباط رودرروی مبلغ با مخاطب به صورت مستقیم، غیررسمی و خودمانی و هدفمندانه برای هدایت او. البته این روش منحصر در گفتن نیست، بلکه ممکن است مبلغ با رفتار خود یا انجام‌دادن کار هنری یا حتی زبان بدن به تبلیغ دین بپردازد. یکی از روش‌های هدایتگری، تبلیغ با رفتار و عمل مبلغ است. این نوع تبلیغ بیشترین تأثیر را در مخاطب دارد؛ زیرا مخاطب در مقابل چشمان خود الگویی را می‌بیند که بر اساس آموزه‌های دینی عمل می‌کند.^۱

در زیارت اربعین آمده است: «وَبَدَلْ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لَيْسْتَ تَقْدَّ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ» و [شهادت می‌دهم] امام حسین علیه السلام جانش را در راه تو بذل و بخشش نمود تا بندگان را از جهالت و نادانی و سرگردانی گمراهی نجات بخشد.^۲ حسین بن علی علیه السلام خون جگرش را داد تا مردم را کند، تزکیه کند؛ یعنی همان دو کاری که انبیا انجام می‌دادند. هدف اساسی سالار شهیدان نیز تعلیم و تزکیه مردم بوده است. یکی از صحنه‌های زیبای همایش پیاده‌روی اربعین، هدایتگری و آگاهی‌بخشی است. موکب‌ها در این همایش، بیان تاریخ حماسه کربلا، ابعاد فرهنگی عاشورا و اربعین در قالب عبادت‌های جمعی، نماز جماعت، نماز شب، سخنرانی‌های مذهبی با ملیت‌های مختلف و زبان‌های مختلف و تبلیغ فردی و گروهی است. این اجتماع عظیم چند ده‌میلیونی بعد از پایان آن مانند یک رسانه مردمی قابل اعتماد است که وقتی افراد به کشورها، شهرها، روستاها و محله‌های خود برمی‌گردند، انتقال‌دهنده حقایق به دیگران هستند که این مسئله با مجموعه‌ای از تصاویر می‌تواند جهالت را بزدايد و انسان‌ها را با حقایق بیشتر آشنا کند. از آنجاکه همایش اربعین فعالیتی مردمی است و حاکمیت‌ها آن را کنترل نمی‌کنند، ظرفیت بالایی در انتقال پیام با اعتمادسازی دارد؛ از این رو روایتگری از این همایش و بیان عوامل حرکت‌آفرین و فلسفه پیدایش آن نقش عظیمی در آگاهی‌بخشی دارد.

۱. حسین ملانوری، تبلیغ چهره به چهره، ص ۱۷.

۲. محمد بن حسن طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۱۳، ح ۲۰۱؛ محمد بن حسن طوسی، مصباح‌المتجهّد، ص ۷۸۸، ح ۸۵۷.

۲. تکریم زائران اربعین

یکی از ابعاد همایش پیاده‌روی اربعین، ضیافت و اطعام و انفاق کریمانه از عزاداران و زائران است. مردم عراق و برخی از ملت‌ها با احداث موکب و آشپزخانه‌های سیار در مسیر پیاده‌روی، از زائران با انواع رزق و روزی‌های پاک و طیب پذیرایی می‌کنند. انفاق و اطعام و سیراب کردن از مصادیق تکریم میهمان است. در این همایش جهانی، تکریم مهمان بدون توجه به ملیت، مذهب، نژاد و منزلت اجتماعی افراد انجام می‌گیرد.

بخش عظیمی از زائران که با کمترین امکانات در همایش پیاده‌روی اربعین شرکت کرده‌اند، از کمک‌های مالی و غیر مالی مثل اسکان و درمان بهره‌مندند. این تکریم، وظیفه‌ای دینی و الهی - انسانی و با الگوگیری از اهل بیت علیهم‌السلام و آمیخته با محاسن اخلاقی است. میزبانان عراقی و موکب‌داران این خدمات را مایه افتخار خود می‌دانند؛ درحالی‌که زائران در این همایش منحصر در شیعیان نیستند، بلکه از همه فرق‌های اسلامی حتی از ادیان و مذاهب و کشورهای مختلف بین آنها دیده می‌شود. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا: ما آدمی زادگان را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا [بر مرکب‌های راهوار] حمل کردیم؛ و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم».^۱ علامه طباطبایی می‌فرماید:

«این یکی از مظاهر تکریم است که انسان را به میهمانی مثل می‌زند که به ضیافتی دعوت شود؛ آن‌گاه برای حضور در آن ضیافت برایش مرکب بفرستند و در آن ضیافت انواع غذاها و میوه‌ها در اختیارش بگذارند که هم میهمان‌کردن، تکریم است و هم مرکب فرستادن و هم غذاهای لذیذ برایش آوردن همه مصداق تکریم است».^۲

در همایش پیاده‌روی افزون بر پذیرایی و ضیافت، دعوت کریمانه همراه با التماس برای توفیق میزبانی با انواع وسایل آرامش بخش مثل اسکان و شستشوی لباس‌ها، پذیرایی جمعی همراه با خوشامدگویی، استقبال و ... از صحنه‌های زیبای این تکریم است. در پذیرایی از زائرین اربعین،

۱. بقره: ۸۳.

۲. سید محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۲۱۶.

مردم عراق و میزبانان بهترین انواع غذاها، نوشیدنی‌ها و امکانات را برای اسکان و استراحت تقدیم می‌کنند؛ همچنین یکی از شگفتی‌های این سفر برای زائران، فروتنی بیش از حد انتظار میزبانان در برابر زائران است. روابط انسانی در این ضیافت با وجود غریبه‌بودن دو طرف، به‌سرعت صمیمانه می‌شود و هیچ‌گونه چشمداشت مادی در آن دیده نمی‌شود. بیشتر شرکت‌کنندگان اظهار می‌کردند بسیاری از میزبانان با اینکه تنگدست بودند، سخاوتمندانه و مخلصانه به پذیرایی از زائران و خدمات‌دهی به آنها اصرار می‌ورزند و این کمک‌رسانی با عشق و برادری انجام می‌گیرد. مشاهده هزاران موکب همراه با آشپزخانه‌های سیار که روستاییان در مسیر پیاده‌روی زائران ساخته‌اند، نمونه‌ای از این مسئله است. موکب‌ها در مکان‌هایی ساخته شده‌اند که تمام نیازهای زائران را تأمین کنند؛ از غذای تازه گرفته تا جای استراحت، از تلفن رایگان بین‌المللی تا گهواره‌های کودکان که همه چیز رایگان است. شگفت‌تر از همه اینها، شیوه دعوت از زائران برای خوردن و نوشیدن است؛ فعالان موکب‌ها به میان راه می‌آیند و با التماس به زائران از آنها می‌خواهند پیشنهاد آنان را قبول کنند.

تکریم در این پیاده‌روی در تمامی ابعاد برقرار است؛ از این‌رو بایسته است تبلیغ نیز در این فضای نورانی با تکریم در گفتار و محتوا همراه باشد؛ چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا؛ و با مردم با خوش‌زبانی سخن بگویید».^۱

روابط اجتماعی در بزرگ‌ترین همایش مذهبی جهان تنها بر دوگانه خادم-زائر استوار است. ازین‌بردن تمامی تعینات اعتباری و توهمی دست‌وپاگیر و ارائه انسانی‌ترین و ساده‌ترین رابطه آسمانی، زمینه حضور انبوه زن و مرد و کوچک و بزرگ را در فضایی امن و سالم ایجاد کرده است که می‌تواند ارائه نمونه‌ای از تمدن نوین اسلامی باشد.

۳. آموزش و ترویج پیام‌های اسلامی

پیاده‌روی اربعین، فرصتی منحصر به فرد برای آموزش احکام و معارف دین اسلام به زائران فراهم می‌آورد. در مسیر پیاده‌روی، افراد با محتوای فرهنگی، مذهبی و آموزشی در نقاط مختلف خدمات‌رسانی می‌کنند و به تبلیغ آموزه‌های اسلامی می‌پردازند. این رویداد همچنین فرصتی

برای گفتگو درباره مفاهیم و اصول دینی، تاریخ اسلام و زندگی ائمه علیهم السلام است. زائران می توانند در مورد معانی و پیام های عاشورا، فلسفه قیام امام حسین علیه السلام و ارزش های انسانی و اخلاقی به بحث و تبادل نظر بپردازند. همچنین، در طول پیاده روی، برنامه های فرهنگی، مذهبی و هنری گوناگونی برگزار می شود. انبوه زائران از ملیت ها و فرهنگ های مختلف که در این مراسم شرکت می کنند، خود به تنهایی قدرت و جذابیت پیام اسلام و عاشورا را به نمایش می گذارد.

۴. ترویج شناخت جهانی از اسلام

پیاده روی اربعین به عنوان یکی از بزرگ ترین تجمعات مذهبی جهانی، تأثیر قابل توجهی در صدور و شناخت فرهنگ اسلامی دارد. این حرکت عظیم، نمایانگر پویایی اسلام است. زائران از سراسر جهان با عشق به امام حسین علیه السلام و اهداف ایشان به کربلا می آیند و این خود پیام محکمی از وحدت و قدرت ایمان اسلامی به جهانیان منتقل می کند. علاوه بر این، حضور پیاده رویها در کربلا توجه افراد غیرمسلمان را نیز جلب می کند. بسیاری از افراد از کشورهای مختلف به دلیل حس کنجکاوی و آشنایی با فرهنگ اسلامی به این پیاده روی می آیند. این تعاملات زمینه ساز شناخت عمیق تری نسبت به اسلام می شود. به عنوان مثال، رسانه های داخلی و خارجی به این رویداد توجه ویژه ای کرده و گزارش هایی در مورد تجمعات عظیم زائران منتشر می کنند. این پوشش رسانه ای نه تنها به آگاهی عمومی در مورد اسلام و فرهنگ عاشورا کمک می کند، بلکه تصاویری از همبستگی و وحدت مسلمانان و بشریت را به نمایش می گذارد. به عنوان نمونه، خبر حضور یک زن مسیحی در جمع زائران حسینی نشان دهنده تعامل مثبت بین ادیان و گسترش پیام همدلی و محبت اسلامی است.

۵. ترویج فرهنگ عاشورا

این تجمع نه تنها یک مراسم دینی بلکه فرصتی برای نشر مفاهیم انسانی، اجتماعی و اخلاقی مرتبط با عاشورا محسوب می شود. در طول پیاده روی، زائران با شعارها، برنوشته ها و محتوای مرتبط با اهداف و پیام های عاشورا مواجه می شوند. این محتوا معمولاً شامل اصولی چون عدالت طلبی، ایثار و مبارزه با ظلم است. پیاده روی جمعی زائران حس همبستگی و مشارکت را تقویت می کند و خود به عنوان یک مراسم دینی به گسترش عشق به امام حسین علیه السلام کمک می نماید. از سوی دیگر، در مسیر پیاده روی برنامه های مختلفی مانند سخنرانی ها، روایتگری از

وقایع عاشورا، شعرخوانی و نقالی برگزار می‌شود. این اشکال هنری و فرهنگی نقش بسزایی در انتقال عواطف و مفاهیم عاشورا به زائران دارد. بر این اساس، پیاده‌روی اربعین به‌عنوان نمادی از عشق و ارادت به امام حسین علیه السلام و اصول اخلاقی و انسانی که او نمایندگی می‌کند، فرصتی برای یادآوری پیام‌های عاشورا، همچون آزادی‌خواهی، ایثار و عدالت‌طلبی به‌حساب می‌آید.

۶. گسترش همبستگی منطقه‌ای و فرامرزی

هرساله، پیاده‌روی اربعین به مقصد کربلا، زائرانی از کشورهای مختلف از جمله ایران، عراق، لبنان، سوریه، عربستان، هند و حتی کشورهای غیرمسلمان مانند آمریکا و اروپا را گرد هم می‌آورد. این تنوع فرهنگی و زبانی به نزدیکی اعضای مختلف جامعه مسلمان و همچنین معرفی پیام عاشورا فراتر از مرزها و ملیت‌ها کمک می‌کند. در طول پیاده‌روی، زائران مراسم‌های مشترکی را برگزار می‌کنند که شامل دعا، روضه‌خوانی و نثار فاتحه برای شهدای کربلا است. این فعالیت‌ها به تبادل فرهنگ‌ها و تجربیات مذهبی بین زائران از کشورهای مختلف منجر می‌شود و همبستگی آنان را تقویت می‌کند.

۷. فراهم کردن زمینه برای گفتگو

پیاده‌روی اربعین به‌عنوان یک پدیده فرهنگی و اجتماعی، نقش بارزی در گسترش فرهنگ گفتگو میان مسلمانان و حتی غیرمسلمانان ایفا می‌کند. این رویداد عظیم انسانی فضایی استثنایی برای افرادی با اعتقادات و فرهنگ‌های متنوع فراهم می‌آورد تا در محیطی معنوی و مسالمت‌آمیز به تبادل نظر و گفتگو بپردازند. به‌عنوان مثال، در مسیر پیاده‌روی و در ایستگاه‌های استراحت، معمولاً نشست‌های فرهنگی و علمی برگزار می‌شود که در آن زائران به بحث و تبادل نظر در مورد ارزش‌ها و آموزه‌های عاشورایی می‌پردازند و تجربیات و باورهای خود را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند. این گفتگوها نه تنها به فهم عمیق‌تر از یکدیگر کمک می‌کند، بلکه به ایجاد دوستی‌ها و اتحاد میان مسلمانان از مذاهب مختلف نیز می‌انجامد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن‌قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف اشرف: دارالمرتضویه، ۱۳۵۶ ش.
۲. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات، ج ۴۱، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸ ش.
۳. خامنه‌ای، سیدعلی، جاذبه حسینی، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، [بی‌تا].
۴. خندان، محسن، تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۵. رهبر، محمدتقی، پژوهشی در تبلیغ، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۱ ش.
۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۷۴ ش.
۷. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۸. طوسی، محمد بن حسن، مصباح‌المتجهد، بیروت: مؤسسه فقه‌الشیعه، ۱۴۱۷ ق.
۹. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: دارالحديث، ۱۴۲۹ ق.
۱۱. کمیته فرهنگی و آموزشی اربعین؛ «ویژه‌نامه اربعین حسینی»؛ ش ۱۲، سال ۱۴۰۲.
۱۲. مغنیه، محمدجواد، ترجمه تفسیر کاشف، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۸ ش.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۱۴. ملانوری، حسین، اربعین: چیستی، چرایی، چگونگی، قم: [بی‌نا]، ۱۳۹۶ ش.